

facebook

فیسبک

آداب و احکام آن



نویسنده: علی محمد شوقی

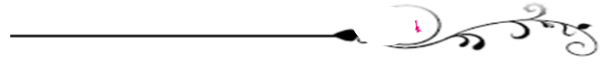
مترجم: دکتور محمد طاہر قاسمی

فیسبک آداب و احکام آن نویسنده: علی محمد شوقی مترجم: دکتور محمد طاہر قاسمی



facebook





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، وعلى آله وأصحابه ومن
والاه.

اما بعد!

بدون شک فیسبوک یکی از عجایب عصر حاضر بوده که با دامنه گسترده اش
توانسته جهانی را احتوا نماید و حدود مرزی موجود میان کشور ها شکستانده و
روابط را به گونه شگفت انگیزی برقرار نماید.

آیا این هیولای ارتباطات می تواند در جهت های مثبت به کار رود؟

آیا این شگفته عصر حاضر می تواند در خدمت علوم و تحقیقات قرار گرفته و
برای انتشار و همگانی سازی آنها مفید واقع شود؟

آیا مسلمانان می توانند این فرصت طلایی را غنیمت شمرده و در راستای
دعوت سلیم اسلامی به کار ببرند؟

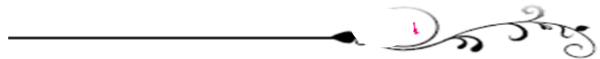
آیا ضوابط و قواعد شریعت اسلامی در مورد چنین پدیده پاسخگو بوده و در
تعامل با آن راهنمایی و ارشاد نمایند؟

پاسخ این همه سوالات خویش را در این کتابی که پیش روی شما قرار دارد
خواهید یافت!!!

در این جا ضرور می بینیم که توضیحاتی فشرده پیرامون این پدیده ارائه کرده
تا خواننده محترم را در وضاحت تمام قرار دهیم.

توضیحاتی کوتاه پیرامون فیسبوک⁽¹⁾

1 - دانش نامه آزاد (ویکدپدیا)، تاریخ رجوع: 26 / 2 / 1397 ه.ش).



فیسبوک (به انگلیسی: Facebook) یک سرویس شبکه اجتماعی برخط است که در ۴ فوریه سال ۲۰۰۴ میلادی توسط مارک زاکربرگ و دوستانش ادواردو سورین، اندرو مککالم، داستین موسکوویتز و کریس هیوز در دانشگاه هاروارد به وجود آمد.

در ابتدا نام نویسی در این وبگاه به دانشجویان دانشگاه هاروارد محدود بود. اما با گذشت زمان در آن برای دانشگاه‌های شهر بوستون، آیوی لیگ و دانشگاه استنفورد نیز گشوده شد.

پس از افزوده شدن دانشگاه‌های مختلف و دبیرستان‌ها به لیست مجاز عضویت در فیسبوک، عضویت در آن به تدریج در دسترس تمامی افراد بالای ۱۳ سال در سراسر دنیا قرار گرفت.

کاربران برای بهره‌گیری کامل از فیسبوک باید در آن نام نویسی کنند. پس از نام نویسی، امکان ایجاد نمایه شخصی، افزودن دیگر کاربران به فهرست دوستان، فرستادن و دریافت پیام و دریافت آگاه‌سازی از تغییرات دوستان خود فراهم می‌شود.

علاوه بر این موارد، پیوستن به گروه‌های مورد علاقه، یافتن هم‌کاران، هم‌کلاسی‌ها، پسندیدن پست‌ها، بیان دیدگاه و دسته‌بندی دوستان از امکانات دیگر این سیستم است.

وبگاه فیسبوک سالیانه ۱۸۰ پتابایت (معادل نیم پتابایت در روز) اطلاعات در سرورهای خود ذخیره می‌کند.

این وبگاه به ۱۴۰ زبان دنیا قابل دسترس بوده و ۷۰ درصد از کاربران آن در خارج از ایالات متحده آمریکا هستند.

چرا رنگ پایه فیسبوک آبی است؟(۱)

۱ - <http://bestanswer.info>، تاریخ رجوع: 26 / 2 / 1397 ه.ش).

چون مارک زاکربرگ کور رنگی دارد و رنگهای سبز و قرمز را خوب نمی بیند.

او علاقمند بوده و هست که فیسبوک را به همان شکلی که همه‌ی مردم دنیا می بینند ببیند.

تاریخچه فیسبوک (1)

شبکه اجتماعی فیسبوک ابتدا به شکلی ساده و با اسم (Facemash) در سال 2003 طراحی و پیاده سازی شد.

این پروژه چندان موفق نبود و بعدها با تغییر ساختار و تغییر نام، در سال 2004 مجدداً توسط مارک زاکربرگ و چهار نفر دیگر از دوستانش در دانشگاه هاروارد به شکل رسمی معرفی و راه اندازی شد.

طوری که پیشتر گذشت قرار بود فیسبوک صرفاً برای ارتباط میان دانشجویان هاروارد مورد استفاده قرار بگیرد. اما به سرعت به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی دیگر مانند دانشگاه استنفورد نیز تعمیم یافت و سپس در دبیرستان‌ها هم مورد استفاده قرار گرفت.

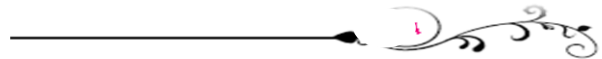
تعداد کاربران فیسبوک (2)

فیسبوک اعلام کرده است که تعداد کاربران فعال این شبکه اجتماعی در یک ماه به ۲ میلیارد نفر رسیده است.

فیسبوک ۱۳ سال پیش توسط مارک زاکربرگ تأسیس شد و این شبکه اجتماعی روز سه شنبه ۲۷ ژوئن 2017 میلادی اعلام کرد که یک از چهارم جمعیت دنیا از فیسبوک استفاده می کنند.

1 - <http://bestanswer.info>، تاریخ رجوع: 26 / 2 / 1397 ه.ش).

2 - www.bbc.com/persian/business، تاریخ نشر: (28 ژوئن 2017 م = 07 میزان 1396 ه.ش)، و تاریخ رجوع: 26 / 2 / 1397 ه.ش).



مارک زاکربرگ پس از راه اندازی فیسبوک از دانشگاه هاروارد خارج شد تا پروژه‌اش را تکمیل کند.

این شبکه اجتماعی در اکتبر سال ۲۰۱۲ اعلام کرده بود که یک میلیارد کاربر فعال دارد. شمار کاربران این شبکه در ۵ سال دو برابر شده است. این در حالی است که پیش بینی شده بود که رشد مداوم فیسبوک به دلیل رشد سریع اسنپ‌چت کاهش خواهد یافت.

در اوایل سال جاری میلادی، فیسبوک خبر داده بود که درآمدها از تبلیغات کاهش خواهد یافت. او اخیراً به یکی از نشریه‌های آمریکایی گفت که تعداد کاربران این شبکه باید گسترش یابد چون هنوز تمام جمعیت دنیا به این شبکه وصل نشده‌اند.

آقای زاکربرگ گفت: "آنچه که واقعا برای ما اهمیت دارد این است که همه بتوانند به این شبکه اجتماعی وصل شوند."

رشد سریع فیسبوک نگرانی‌های را مبنی بر توانایی‌ها این شرکت در تعدیل محتوای آن به میان آورده است.

در یکی از تازه ترین موارد، یک مرد ویدیویی از خود منتشر کرده بود که در آن به یک مرد سالخورده شلیک می کند و او را به قتل رساند.

ماه گذشته، فیسبوک گفت که این شبکه در نظر دارد که ۳۰۰۰ کارمند جدید را برای تعدیل محتوا استخدام کند.

انتقادهای بالای فیسبوک^(۱)

نتایج یک مطالعه در انگلستان نشان داده که در حدود یک پنجم تا یک سوم طلاق‌های این کشور، به فیسبوک در دادخواست طلاق اشاره شده و موجب نارضایتی یکی از طرفین را فراهم آورده است.

1 - دانش نامه آزاد (ویکیپدیا)، تاریخ رجوع: 26 / 2 / 1397 ه.ش).

جولین آسانژ مؤسس و مدیر وبگاه ویکی لیکس می گوید:

فیسبوک تنفر آمیزترین ابزار جاسوسی است که تاکنون ایجاد شده است. هر کس که نام و مشخصات دوستان خود را به شبکه اجتماعی فیسبوک اضافه می کند باید بداند که به شکل رایگان در خدمت دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا است و این گنجینه اطلاعاتی را برای آن‌ها تکمیل می کند.

به گفته وی فیسبوک یک گنجینه اطلاعاتی بسیار بزرگ از نام و پیشینه افراد است که کاربران آن را به شکل داوطلبانه در اختیار این شبکه اجتماعی قرار می دهند ولی این ابزار توسط دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا مورد بهره برداری قرار می گیرد. دسترسی این دستگاه‌های اطلاعاتی به اطلاعات ذخیره شده در فیسبوک آن را به یک ابزار خطرناک بدل کرده است.

1 - گردآوری و ذخیره سازی نانوشته‌ها:

فیسبوک در مقاله ای در دسامبر ۲۰۱۳ اعلام کرد، از این امکان برخوردار است که می تواند پیش نویس نوشته های کاربر را که نهایتاً تصمیم به انتشار آن‌ها نمی گیرد، همان طور که تایپ می شوند، ذخیره و نگه داری کند. مقاله مشخص می کند که فیسبوک بر اندیشه های اشخاص حتی بدون انتشار نظارت دارد.

هنگام نوشتن در فیسبوک، این شبکه اجتماعی کدهایی را به مرورگر وب ارسال می کند و این کدها به صورت اتوماتیک آنچه را که شما تایپ می کنید را تحلیل می کند و به فیسبوک گزارش می دهد. فیسبوک این اقدام را که کاربر چیزی می نویسد و از انتشار آن صرف نظر می کند خودسانسوری تلقی کرده است.

در ژانویه ۲۰۱۴ هزاران کاربر فیسبوک با تشکیل جنبش اجتماعی اعتراض آمیز و انتشار یک نامه سرگشاده برخط که ۲۷ هزار امضاء کننده یافت، خواستار آن شدند تا فیسبوک از رهگیری اندیشه های منتشر نشده شان

دست بکشد. یک سخنگوی فیسبوک در پاسخ گفت: «فیسبوک محتوایی را که کاربران تصمیم گرفته اند تا آن را منتشر نکنند گردآوری یا رهگیری نمی‌کند».

2 - ارائه اطلاعات کاربران به دولت‌ها:

فیسبوک در گزارشی که در ۲۷ اوت ۲۰۱۳ میلادی منتشر کرد اعلام نمود که اطلاعات کاربران را به درخواست دولت‌های مختلف، در اختیار این دولت‌ها می‌گذاشته است.

در این گزارش آمده است که تنها در نیمه نخست سال ۲۰۱۳ میلادی دولت‌های گوناگون خواستار دستیابی به اطلاعات بیش از ۳۸ هزار کاربر این شبکه اجتماعی شده‌اند که در ۸۰٪ موارد درخواست‌ها به نتیجه رسیده‌اند.

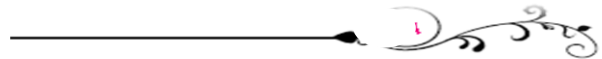
بیش از ۷۴ کشور جهان چنین درخواست‌هایی از فیسبوک داشته‌اند. بیش از نیمی از درخواست‌ها مربوط به دولت آمریکا بوده است (۲۰ تا ۲۱ هزار کاربر) که به ۷۹٪ از آن‌ها ترتیب اثر داده شده است. میزان دقیق درخواست‌های آمریکا به علت وجود قوانینی که مانع افشای آمار دقیق هستند ممکن نبوده.

دولت بریتانیا نیز ۲۳۰۰ درخواست در این زمینه داشته است که به ۶۸٪ از آن‌ها ترتیب اثر داده شده. مقامات ترکیه اطلاعات ۱۷۳ کاربر فیسبوک را از این وبگاه درخواست کرده‌اند که فیسبوک به ۴۵ مورد از آن‌ها پاسخ داده است.

به گفته فیسبوک این اطلاعات به «تهدید کودکان و شرایط اضطراری» مربوط بوده‌اند. وکیل فیسبوک در اینبار اظهار امیدواری کرده است که این گزارش در جهت دستیابی به «معیارهای مناسب برای درخواست‌های دولت‌ها درباره اطلاعات کاربران» مفید باشد.

3 - پایش لینک‌های درون پیام‌های خصوصی:

در روز ۳۰ دسامبر ۲۰۱۳ (۹ دی ۱۳۹۲) از فیسبوک شکایت شد که آن دسته از پیام‌های خصوصی کاربران را که در برگزیده لینکی به وبگاه‌های



دیگر است پایش می کند تا با اطلاع از محتوای وبگاه لینک داده شده، از این داده‌ها برای هوشمند کردن آگهی‌های خود بهره گیرد.

بر اساس این شکایت، فیسبوک متهم به کنترل پیام‌های خصوصی کاربران به منظور بهره‌گیری از محتوای لینک‌های درون آن برای تنظیم آگهی‌های خود است.

با در نظر داشت مطالب فوق در می‌یابیم که اگر این هیولای ارتباطات تحت قواعد و ضوابط درست قرار نگیرد و کاربرانی که قمست زیادی از اوقات خویش را در مشغولیت با این سپری می‌کنند منضبط و کنترل نشود شکی نیست که تبدیل به یک مصیب رنج آور و خطرناک بر ضد آرمانی‌های بشری تلقی شود.

آری تنها نظام عام و شاملی را فقط اسلام دارا است که با وضاحت تمام توانسته با چنین پدیده‌های تعامل نموده و بشر را به استفاده درست از آن فرا خواند.

و تهدیداتی را که از این ناحیه متوجه جامعه بشری باشد به گونه درست معالجه نماید.

امروزه ما شاهد آن هستیم که به فضل و مرحمت الهی کاربران مسلمان و دعوت‌گران ایثارگر این بازار مورد توجه بشریت را به منبر بیان و سنگر جهاد و مرکز تحقیقات مبدل نمایند.

بدون شک در می‌یابیم که این اسلام است، و ریشه مستحکم در آسمان‌ها دارد، و کسی آن را برای بشریت ارزانی کرده که خالق و مالک بشریت بوده، که در این پیامش زمینه کنترل و مهار هر پدیده جدید و نو نهفته است.

به هر حال هر کار محصول دست بشر بی‌عیب و نقص نیست از عزیزان خواننده می‌خواهیم که اگر بر خطا و یا اشتباهی در این ترجمه آگاه می‌شود، لطف خویش از این بنده حقیر دریغ نورزیده و تقبل زحمت نموده این جانب را از طریق شبکه‌های تواصل اجتماعی در جریان قرار دهند.

مقوله سیدنا عمر – رضي الله تعالى عنه – را زمزمه می کنیم: رحمت خداوند
متعال بر کسی باد که معایب ما را به ما و محاسن ما را به دیگران گوید.

برادر شما: محمد ظاهر قاسمی

دانشگاه بین المللی اسلامی اسلام آباد – پاکستان

1397 / 2 / 26 هـ . ش.

Table of Contents

13.....	مقدمه
19.....	پلان ساختاری کتاب
20.....	فصل اول آداب عمومی فیسبوک
20.....	1 – همکاری بر نیکوکاری و پرهیز گاری:
21.....	2 – نفع رسانی برای بندگان در هرکجا:
22.....	هشدار های یک دوست
28.....	فصل دوم آداب متعلق به معلومات صفحه شخصی
28.....	اول – آداب نامگذاری صفحه:
28.....	و در این جا برخی از آدابی که در نامگذاری صفحات فیسبوکی واجب الالتزام است:
33.....	حکم نامگذاری فیسبوک به نام های مستعار:
34.....	حکم نامگذاری فیسبوک مثل: (القرآن والسنة)، یا (الله ربي)، یا (القرآن منهجي)، و یا نامگذاری آن به ذکر الله؛ مثل سبحان الله وغيره:
36.....	حکم نامگذاری صفحه به آیات قرآنی:
36.....	حکم نام گذاری صفحه به (أسيرة القرآن = اسیر قرآن):
37.....	حکم نامگذاری صفحه به لقب های که شامل کلمات عشقی برای خدا، انبیاء و پیامبران است:
39.....	حکم نامگذاری – صفحات فیسبوک – به نام های که به بهشت نسبت شده است؛ مثل (زعفران الجنة = زعفران بهشت)، (عصفور الجنة = گنجشک بهشت) وغيره:
40.....	حکم نامگذاری صفحه به نام های یکی از صحابه یا علماء؛ مثل عمر بن الخطاب، یا امام مالک:
41.....	حکم نامگذاری صفحه همانند (الدلوعة = پیشتاز)، (الحلوة = شیرین)، (المزينة = زیبا):
41.....	حکم نامگذاری به نام های مستعار پست و زشت؛ همانند شیطان، جن، غول وغيره:
43.....	حکم کنیه گرفتن کنیه نبی اکرم – صلی الله علیه وسلم – یعنی (ابو القاسم):
43.....	حکم نامگذاری صفحه به (الإرسول الله)، یا به (الاک یا رسول الله):
46.....	حکم انتحال اسامی شخصیت های بزرگ در فیسبوک:
49.....	حکم هک کردن صفحات فیسبوک و سرقت آنان:
50.....	دوم – آداب تصویر صفحه و تصویر نمایش پروفایل:
50.....	حکم تصویر فتوگرافی:
53.....	سخن برگزیده – از میان این دو -:
54.....	تصویر فتوگرافی نام عرفی است نه شرعی، پس حمل اصطلاح شرعی بر عرفی که جدیداً پیدا شده است جایز نیست.
56.....	حکم تصاویر سلفی و تصاویر زنان:
58.....	حکم گذاشتن تصاویر اطفال در تصویر صفحه و تصویر نمایش پروفایل:
59.....	حکم گذاشتن تصاویر پوشه های کتب علمی به روی صفحه:
59.....	سوم – احکام دیگر:
59.....	حکم غلط ثبت نمودن تاریخ تولد در بخش معلومات صفحه:
60.....	حکم جمله که در بخش (دوستی آزاد) یکه برخی ها در معلومات صفحه خود می نویسد:

فصل سوم آداب متعلق به درخواست دوستی و لغو آن و همچنان مسدود سازی افراد.....64

64..... اول: در خواست دوستی:.....

69..... حکم درخواست دوستی از طریق فیسبوک مرد از زن و بالعکس:

وقتی که به کسی - که نمی شناسم - درخواست دوستی دهم، فیسبوک از من می پرسد: آیا این شخص را می شناسی؟ اگر در جوابش گفتم: بلی، آیا این دروغ محسوب می شود؟.....71

71..... دوم - لغو دوستی اشخاص و مسدود سازی آنان:.....

فصل چهارم آداب متعلق به پسندیدن صفحات و پیوستن به گروه ها77

80..... حکم صفحات و گروه های که به منظور شناسایی دو جنس مخالف برای ازدواج ایجاد شده است:.....

فصل پنجم آداب متعلق به نشرات فیسبوک85

برخی چیزی های که مناسب است در فیسبوک نشر شود، به اذن خداوند متعال در برابرش به انسان پاداش داده خواهد شد:.....103

104..... چیز های که بر مسلمان لازم است که در نشرات روی فیسبوک از آنها بر حذر باشد:

113..... آگاهی بر نشر برخی مطالب مجاز:.....

2 - مطلب نشر شده که متضمن غیبت شخصی نا معین باشد:.....116

3 - نشر مطلبی که مشتمل بر آگاهی از (نعی = در گذشت) شخصی باشد:.....117

فصل ششم آداب متعلق به پسندیدن مطالب و تعلیق و نظریه دادن بر آنها.....121

125..... اول : آداب پسندیدن مطالب:.....

127..... آنچه برای مسلمان واجب است که در هنگام پسندیدن مطلب بر حذر باشد:.....

دوم : آداب متعلق به تعلیق و نظریه دادن بر مطالب نشر شده:.....130

139..... آنچه برای تعلیق نگار و یا نظریه پرداز جایز است که احیانا به آن دست زنند:.....

144..... حکم گفتمان مرد وزن اجنبی در نوار تعلیقات مطالب نشر شده:.....

حکم برچسپ های که بیان گر خوشحالی و یا غم بر روی فیسبوک و غیره است، چیست؟ آیا جزء نوشتن به حساب می آید؟.....144

فصل هفتم آداب متعلق به پیامک ها از طریق فیسبوک(0).....151

158..... فرستنده پیام و مسنول صفحه (ادمن):.....

158..... فرستنده پیام و مفتی:.....

158..... برخی از ملاحظات نادرستی که در مکاتبات روی فیسبوک وجود دارد:.....

159..... مکاتبات زنده کننده:.....

160..... مکاتبات ادیت کننده:.....

162..... حکم تبادل پیامک ها فیسبوکی میان مردان و زنان چیست ؟.....

پایانی نیک.....167

بسم الله الرحمن الرحيم



الحمد لله رب العالمين، و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، و أشهد أن محمداً عبده و رسوله - صلى الله عليه و سلم - و رضي الله تعالى عن الصحابة و التابعين و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

وبعد!

آنچه هویدا است همانا بخش زیادی از افکار علمی و تحقیقی که با مرور زمان و گذشت ایام درخشیده، پس در کرانه های روح و روان به گونه ویژه خواهد تابید.

و این کتابی که اکنون در اختیار شما جناب خواننده عزیز قرار دارد چیزی جز یک فکری بیش نیست، و هدف من از این کتاب - حسب توانایی و گنجایشم - بیان فروانی قانون گذاری اسلام در آداب و احکامش، وسعت عبارات، قوت معانی و عمق مقاصد، شمولیتش بر رویداد ها در هر زمان و مکان و دوریش از هر نوع جمود سیستماتیک و دوشواری های قانونی می باشد.

و این چیزی بود که ضرورتش در نوشتن موضوعات زیادی مربوط به قضایای فیسبوک مشاهده شده؛ و به خاطر برداشتن هرج و مرج از روی صفحات فیسبوک و دفع تنازع میان کاربران آن به جمع آوری این مطالب پرداخته؛ زیرا این پدیده در همه آفاق به گونه گسترده به شهرت رسیده است، پس این رساله که تحت عنوان (فیسبوک آداب و احکام آن)

در اختیار شما جناب خواننده عزیز قرار داده شده است، تا بتواند گره گشای حل مشکلات شما در این راستا گردد.

بدون شک دعوت گران و اصلاح جویان امروز نیازمند انعطاف پذیری ذهنی و قوت تفکیر در تغییرات هدفمند بوده، ولی دقت فهم و انعطاف پذیری منظور است که بتواند میان منافع و مفسد تمییز قایل شود؛ باید انعطاف پذیری و قوت تفکیری را جستجو کرد که حضرت خضر – علیه السلام – آنرا تعلیم می دهد که چگونه توازن میان معیوب ساختن کشتی مساکین و از بین رفتن آن به گونه درست ایجاد نمود.

اما آنچه مخصوص فکر اصلاح جامعه است؛ پس ما در این مورد نیازمند نظر و فکر جدیدی هستیم که بتواند شکاف های کار اسلامی را مسدود نماید.

بدون شک نتایج فکری و دعوتی جدید همراه با تعامل با افکار قدیم، و یا با نتایج فکری کاملاً جدید سازنده خواهد شد.

در کنار صورت های متعدد تعامل با افکار قدیم؛ یکی از آنها روش به عاریت گیری است، و آن طوری است که انسان فکر قابل تطبیقی را که در بخشی از بخش ها وجود داشته عاریت گرفته تا در بخش جدیدی که در آن مفید تمام خواهد شد تطبیق نماید، و مشکلی که در آن بخش از پیش وجود داشته را حل نماید.

مثال آن: به کار گیری شبکه فیسبوک و دیگر شبکه ها برای شناسای اسلام و دعوت به سوی آن.

بدون شک وسایل ارتباط جمعی جدید آن چنان که فرصتی مناسب برای غیر مسلمین است؛ که به نشر معتقدات و داشته های شان که مخالف رسالت اسلام است بپردازند، فرصتی بزرگتر برای دعوت و تبلیغ رسالت محمدی – صلی الله علیه وسلم – خواهد بود.

همانا گمان من بر این است که وسایل ارتباط جمعی جدید یکی از نشانه صدق رسالت محمدی - صلی الله علیه وسلم - بوده و این فرصت بسیار بزرگی برای نشر رسالت محمدی - صلی الله علیه وسلم - خواهد بود.

و اما اینکه این نشانه است؛ بدون تردید این وسایل همه شهر های جهان را به منزله یک شهر قرار داده، طوری که در گذشته برای هر شهر پیامبر خاصی قبل از پیامبر مان حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - فرستاده می شد، - و اکنون که همه شهر های جهان به مثابه یک شهر تبدیل شده - در این دلالتی واضح و روشن بر این است، ذاتی که محمد - صلی الله علیه وسلم - را به پیامبری برای همه مردم جهان نه تنها قومش فرستاده همان خالق سبحانه تعالی است که او می دانسته که این جهانی روزی به یک دهکده تبدیل خواهد شد، پس نیازی برای پیامبران متعدد نیست، و همچنان نیازی به ارسال پیامبرانی که بعد از او برای ملت های جهان فرستاده شده شود، نخواهد بود.

این نزدیکی در میان شهر های جهان با بعثت ختم نبوت - صلی الله علیه وسلم - آغاز شده، و به گونه تدریجی و با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی پا به پیش نهاد، تا به جای رسیده که امروز ما شاهد آن هستیم، شاید پس از ما قرن های بعدی شاهد پیشرفت های زیادتر در این در این راستا باشد، پس جزء خالق سبحانه چه کسی می دانست که ارتباطات جمعی این گونه به این اوج خود خواهد رسید؟

بدون شک روابط میان ملت های جهان که دست آورد این پیشرفت بزرگ است، این مسأله را ثابت می سازد که این کار نسبت به مسلمان تنها یک کار دنیوی نیست، بلکه کاری است که به اصل و اساس عقیده آن باز می گردد؛ زیرا این دلیل با دلایل دیگری که به صدق رسول الله - صلی الله علیه وسلم - اشاره دارد، افزوده می شود.

و اینکه اینها فرصتی مناسب برای نشر دعوت است: این کار نیاز به توضیح ندارد؛ زیرا امروزه کتاب‌ها به گونه سریعتر از گذشته نوشته می‌شود، و به وسعت بیشتر نسبت به گذشته به نشر می‌رسد، کلمات تنها با قلم بر روی ورق نوشته نشده، بلکه ملیون‌ها کلمه در حلقه‌های فشرده (C.D.) با سهولت حمل و نقل و دستیابی سریع‌تر به محتویات آن، تعبئه شده است، و امروزه کلمات تلفظ شده آوازش به انتهای آواز گوینده پایان نیافته، بلکه بر روی نوار شنیداری و دیگری بر نوارهای دیداری ثبت می‌شود، و نامه‌نیازمند انتقال از طریق پست به واسطه شتر و موتر و هواپیما نیست، بلکه در چند لحظه اندک از طریق وسایلی که به مسنجر، واتس‌آپ، و ایمیل آدرس و غیره معروف است، ارسال می‌شود.

امروزه - الحمد لله تعالی - دعوت گران، دانشمندان و طلاب علم از همه این وسایل به خوبی استفاده کرده‌اند:

و همراه با این همه برخی از مردم همواره رسیدن این فرهنگ‌ها را به عنوان پدیده شر و زشت در همه حال تفسیر می‌کنند.

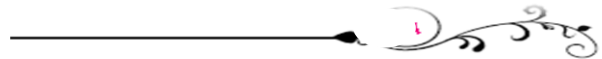
این تفسیر دسیسه‌وار برای پدیده‌ها و رویدادهای حیاتی بسی از اوقات رنگ‌دیگری به خود گرفته و آن‌اینکه تلاش برای مقابله و ددمنشی در برابر هر رویداد جدید علمی که رنگ‌رسانه‌ی دستجمعی داشته باشد جریان دارد، در حالی که این پدیده‌ها خود نتیجه پیشرفت‌های فنی محض است، و - متأسفانه - طوری وانمود می‌نمایند که این همه جز برای نبرد با اسلام ساخته نشده تا جوانان مسلمان را از دینشان دور نمایند؛ طوری که ما همواره سخن از جلوگیری و کاهش اینترنت به گونه عموم و فیسبوک به گونه خصوص هستیم، بدون اینکه از آنان هیچ فکر جدیدی و ایجاد بدیلی و راه حل درستی شنیده شود؛ شاید به این دلیل جبهه‌گیری کند که این پیشرفت‌ها گهگاهی در بیهودگی حرام به کار گرفته می‌شود، گویی که تاریخ باری دیگر به دنبال خود بازگشته، زیرا راه کارهای اسلامی چند دهه پیش همانا مبارزه با مجله‌ها و

رادیو ها و تلویزیون ها به گونه مطلق بود، اما بعد گذشت چندی این پدیده های جدید به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر جوامع تبدیل شد، و همچنان بدیل های جدید اسلامی روی کار آمد، بعد از آن، همه راهکار های اسلامی تغییر کرد و در نتیجه این طوری تداعی شد؛ که هر مجله با اسلام مبارزه نمی کند؛ زیرا در این وقت مجله های اسلامی مفید به روی کار آمده بود، و هر رادیوی بد نیست؛ زیرا در این وقت رادیو های مفیدی ایجاد شده که در خدمت دین قرار داشت، و تلویزیون به طور مطلق حرام نیست؛ زیرا در این تلویزیون ها برخی اوقات برنامه های مفید و خوب اسلامی به نمایش گذاشته می شود، اما با گذشت این همه استفاده دوگانه از این وسایل به یک خود آگاهی تبدیل شد ولی این خود آگاهی خیلی دیر به وجود آمد، در این جا این ضرب المثل خیلی زیبا تطبیق می شود که می گوید: (حکیم بعد الحادث = بعد از رویداد با حکمت گردید).

بدون شک ما وقتی زیادی را در مشغولیت دوام دار و تلاش برای دور کردن و جلوگیری از این پدیده ها سپری می کنیم که این خود سبب ضایع شدن تلاش های زیادی بر اساس سازه درونی و ساختار فرهنگی مان خواهد بود، سازه و ساختاری که ضرور است برای مواجهه با متغیری که قابل توقف نیست آماده شده و برای زرع خود آگاهی زود رس در عقول نسل های مان در نظر گرفته شود.

خلاصه: اینکه واجب است در راه تعامل با شبکه فیسبوک کار کرده و تلاش نماییم تا آن را در خدمت این دین قرار دهیم، که در این راستا تلاش های درستی را برخی از سازمان رسمی های اسلامی به خرج داده؛ مانند دار الفتوای ها، که این تلاش ها خیلی اوقات به فهم دقیق و تعامل نیک با دین اسلام منجر شده است.

در اخیر: این نوشته های من که در حقیقت نمی تواند از اشاره های بریده بر قضایای که خیلی نیازمند گفتمان و مناقشه است خارج شود، ای خواننده محترم از شما می خواهم که نشانه های این افکاری نزد شما هر



چند که به گونه کوتاه و با عجله بوده، روشن و متجلی شده باشد؛ زیرا من بیشتر به قدرت مان در باز خوانی مواقف و داشته های مان، و بر نقد اساسی و با بصیرت بر مسیر و حاضر مان اتکاء نموده و باور دارم، هر چند که این باز نگری در ابتدای کار از اخطاء و اشتباهات عاری نخواهد بود.

و از خداوند متعال می خواهم که این کتاب را مفید گردانیده، و آن را خالص برای رضای خود گرداند.

وصلی الله علیه و سلم علی نبینا محمد، و علی آله و صحبه أجمعین.

به قلم

أبو مالک علی محمد شوقی

قریه کفر بهوت، از توابع مرکز تبروه،

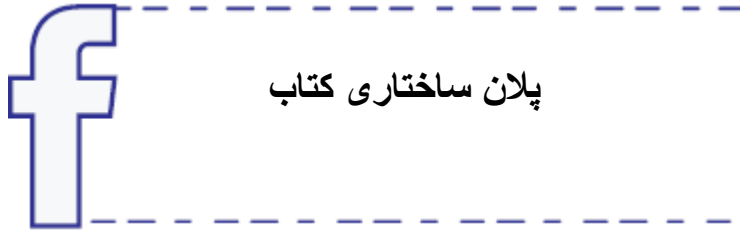
ولایت الدقهلیة، کشور عربی مصر

که در امان الله تعالی باشد.

Ali. Shawky97@gmail.com

سه شنبه: 16 ذو القعدة سال 1438 هجری قمری

مطابق 8 آگست سال 2017 میلادی.



این بحث مشتمل بر یک مقدمه و هفت فصل و یک پایان بخش است، و هر فصلی مشتمل بر ضوابط و فروعاتی است که آنها را در خلال فصل ها مشاهده خواهید کرد.

فصل اول : آداب عمومی فیسبوک.

فصل دوم : آداب متعلق به معلومات صفحه شخصی.

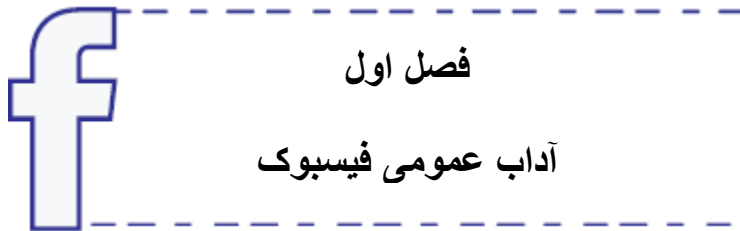
فصل سوم: آداب متعلق به درخواست دوستی و یار د آن و همچنان مسدود سازی.

فصل چهارم: آداب متعلق به پسندیدن صفحات و پیوستن به گروه ها.

فصل پنجم: آداب متعلق به مطالب نشر شده در روی فیسبوک.

فصل ششم: آداب متعلق به پسندیدن مطالب نشر شده و تعلیق بر آنها.

فصل هفتم: آداب متعلق به مراسلات یا مکاتبات از طریق فیسبوک.



بدان ای مسلمان جوانمرد در این دنیای فیسبوک آدابی گرانمایه ی وجود دارد که واجب الالزام است، و آنها عبارت اند از:

1 - همکاری بر نیکوکاری و پرهیز گاری:

تعاون بر نیکوکاری و پرهیزگاری و بازداشتن از گناه و ستمگاری با دوستان صفحه خویش و دیگران بر شما واجب است، خداوند متعال می فرماید:

(...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ). (1)

ترجمه: (... در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمایند، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید. از خدا بترسید. بیگمان خداوند دارای مجازات شدیدی است).

(البرّ): عبارت از کلمه جامع بر هر خیری بوده، و شامل آنچه که شریعت به آن دستور داده و قلب بدان آرام گرفته، می شود.

(التَّقْوَى): عبارت از به جای آوردن اوامر خداوند و اجتناب از نواهی او است.

1 - سوره مبارکه المائدة: (2).

(الإثم): گناه و معصیت و آن عبارت است از آنچه در سینه ات پیچیده و از اطلاع مردم بر آن ناخرسند شوید.

(الْعُدْوَان): تجاوز از حدودی که خداوند متعال تعیین نموده است.⁽¹⁾

2 - نفع رسانی برای بندگان در هرکجا:

همانا فیسبوک برای کسانی که می فهمد و می داند از نعمت های پروردگار است، زیرا شما می توانید به وسلیه اش در همه دنیا به مردم نفع رسانی کنید؛ چه از خلال کتاب علمی که به نشر رسانیده شده، یا اندرزی که بدان تذکر داده شود، یا سنت متروکه را احیاء کرده شود، پس این نعمت بزرگی است که آنرا خداوند متعال برای انبیاء و اولیای صالحش امتنان بخشیده است.

خداند متعال بر زبان حضرت عیسی پسر مریم - علیه السلام - می فرماید:

(وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ ...) ⁽²⁾.

ترجمه: (و مرا - در هر کجا که باشم - شخص پربرکت و سودمندی (برای مردمان) می نماید ...).

عبد الله بن عباس - در تفسیر این آیه کریمه - (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا) می گوید: "یعنی مرا معلم و مؤدب گردانیده است"⁽³⁾.

و امام مجاهد - در تفسیر این آیه کریمه - (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ) می گوید: "یعنی مرا در هر کجایی که باشم معلمی برای خیر گردانیده است"⁽⁴⁾.

1 - به تفسیر المنیر، د. وهبة الزحيلي (65/6) مراجعه فرمایید.

2 - سوره مبارکه مریم: (31).

3 - این روایت را ابن شاهین در کتابش (شرح مذاهب اهل السنة)، (52/1) آورده است.

4 - این را روایت را ابن جریر الطبري در کتابش (جامع البیان عن تأویل آی القرآن)، (15 / 531) آورده است.

یعنی در هر کجایی که باشد خداوند متعال برکت را در تعلیم خیر و دعوت الی الله او گردانیده طوری که هر کس با او بنشیند و یا با وی گرد آید برکتش را دریافته، و همنشین وی با سعادت گردد(1).

پس ای برادر محترم! همچنین شما هم بر نفع رسانی مردم در هر کجا از طریق صفحه فیسبوک خویش حریص بوده، تا باشد آنچه را که حضرت عیسی - علیه السلام - از توصیف وستایس پروردگارش کمایی نموده شما نیز دریابید و این کار بر خداوند متعال دشوار نیست.

و خداوند متعال گوینده این قول را مرحمت فرماید!

به خدا سوگند گروهی است که اگر به منزلت و مقامی رسند

بخشش فراگیر شود و اگر آهنگ رفتن نوازد بخشش همراه شان در حرکت آید(2).

هشدار های یک دوست

بر حذر باش ای برادر!

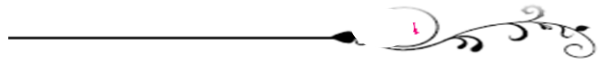
اینکه فیسبوک سبب کوتاهی شما در اطاعت خداوند متعال شود؛ زیرا هیچ کوتاهی و تفریطی بدتر از کوتاهی و تفریط در راه اطاعت و عبادت نیست، ندامت بر این از ندامت های بزرگ خواهد بود آیا فرموده خداوند متعال را تلاوت ننموده اید:

(...حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتْنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا...) (3).

1 - به کتاب (تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان)، علامه السعدی، (ص 492) مراجعه فرمایید.

2 - (الله قوم إذا حلوا بمنزلة... حل الرضا ويسير الجود إن ساروا) این شعر از قاضی ابو عبد الله محمد بن ابی عقامی الحفائلی است که عماد الدین الکاتب الاصفهانی از وی در کتاب (خریده القصر و جریده العصر)، (2 / 555) نقل کرده است. و به کتاب (الدر الفرید و بیت القصید)، محمد بن ایدمر المستعصمی، (5 / 350) مراجعه فرمایید.

3 - سوره مبارکه الانعام: (31).



ترجمه: (... تا آن گاه که ناگهان قیامت فرا می‌رسد، زیان می‌بینند (و در هنگامه رستاخیز سخت پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: افسوسا و دریغا! (چرا غافل بودیم و) در دنیا کوتاهی کردیم و (توشه و زاد آخرت را تهیّه نمودیم)...

دریغا! چه ندامتی برایش خواهد بود در حالی که وقتش از دست داده است.

و خداوند متعال می‌فرماید:

(أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ ...) (1).

ترجمه: (به درگاه خدا برگردید و تسلیم فرمان او شوید و از تعالیم وی پیروی کنید تا روز قیامت) کسی نگوید: دردا و حسرتا! چه کوتاهیها که در حق (طاعت و عبادت) خدا کرده‌ام (...).

خودت را باز دار!

اینکه فیسبوک سبب کوتاهی و بی‌پروایی شما در انجام نمازها باشد و در مصیبتی در افتید - چه مصیبتی بزرگ - که خساره مند دین و دنیای خویش شوید، خداوند متعال می‌فرماید:

(فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ) (2).

ترجمه: (واویلا به حال نمازگزاران! * همان کسانی که نماز خود را به دست فراموشی می‌سپارند).

در تفسیر (لِلْمُصَلِّينَ) گفته‌اند: یعنی کسانی از اهل نماز اند و بدان التزام نموده سپس به دلیلی ناچیز از آن غفلت ورزیده یا به طور کلی و یا

1 - سوره مبارکه الزمر: (56).

2 - سوره مبارکه الماعون: (4 - 5).

هم از انجام آن در وقت تعیین شده ی شرعی، طوری که نماز را از وقتش به طور کلی خارج نماید⁽¹⁾.

امام عطاء بن یسار در تفسیر کلمه (الویل) می گوید: "ویل وادی است در جهنم که اگر کوه ها در آن برده شود در جا نوب شود"⁽²⁾.

بر حذر ای برادرم!

اینکه فیسبوک سبب غفلت شما از تلاوت قرآن کریم شود، خداوند متعال می فرماید:

(...وَلَا تُطِيعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا)⁽³⁾.

ترجمه: (...و از کسی فرمان مبر که (به خاطر دنیا دوستی و آرزو پرستی) دل او را از یاد خود غافل ساخته ایم، و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است (و پیوسته فرمان یزدان را ترک گفته است) و کار و بارش (همه) افراط و تفریط بوده است.

علامه سعدی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: "از خداوند متعال غافل شده پس خداوند متعال او را به محرومیت از ذکرش مجازات نموده است"⁽⁴⁾.

و خداوند متعال می فرماید:

(...وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ)⁽⁵⁾.

ترجمه: (...و از آیات (قرآنی و نشانه های جهانی) ما غافل و بی توجه می مانند).

1 - به کتاب (تفسیر القرآن العظیم)، الحافظ ابن کثیر، (8 / 493) مراجعه فرمایید.
2 - این روایت را ابن جریر الطبری در کتابش (جامع البیان)، (2/168) آورده است.
3 - سوره مبارکه الکهف: 28).
4 - تیسیر الکریم الرحمن، علامه السعدی، (ص 474).
5 - سوره مبارکه یونس: 7).

بر حذر باش!

اینکه فیسبوک از عوامل ضایع شدن اوقات شما شود؛ زیرا شما از جوانی خویش مورد بازخواست قرار گرفته و از سپری نمودن عمر خویش حساب خواهید شد.

طوری که عبد الله بن مسعود از نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم روایت دارد که ایشان فرمود:

(لَا تَزُولُ قَدَمُ ابْنِ آدَمَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ رَبِّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ خَمْسِ خِصَالٍ: عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ...)⁽¹⁾.

ترجمه: (هرگز برداشته نمی شود قدم های بنده در روز قیامت مگر این که از چهارچیز سؤال می شود از عمرش پرسیده می شود که در چه راهی به تحلیل برده است و از جوانیش که در چه چیز نابود کرده...).

و اگر توانایی نداری خود را به ضوابط مذکوره مقید کن.

بر حذر باش ای سرورم!

به چیزی راضی شوید که تو را از خداوند متعال غافل کند پس در این هنگام از جمله کسانی شوی که خداوند متعال ایشان را نکوهش کرده است، خداوند متعال می فرماید:

(...وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا...)⁽²⁾.

1 - شعب الإيمان، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسرَوُجُردِي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: 458هـ)، حققه وراجع نصوصه وخرج أحاديثه: الدكتور عبد العلي عبد الحميد حامد، أشرف على تحقيقه وتخریج أحاديثه: مختار أحمد الندوي، صاحب الدار السلفية ببومباي - الهند، الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية ببومباي بالهند، الطبعة: الأولى، 1423 هـ = 2003 م)، عدد الأجزاء: 14 (13)، ومجلد للفهارس)، رقم المسلسل: (277/3).

2 - سورة مبارکه یونس: 7).

ترجمه: (... و به زندگی دنیوی بسنده می‌کنند (و گمان می‌برند که جهان دیگری پس از این جهان وجود ندارد) و به این جهان دل می‌بندند (و برای جهان دیگر ، تلاش نمی‌نمایند)...).

(وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا) یعنی آنچه را در زندگی دنیا دیده بر پاداش آخرت اختیار کرده است، (وَاطْمَأَنُّوا بِهَا) به دنیا راضی شدند و بدان آرامش گرفتند و آنرا اختیار کرده اند و بدان خوش شده اند.

و پروردگار مان می فرماید:

(...أَرْضِيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ...)(1).

ترجمه: (... آیا به زندگی این جهان به جای زندگی آن جهان خوشنودید؟ (و فانی را بر باقی ترجیح می‌دهید ؟ آیا سزد که چنین کنید ؟...).

یعنی به منافع فانی شدنی این دنیا در بدل پاداش جاویدانه ی آخرت راضی شده اید؟! (2).

و خداوند متعال می فرماید:

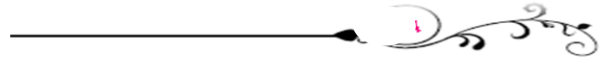
(... رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ...)(3).

ترجمه: (... آنان بدین خوشنودند که با زنان (و سالخوردهگان و کودکان و بیماران) باقی بمانند . خداوند دل‌هایشان را مهر زده است) چرا که آنان دل‌هایشان را بر روی حقائق بسته‌اند و از ترس با ضعیفان در خانه نشسته‌اند)...

1 - سوره مبارکه التوبة: 38).

2 - النکت والعیون، الماوردی، (2 / 362).

3 - سوره مبارکه التوبة: 93).



در تفسیر کلمه (الخواالف) گفته شده که مراد از این، مردمان پست و فرومایه است⁽¹⁾.

خداوند متعال من شما را حفظ نموده طوری که دوستانش را حفظ نموده است!

همواره سرفراز باشد!

1 - معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، البغوی، (2 / 378).



فصل دوم

آداب متعلق به معلومات صفحه شخصی

معلومات صفحه شخصی شما مشتمل بر اموری است که از چشم شریعت اسلام پنهان نمانده است همانند نامگذاری صفحه، گذاشتن تصویر به روی صفحه، و دیگر اموری که در خلال بحث به اذن و توفیق پروردگار عرض خواهیم کرد.

اول – آداب نامگذاری صفحه:

بدون شک نامگذاری از جمله موضوعاتی است که شریعت اسلامی در راستای وضع ضوابط و قواعد برای آن کار نموده است؛ طوری که نبی اکرم – صلی الله علیه و سلم – از نام گذاری به نام های زشت، و به نام های که بیانگر تزکیه و ستایش بی جا است، همانند (برّة = نیکو کار) و (تقیة = پرهیزگار) و... منع نموده است، و همچنان به نامگذاری برخی از نام ها همانند (عبد الله) و (عبد الرحمن) تشویق نموده، و نامگذاری را به نام های چون (حرب = جنگ) و (مرّة = تلخ) ناپسند دانسته است.

سبب توجه شریعت اسلام به نامگذاری این است که مسلمان باید در تمام امور از دیگران متمایز بوده حتی در کار های که برخی از مردم آنرا بی ارزش می داند.

در این جا برخی از آدابی که در نامگذاری صفحات فیسبوکی واجب الالزام است:

1 – نامگذاری به بندگی غیر الله حرام است:

ابن حزم - رحمه الله - می گوید: " - علماء - بر تحریم نامگذاری هر اسمی که بندگی را برای غیر از الله ثابت ساخته، اتفاق نموده اند، همانند عبد العزی، عبد هبل، عبد عمرو، عبد الکعبة، و نام های مشابه دیگر به استثناء عبد المطلب" (1).

علماء اجماع نموده اند اینکه اسم نباید به عبودیت غیر الله دلالت کند، پس گفته نمی شود: عبد الرسول، و عبد النبی، عبد الکعبة، و نام های مشابه دیگر، پس در نامگذاری عبودیت غیر از اسماء الله تعالی انجام نشود.

2 - نام گذاری صفحه به نامی از نام های که مخصوص ذات الله تعالی حرام است:

علامة ابن القيم - رحمه الله تعالی - نام های که مخصوص ذات الله است، همانند - لفظ جلاله - "الله، الرحمن، الحكم، الأحد، الصمد، الخالق، الرازق، الجبار، المتکبر، الأول، الآخر، الباطن و علام الغیوب را ذکر کرده است" (2).

و دلیلی دیگر بر حرمت نام گذاری به اسمای مخصوص ذات الله تعالی همانند ملک الملوک حدیثی است که امام بخاری و مسلم از ابو هریره - رضي الله تعالی عنه - روایت نموده اند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده است که:

(أخنى الأسماء يوم القيامة عند الله رجل تسمى ملك الأملاك) (3).

1 - مراتب الإجماع، ابن حزم، (ص 154).

2 - به کتاب (تحفة المولود باحکام المولود)، ابن القيم، (ص 125) مراجعه فرمایید.

3 - متفق علیه:

(الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم و سننه وأيامه = صحيح البخاري)، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، الطبعة: الأولى، 1422 هـ)، عدد الأجزاء: 9، رقم المسلسل: 6505، (8 / 45) و لفظ حدیث متعلق به وی است.

ترجمه: (زشت ترین نام نزد خداوند متعال در روز قیامت شخصی است که خود را شاه شاهان، شاهنشاه نام نهاده باشد، در صورتی که فقط خداوند متعال مالک و صاحب این جهان است).

و خداوند متعال می فرماید:

(... هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا) (1).

ترجمه: (... مگر شبیه و همانندی برای خدا (که خالق، رازق، عالم، قادر، حی، قیوم و... باشد) پیدا خواهی کرد (تا دست نیاز به سوی او دراز کنی؟).

ولی نامگذاری به نام های که بر خداوند متعال و بر غیر از آن اطلاق می شود، جایز است، همانند علی، لطیف، بدیع ... - در این نام ها - نسبت به بندگان چیزی اراده می شود که در مورد الله آن چیز اراده کرده نمی شود (2).

3 - نامگذاری صفحه به نام های مخصوص کفار که فقط بر آنان دلالت دارد نه بر غیر از آنان حرام است:

همانند، عبد المسیح، بطرس، جرجس، و... دیگر نام های که بر ملت کفر دلالت دارد.

4 - نام گذاری صفحه به نام بت ها و طاغوت های پرستش شده به جای الله تعالی حرام است:

همانند نامگذاری به نام های شیطان، هبل و ...

(المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم = صحيح مسلم)، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث، العربي - بيروت، عدد الأجزاء: 5) رقم المسلسل: 2143، (3/ 1688).

1 - سورة مبارکه مریم: 65).

2 - به کتاب (الدر المختار شرح تنوير الابصار)، محمد بن علی الحصکفي، (1 / 666)، مراجعه فرمایید.

و نام گذاری به تمام نام های سابق الذکر نه تنها ممنوع بوده بلکه حرام است، و کسانی که چنین کرده اند باید فوراً اقدام به تغییر کنند.

5 - نام گذاری صفحه به اسمی که طبیعت انسان به آن نفرت دارد مکروه است:

طوری که معنی زشت و یا مسخره آمیز را در بر داشته؛ زیرا این گونه نام گذاری ها مخالف هدایت های نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - که همواره بر تحسین نام ها تاکید داشته، می باشد، همانند نام (حرب = جنگ)، (رشاش = چکیده خون)، (هیام) - اسمی بیماری که شتر به آن مبتلا می گردد -، و غیره از نام های که معانی زشت و غیر نیکو را در بر دارد.

6 - نامگذاری صفحه به نام های که معانی سست و شهوانی را در بر دارد مکروه است:

این مورد در نامگذاری های طبقه انات بیشتر به کار می رود مانند برخی از نام های که مواصف جنسی و یا شهوانی داشته، و این مورد را انسان در صفحات فیسبوک می یابد.

7 - نامگذاری صفحه به نام فساق از خوانندها و هنرمندان مرد وزن و همانند آنها مکروه است:

اگر آنها نام های زیبای - شرعی - دارا بوده به خاطر معانی زیبایش نه به منظور تشبیه و یا تقلید از آنها جایز است.

8 - نامگذاری صفحه به نام های که بر گناه و معصیت دلالت دارد مکروه است:

مانند نام (سارق = دزد)، (ظالم = ستمگار) و یا نامگذاری به نام های فراعنه و گنجهکاران مانند: فرعون، هامان، قارون، خوفو و خفرع.

9 - نامگذاری صفحه به نام حیواناتی که معروف به اوصاف مستهجن است مکروه می باشد:

مانند: (حمار = خر)، (کلب = سگ)، (قرد = بوزینه یا میمون) و همانند آنها.

10 - نامگذاری به هر نامی که به دین و یا اسلام مضاف یا نسبت شود مکروه است:

مانند: نور الدین، شمس الدین، و همچنان: نور الاسلام، شمس الاسلام، زیرا در این نامگذاری توصیف مسمی بیش از استحقاق وی است، و همچنان علمای سلف لقب های این چنینی را مکروه می دانستند، طوری که امام نووی - رحمه الله تعالی - لقب گذارش را به محی الدین ناپسند می دانست، و همچنان شیخ الاسلام ابن تیمیة - رحمه الله تعالی - هموار از لقب گذارش را به تقی الدین نادرست می خوانده، و همواره می گفت: "خانواده ام به من این لقب را داده اند و مشهور شده است".

برخی از علماء بر تحریم و بیشتر بر کراهیت - نامگذاری به این نام ها - تصریح نموده اند؛ زیرا برخی از این نام ها معانی نادرستی را در بر دارد که اطلاقش جایز نیست⁽¹⁾.

11 - نامگذاری صفحه به نام های سور قرآنی مکروه است:

قصد من از این مورد: نام های است که از آنها جزء الفاظ قرآنی اراده نشده و در حد ذاتشان معنای نداشته باشد، مانند حروف مقطعات قرآنی؛ زیرا هنگام شنیدن ذهن انسان جزء به سوره های قرآنی به چیزی دیگر باز نمی گردد، مانند: حم، ص، و همچنان نام های که علماء در مورد آنها اختلاف نموده اند مانند: طه، یس، و مانند آنها، و امام مالک بر کراهیت نامگذاری به (یس) تصریح نموده است⁽²⁾.

1 - به کتاب (معجم المناهی اللفظیة)، بکر ابو زید، (ص 544) مراجعه فرمایید.
2 - به کتاب (تحفة المودود)، ابن القیم، (ص 127) مراجعه فرمایید.

ولی کلمات عربی دیگری که برای نامگذاری دارای معنای نیکو بوده؛ بنا بر اصل اباحتش باقی است، هر چند نام های سوره های قرآنی باشد مانند (الشمس = خورشید)، (القمر = مهتاب)، (النجم = ثریا یا پروین)، (الطارق = شباینده)، (الفجر = سپیده صبح)، الفتح = پیروزی)، (الجمعة = آدینه)، (النصر = مدد و یاری).

این ثابت می شود که نامگذاری به نام های سوره های قرآنی به اجماع مستحب است همانند سوره های که به نام های انبیاء دارا بوده مثل محمد، ابراهیم، نوح، یوسف، یونس، هود، و غیره از صالحین مثل لقمان و مریم.

حکم نامگذاری فیسبوک به نام های مستعار:

نامگذاری به نام های مستعاری چون (ابو سفیان مصری)، یا (ام عبد الله) بدون حرج جایز می باشد؛ و جواز آن حسب دلایل ذیل است:

1 – عموم کاربران فیسبوک می دانند که این نام حقیقی نیست، بلکه این رمز یا اشارتی به صاحب یا مسئول صفحه است.

2 – نامگذاری به این طریقه از جمله دروغ به حساب نمی آید؛ زیرا فیسبوک صفحات یا گروه ها نام حقیقی فرد شرط داشته و بدون آن داخل شدن به آنها ممکن نیست.

3 – مانعی نیست انسان خودش را به لقب (پاژنامه) ملقب، و یا به کنیه تکنی کرده که این لقب و یا کنیه قایم مقام اسم آن شود، و این در جمله دروغ به حساب نمی آید.

4 – برخی اوقات وارد شدن با نام های حقیقی برای برخی افراد ضرر های را متوجه کرده همانند اهل سنتی که در میان شیعه ها زندگی می کند و می ترسد که او را شناسایی کنند و یا هم خانم ها، بنا بر این با نام های مستعار یا کنیه و غیره می توانند وارد شوند.

ولی بدان ای برادر مسلمان! همانا نام مستعار در حقیقت لغویش لقبی که شخص لقب کننده اراده کرده که بدون نام حقیقی خود معرفی شود، طوری که لقب ها برای افراد شان قالبی های است که آنان را از دیگران جدا و متمایز می سازند، و اینها را به منظور نشانه ی که دلالت بر آنها داشته باشد اختیار می کند؛ با این وصف باید در زیبایی و حسن اختیار اینها بکوشد.

خطیب شربینی - رحمه الله - می گوید: "معنای لقب: نامی است که اسم بدان صدا می شود که در نتیجه به پستی و یا رفعت آن دلالت دارد، مقصود از وضع آن شهرت است، و آنچه که زشت باشد ممنوع است" (1).

حکم نامگذاری فیسبوک مثل: (القرآن والسنة)، یا (الله ربي)، یا (القرآن منهجي)، و یا نامگذاری آن به ذکر الله؛ مثل سبحان الله و غیره:

آنچه از لحاظ ظاهر پیدا است این - نامگذاری - به دلایل ذیل درست نیست:

1 - از نام های نادرستی که در برخی از کشور های مسلمان شهرت یافته، نام های که به دین یا اسلام مضاف یا نسبت می شود، مثل: نور الدین، یا عماد الدین، یا نور الإسلام، و غیره اکثر اهل علم این نام ها را برای ذکور و اناث نادرست دانسته؛ زیرا در این نام ها صاحب نام را بیش از حد تزکیه می کند.

علامة محقق بکر بن عبد الله ابو زيد - رحمه الله - می گوید: "این نامگذاری ها به خاطر منزلت بزرگ این دو کلمه دین و اسلام است، پس اضافت و نسبت به منظور نامگذاری به اینها دعوای است درون خالی که روی دروغ را پوشیده است" (2).

1 - مغني المحتاج إلى معرفة الفاظ المناهج، خطیب الشربینی، (142/6).
2 - معجم المناهي اللفظية، بکر أبو زيد، (ص 544).

نه این مسئول صفحه فیسبوک و نه آن، نه حقیقتاً و نه مجازاً همان کتاب و سنت است.

و همانندش بلکه ممنوع تر از آن نامگذاری به (سبحان الله) و یا (سبحان الله بحمده) یا (الحمد لله) و غیره است.

از علماء کمسیون دایمی - فتوای - این گونه سوال شده و صدور فتوای چنین است:

آقای (سبحان الله میانگل)⁽¹⁾ مآیت پاکستانی باشنده فعلی مملکت عربی سعودی که در شهر جدّه به شغل مؤذن در وزارت حج اوقاف کار می کنم به حضور مبارک شما تقدیم می دارم، که از جانب وزارت حج و اوقاف در خصوص نام من اعتراض شده است، اکنون از حضور مبارک شما خواستارم که در این مورد برایم فتوای شرعی صادر نموده که آیا این نام من مشروع است و یا خیر؟ و اگر جایز نیست امیدوارم که از جانب خویش مکتوب صادر نموده تا تبدیل نام من در دوسیه ام دفاتر دولتی به گونه رسمی صورت پذیرد، با کمال تشکر و امتنان.

الجواب: "تبدیل این نام برای شما واجب پنداشته می شود؛ زیرا شخص شما همان (سبحان الله) نیستید، و سبحان الله ذکر از اذکار شرعی است، پس باید این نام به نام مشروعی دیگری مثل عبد الله، محمد و احمد و همانند شان تبدیل شود"⁽²⁾.

در این گونه نامگذاری ها مخالفتی واضح با روش لغت عرب صورت گرفته؛ زیرا این تراکیب برای مقاصد خاص شرعی وضع شده و سپس در لغت عرب معروف گردیده و در لغت عرب نیز نامگذاری و تلقیب به (الله المستعان)، یا (الله أعلم)، یا (الله ربی)، یا (الله کریم) و امثال اینها صورت نگرفته است.

1 - این نام ایشان است.

2 - فتاوی اللجنة الدائمة - مجموعة الأولى (11 / 478)، الشیخ عبد العزیز بن باز رئیس این کمسیون، والشیخ عبد الرازق عقیفی معاونش و الشیخ عبد الله بن غدیان عضو این کمسیون.

3 - با این وصف بسا از اوقات ممکن است آنانی که بدین نام ها مسمی و یا ملقب اند بعد از تفصیر کاری با پاسخی و یا تعلیقی همراه شود، بنا بر این، این تفصیر کاری به مقام و منزلت (القرآن والسنة)، یا (الرب تبارک و تعالی) پنداشته خواهد شد، و همچنان در پیام صبحگاهی فیسبوک این چنین برایش گفته خواهد شد: صبح بخیر ای (الله ربي)!!

4 - و علاوه بر این اگر دشنامی و یا سرزنشی متوجه این مسمی شود، در این صورت توهین و طعنه بر این اسماء خواهد بود.

5 - برخی اوقات - در فیسبوک - از وفات کسانی که به این نام ها مسمی یا ملقب اند خبر داده می شود، پس در مورد آنها چه گفته خواهد شد؟ آیا گفته می شود: (# الله - ربي) وفات نموده است!!! و یا گفته خواهد شد: که امروز (# القرآن - والسنة) وفات نموده است!!! بدون شک چنین چیزی نه تنها زشت و زشت تر بوده بلکه حرام و شدیداً حرام است.

حکم نامگذاری صفحه به آیات قرآنی:

نامگذاری برخی از صفحات به کلمات قرآنی نوعی هرزگی نسبت به قرآن و در معرض توهین قرار دادن آن است، از همین جهت حسب دیدگاه خودم باید صفحه به آیات قرآنی نامگذاری نشود، در صورتی که صفحه چنین نامگذاری شده باشد، باید به نام مناسب تر حسب اقتضای مقصد و هدف از ایجاد آن، تبدیل شود، والله أعلم.

حکم نام گذاری صفحه به (أسيرة القرآن = اسیر قرآن):

نامگذاری به چنین نامی مناسب نیست؛ زیرا این کلمه احتمال ستایش و نکوهش را دارد، معنای (أسيرة القرآن) همانا قرآن اسیرش کرده است، و معنای اینکه قرآن اسیرش نموده چیست؟ آیا این به گونه ی نکوهش است که اوامر و نواهی قرآن کریم انسان را از پرداختن به شهوات منع می سازد؟ یا اینکه بگونه مدح و ستایش عمل به قرآن است، در این

هنگام شگفت زده و مغروری را در پی خواهد داشت؟ در حالی که همه اینها نکوهش شده است، پس ترک تکلف و ادعای بیهود که شامل زیاده روی و مبالغه باشد، واجب است، و از خداوند متعال می خواهیم به راه راست هدایت مان فرماید!

حکم نامگذاری صفحه به لقب های که شامل کلمات عشقی برای خدا، انبیاء و پیامبران است:

خیلی از مردم خصوصاً خانم ها صفحات فیسبوکی خویش را به نام های مسمی می کنند که متضمن عشق نسبت به خدا، انبیاء و پیامبران است؛ مثل (عاشقة الرحمن)، یا (عاشقة الله)، یا (عاشقة الرسول یا المرسلین) و این - گونه نامگذاری ها - جایز نیست:

1 - زیرا عشق در لغت عبارت است از: انتهای محبت، و گفته شده که عبارت است از پسندیدن محب محبوبش را. و به زیاده روی در محبت نیز گفته شده که این در پاکدامنی و فحشاء به کار می رود⁽¹⁾، و گفته شده که عشق عبارت از چشم پوشی از عیوب محبوبش است.

2 - کلمه عشق در راستای خداوند و رسولش به کار نرفته و واطلاق این کلمه - عشق - در باره خداوند و پیامبرش جایز نیست؛ زیرا موضوع عشق در بخش تمایلات جنسی مرد نسبت به زن و بالعکس استفاده شده، بدون شک این موضوع به غیر الله تعلق دارد.

چنانکه گفته شده است:

با عشق از وی پیروی کرد تا - خود - عاشق شد

پس زمانی که در برابر عشق تنها ماند طاقت نیاورد

میانه دریا را دید گمان موجی کوچک کرد

1 - به کتاب (لسان العرب)، ابن منظور، (10 / 251)، مراجعه فرماید.

پس زمانی که بر آن تمکن یافت در آن غرق شد(1)

در این خصوص تعبیری که در قرآن و سنت بکار رفته است همانا دوستی و محبت؛ چنانکه خداوند متعال می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...)(2).

ترجمه: (ای مؤمنان! هرکس از شما از آئین خود بازگردد (و از ایمان به کفر گراید، کوچکترین زیانی به خدا نمی‌رساند و در آینده) خداوند جمعیتی را (به جای ایشان بر روی زمین) خواهد آورد که خداوند دوستشان می‌دارد و آنان هم خدا را دوست می‌دارند...).

و فرموده خداوند متعال می فرماید:

(...كُحِبَّ اللَّهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...)(3).

ترجمه: (...همچون خدا دوست می‌دارند، و کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را سخت دوست می‌دارند (و بالاتر از هر چیز بدو عشق می‌ورزند...)).

و همانند فرموده نبی اکرم – صلی الله علیه وسلم :-

(لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَاَلِدِهِ وَوَالِدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ)(4).

1 - توله بالعشق حتی عشق ===== فلما استقل به لم يطق

رأى لجة ظنها موجة ===== فلما تمکن منها غرق

2 - سوره مبارکه المائدة: (54).

3 - سوره مبارکه البقرة: (165).

4 - متفق عليه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش بروایت انس بن مالک آورده است، رقم المسلسل: (15)، (12/1).

و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت انس بن مالک آورده است، رقم المسلسل: (44)، (67/1).

ترجمه: (هیچ یکی از شما ایمان دار نمی شود تا این که من در نزد او از پدر و مادرش و همه مردم محبوب تر نباشم).

ابن القیم - رحمه الله تعالی - می گوید: "پس زمانی که محبت جنس باشد که انواع مختلفی را در قدر و وصف شامل شود، آنچه سزاوار و لایق خداوند متعال است به گونه اغلب در حق او تعالی اراده می شود، همانند عبادت (کرنش)، انابت (رجوع) و اخبات (فروتنی)، از همین جهت در موردش کلمه (عشق)، (غرام = شیفتگی)، (صبابة = شوق قلبی همراه با نرمش و سوزش)، (شغف = دوستی که مر غلاف دل رسد)، (هوی = خواهش) بکار نمی رود، ولی کلمه محبت در باره دوستی خداوند متعال به کار گرفته شده است؛ مثل فرموده خداوند متعال:

(يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ)، ترجمه: (که خداوند دوستشان می دارد و آنان هم خدا را دوست می دارند).

حاصل سخن:

همانا برای مسلمان مناسب است، که همواره به اصطلاحات شرعی مقید بوده، پس مجاز نیست اصطلاحاتی را که در قرآن و سنت نیامده، در مورد خداوند متعال به کار ببرند.

حکم نامگذاری - صفحات فیسبوک - به نام های که به بهشت نسبت شده است؛ مثل (زعفران الجنة = زعفران بهشت)، (عصفور الجنة = گنجشک بهشت) و غیره:

بدون شک امیدواری - به رحمت خداوند متعال - واجب بوده، آنچنان که ترس - از خداوند متعال - واجب می باشد، ولی در این گونه نام ها و لقب ها چیزی از تزکیه نفس مشاهده می شود، والله أعلم.

چون وقتی که یک طفل کوچکی در عصر نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - وفات نمود؛ حضرت عائشة ام المؤمنین - رضي الله تعالى عنها - در باره اش گفت:

فَقُلْتُ: طُوبَى لَهٗ عَصْفُورٌ مِّنْ عَصَافِيرِ الْجَنَّةِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوْ لَا تَدْرِينَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْجَنَّةَ وَخَلَقَ النَّارَ، فَخَلَقَ لِهَذِهِ أَهْلًا وَلِهَذِهِ أَهْلًا»(1).

ترجمه: (گفتم: خوشا به حالش، گنجشکی از گنجشکان بهشت است. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: آیا مگر شما نمی دانید که خداوند بهشت و دوزخ را آفریده پس برای این - بهشت - و این - دوزخ - اهل شان را نیز آفریده است).

امام نووی - رحمه الله تعالی - می گوید: "ما از فیصله کردن سریع - به بهشتی و یا دوزخی بودن افراد - بدون اینکه دلیلی قاطع وجود داشته باشد منع شده ایم"(2).

حکم نامگذاری صفحه به نام های یکی از صحابه یا علماء؛ مثل عمر بن الخطاب، یا امام مالک:

نامگذاری صفحه به نام های مستعار مثل نام های صحابه و نام های علماء خالی از ممنوعیت نیست؛ زیرا این نسبت به صحابی یا عالم بسی از اوقات سبب توهین و اساءت به آنان خواهد شد، پس زمانی که این مسمی اشتباهی مرتکب شده و انتقادی متوجه این شخص شود، در این حال به بهانه رد بر این مسئول صفحه، صحابه و یا عالم خاطی پنداشته خواهد شد.

اسامی صحابه - رضي الله تعالى عنهم أجمعين - و علماء چه در تمثيل و یا در نامگذاری همزمان به نام های ایشان و پدران شان، و یا باسم ولقب شان چنانکه برخی ها صفحه های خویش را به نام (عمر الفاروق) و امثال آن نامگذاری می کند، باید از هر نوع توهین مصون قرار گیرد.

1 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش آورده است، رقم المسلسل: (2662)، (2050/4).
2 - المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، النووی، (16 / 207).

حکم نامگذاری صفحه همانند (الدعوة = پیشتان)، (الحوه = شیرین)، (المزیونه = زیبا):

این گونه نامگذاری ها مخالف با آدابی است که خداوند متعال زنان مسلمان را در این فرموده اش به تمسک به آنها دستور داده اند:

(...إِنَّ اتَّقِيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)⁽¹⁾.

ترجمه: (...اگر می‌خواهید پرهیزگار باشید (به گونه هوس‌انگیز) صدا را نرم و نازک نکنید (و با اداء و اطواری بیان ننمائید) که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند. و بلکه به صورت شایسته و برازنده سخن بگوئید. (بدان گونه که مورد رضای خدا و پیغمبر او است).

این دستوری است برای خانم ها که هنگام سخن گفتن باید خیلی با حیا بدون نرمش و باریک کردن صدای شان سخن گویند، هدف از این دستور پاک کردن قلب های مسلمانان از پلیدی فحشاء است، و هشدار است برای خانم های با حیا، از کسانی که در قلب های شان بیماری - فحشاء - است در حذر باشند، پس برای زن مسلمان واجب است که با ادب و وقار و حیای شرعی مزین بوده، و به نام ها و لقب های نامگذاری شود که بر و وقار دلالت دارد، و از آنچه که شک و شبه بر می انگیزد، و قلب های را می ربایند، و از کلمات و عباراتی که شیطان مزین شان کرده، باید دوری جویند⁽²⁾.

حکم نامگذاری به نام های مستعار پست و زشت؛ همانند شیطان، جن، غول و غیره:

برای مسلمان استعاره گرفتن نام های شیاطین و جن بدلائل ذیل حرام است:

1 - سوره مبارکه الاحزاب: (32).

2 - به کتاب (إغاثة اللهفان من مصاید الشيطان، ابن القيم، (1 / 14) مراجعه فرمایید.

1 - شریعت اسلام آمده مردم را از راه های شیطان و تابعین آن و حتی تشابه به آن دور نماید، چنانکه ابن عمر - رضي الله تعالى عنهما - از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روایت دارد که:

(إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ)⁽¹⁾.

ترجمه: (هرگاه یکی از شما خواست بخورد با دست راست خود بخورد، و هرگاه خواست بنوشد، با دست راست خود بنوشد، زیرا شیطان با دست چپ مخورد، و با دست چپ منوشد).

پس زمانی که تشبیه در خوردن و آشامیدن به سلوک شیطان ممنوع شده باشد، نامگذاری به اسمش که دلالت به اخص خصوصیتش دارد نیز حرام و ممنوع خواهد بود.

2 - همانا انتشار نام شیطان - به بهانه استعاره گرفتن اسمش - به مخالفت شریعت اسلام منجر می شود، و صلابت در برابر مخالفت شیطان و اجتناب از راه و روش آن بی بنیاد شده و این خود کمکی به پیروان شیطان و یاری آنان پنداشته خواهد شد.

3 - نامگذاری به اسامی جن و وحش و همانند آنها نوعی از تکبر، سرکشی، حماقت، خود بزرگ بینی است، از همین جهت نبی اکرم - صلى الله عليه وسلم - نهی نموده که شخص به (ملك الأملاك = شاهنشاه) نامگذاری شده و فرمود:

(إِنَّ أَخْنَعَ اسْمٍ عِنْدَ اللَّهِ رَجُلٌ تَسَمَّى مَلِكِ الْأَمْلاَكِ)⁽²⁾.

ترجمه: (زشت ترین و حقیرترین نام، نزد الله آنست که مردی، ملك الاملاك، نامیده شود).

1 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش آورده است، رقم المسلسل: (2020)، (3/ 1598).
2 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش آورده است، رقم المسلسل: (2143)، (3/ 1688).

حکم کنیة گرفتن کنیة نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - یعنی (ابو القاسم):

در حدیث وارد شده است:

(تَسَمَّوْا بِاسْمِي وَلَا تَكْنُوْا بِكُنْيَتِي) (1).

ترجمه: (اسم مرا به عنوان اسم انتخاب کنید، ولی از کنیة من (ابو القاسم) استفاده نکنید).

در این مورد میان علماء اختلافات زیادی بنا بر پایه های مذاهب وجود دارد.

مذهب امام شافعی و اهل ظاهر: بنا بر ظاهر این حدیث کنیة گرفتن (ابو القاسم) به هیچ کسی فرقی ندارد که اسمش محمد باشد یا احمد و یا هم نباشد جایز نیست.

عموم سلف و فقهای امصار و جهومر علماء بر این عقیده اند که این نهی منسوخ شده است؛ زیرا این حکم در اول اسلام بوده سپس نسخ شده است، وگفتند: امروز کنیة گرفتن به (ابو القاسم) برای هر کسی چه اسمش محمد یا احمد و... جایز و مباح است (2).

حکم نامگذاری صفحه به (إلا رسول الله)، یا به (إلاک یا رسول الله):

نامگذاری - صفحه - به (إلا رسول الله)؛ درست نیست؛ زیرا این عبارت متضمن حصر بوده و آن استثنای است که از مستثنی منه محذوف شده، پس تقدیر عبارت این گونه است: (کل شیء مباح لکم إلا رسول الله = در - توهین - به همه چیزی آزاد هستید جزء رسول الله)، آیا توهین به غیر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - جایز است؟!

1 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش آورده است، رقم المسلسل: (2131)، (3/ 1682).
2 - به کتاب (المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج)، نووی، (14 / 112)، مراجعه فرمایید.

پس تقدیر عبارت این مستثنی منه هر چه می خواهد باشد، به کار گیری این عبارت درست نیست(1).

حکم وارد شدن مردان در فیسبوک به نام زنان، و زنان به نام مردان:

نامگذاری زنان به اسمای مردانه، و مردان به اسمای زنانه به دلایل ذیل جایز نیست:

1 - در این نوعی از فریب قلب است پیشتر - بر عدم جواز آن - تنبیه صورت گرفته است.

2 - زیرا در این نوعی از تشابه است، در حالی که :

(لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلَةَ مِنَ النِّسَاءِ)(2).

ترجمه : (رسول الله - صلی الله علیه وسلم - زنی که خود را به مردان تشبیه می کند لعنت کرده است).

یعنی زنی که خودش را در لباس پوشیدن به مردان تشبیه کند(3)، این گونه مورد پیگرد قرار می گیرد:

(لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم المتشبهين من الرجال بالنساء، والمتشبهات من النساء بالرجال)(4).

ترجمه: (رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مردانی را که خود را مانند زنها می سازند، و زنانی را که خود را شبیه مردان می سازند لعنت نموده است).

1 - این موضوع را برادر محترم و دوست جناب شیخ: محمد سعید البجیری - که خداوند متعال توفیقش دهد و گام هایش مستحکم نگهدارد - در برخی از نوشته هایش نگاشته است.

2 - این حدیث صحیح است، و آنرا امام ابو داوود در سننش رقم المسلسل: (4099)، (60 / 4) روایت کرده است.

3 - المفاتیح فی شرح المصابیح، مظهر الدین الحنفی معروف به المظهری، (55 / 5).

4 - امام بخاری این حدیث را در صحیحش رقم المسلسل: (5885)، (159 / 7) روایت کرده است.

دکتور مصطفی البغا در تعلیقش بر صحیح بخاری (1) می گوید:
" (المتشبهین) یعنی مراد از تشابه در لباس خاص زنان، زینت، اخلاق و کردار های شان و... می باشد".

اگر گفته شود: آنچه ما انجام می دهیم از باب مزاح است، چنانکه همین، دلیل کسانی اند در مکالمات روی فیسبوک آنرا انجام می دهند.

در پاسخ می گویم: هشدار خاصی در مورد بکار گرفتن دروغ در مزاح آمده است، به تحقیق نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود:

(وَيَنْبَغُ لِلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ، وَيَنْبَغُ لَهُ وَيَنْبَغُ لَهُ) (2).

ترجمه: (وای بر کسی که برای خنداندن دیگران به دروغ سخن پرداز می کند. وای بر او، وای بر او).

پس اگر کسی بگوید: همانا به نام های زنان وارد - فیسبوک - می شویم؛ تا اینکه دیگران را به سوی الله دعوت نمایم.

در پاسخ خواهم گفت: شما ای برادرم ضرور نیست در راه هدایت مردم از دروغ کار بگیرید، مهمترین چیزی که در راه هدایت دیگران ضرور است، آن اصلاح وجود خود شما است که در میان دو پهلوی قرار دارد، که در راه الله سبحانه و تعالی آنرا راست نمایید، بدانکه قلب های مان بید بلا کیف الله سبحانه و تعالی قرار داشته و ایشان قادر و توانا بر هدایت مردم است، برخی اوقات الله تعالی به برکت راستی که از شما صادر می شود که پرده دل ها را لمس نماید و آن را به جانب پرودگارش گسیل نماید، پس رحمت الله تعالی بر شما باد به راستی پایند باش زیرا این راه نیکو کاری است.

1 - تعلیق مصطفی البغا علی صحیح البخاری، (7 / 159).

2 - سند این حدیث به درجه حسن می رسد، این حدیث را امام ابو داود، از طریق بهز بن حکیم واو از پدرش روایت کرده، رقم المسلسل: 4990، و امام الترمذی بروایت ابو هریره، رقم المسلسل: 2315 آورده است.

شاید این کار یکی از وساوس و دستبردهای شیطان باشد تا شما را در دامش بیفکند، - خداوند متعال من و شما را در امان داشته باشد -
و خداوند متعال می فرماید:

(... وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ)⁽¹⁾.

ترجمه: (...و پا به پای اهریمن راه نیفتید (و به دنبال شیطان روان نشوید) . بی گمان او دشمن آشکار شما است).

حکم انتحال اسامی شخصیت های بزرگ در فیسبوک:

انتحال اسامی شخصیت های بزرگ ممکن به گونه تنقیص نام و نشان آنان باشد، یا به گونه ی که به آنها ضرری را متوجه نماید، یا اینکه شخص منتحل چیزی را در یابد که مستحقش نباشد، یا این کار طوری است که به وسیله اش به فعل حرام برسد، یا چیزی دیگری غیر آنچه ذکر شد اراده شود.

أ - اگر به گونه تنقیص شأن آنان باشد:

این جزء غیبت به حساب آمده و حرام است؛ چنانکه در حدیث شریف از حضرت عائشة ام المؤمنین - رضي الله تعالى عنها - روایت است:

(قُلْتُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: حَسْبُكَ مِنْ صَفِيَّةَ كَذَا وَكَذَا، قَالَ غَيْرُ مُسَدَّدٍ: تَعْنِي قَصِيرَةً، فَقَالَ: لَقَدْ قُلْتَ كَلِمَةً لَوْ مُزِجَتْ بِمَاءِ الْبَحْرِ لَمَزَجَتْهُ»
قَالَتْ: وَحَكَيْتُ لَهُ إِنْسَانًا، فَقَالَ: مَا أُحِبُّ أَنِّي حَكَيْتُ إِنْسَانًا وَأَنَّ لِي كَذَا وَكَذَا)⁽²⁾.

ترجمه: (به پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - در رابطه به صفیه گفتم: همین برایت کافی است که صفیه چنین و چنان است (چنین عیبی دارد) - بعضی از راویان گفته اند: منظورش کوتاهی قد صفیه بوده است

1 - سوره مبارکه البقرة: (168).

2 - این حدیث صحیح است، امام ابو داود، به رقم المسلسل: (4875) و امام الترمذی، به رقم المسلسل: (2503)، روایت کرده است.

- پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «به حقیقت سخنی را بر زبان آوردی که اگر با آب دریا مخلوط شود، آن را تلخ و بدبو می نماید»، حضرت عایشه - - رضي الله عنها - - گفت: حرکت انسانی را برای ایشان تقلید کردم، پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: دوست ندارم تقلید انسانی را در آورم و از او به حقارت یاد کنم، اگرچه مال بسیاری به من بدهند).

وقول آن (حکیت)؛ به معنای (حاکیت) است، در النهاية - در مورد معنای این کلمه - آمده است: همانند کارش انجام دادم، گفته می شود: (حکاه)، (حاکاه)، - هر دو به یک معنی است - و کلمه (المحاكاة) بیشتر در - در تقلید اعمال - زشت استفاده می شود⁽¹⁾.

صاحب - کتاب - عون المعبود - رحمه الله تعالى - می گوید: " (مَا أُحِبُّ أَنِّي حَكَيْتُ إِنْسَانًا)؛ یعنی: مرا خوشحال نمی کند اینکه از عیبش سخن گویم، یا اینکه مرا خوشحال نمی کند که به زشتی یاد کنم اینکه انجام دهم مثل آنچه انجام داده است، یا به گونه تنقیص شأن او مثل گفته اش بگویم"⁽²⁾.

ب - و اگر این کار ضرری را متوجه شخصی که نامش انتحال شده نمود:

این کار نیز حرام بوده؛ زیرا از نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - روایت است:

(لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ)⁽³⁾.

ترجمه: (هیچ ضرری نیست، و نباید ضرر را با ضرر پاسخ داد).

1 - مرقات المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، القاری، (7 / 3048).

2 - عون المعبود شرح سنن ابی داود، عظیم آبادی، (13 / 151).

3 - این حدیث به درجه حدیث صحیح لغیره می رسد، امام ابن ماجه به رقم المسلسل: (2341)، از ابن عباس روایت نموده است.

همچنان حکم کاری که شخص منتحل بخواهد به چیزی رسد که مستحقش نباشد؛ زیرا در این نوعی از ظلم است، یا اینکه این انتحال منجر به کاری حرام شود؛ زیرا آنچه که به حرام منتهی شود، حرام است.

ج - فرضاً اگر این انتحال عاری از هر گونه افتراضات قبلی باشد:

حد اقل کاری است خلاف واقع، و این یک دروغ است، پس از این تقلب او مسلماً دوستان صفحه اش و دیگران در امان نخواهد بود، و هر کدام از این تقلب و دروغ حرام است، هر آینه نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(...وَمَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا)⁽¹⁾.

ترجمه: (... و آنکه به ما خیانت و فریب کاری کند از ما نیست).

ونبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(...وَأَيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ، فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ، وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ، وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا)⁽²⁾.

ترجمه: (... از دروغ بپرهیزید، زیرا دروغ انسان را به سوی کارهای بد سوق می دهد و کارهای زشت و بد باعث می شوند که انسان به دوزخ برده شود. شخصی که همواره دروغ می گوید و در پی دروغ می باشد نزد الله از در زمره دروغگویان نوشته می شود).

1 - امام مسلم در صحیحش رقم المسلسل: 101)، بروایت ابو هریره - رضی الله تعالی عنه - تخریج نموده است.

2 - امام مسلم در صحیحش رقم المسلسل: 2607)، بروایت عبد الله بن مسعود - رضی الله تعالی عنه - تخریج نموده است.

حکم هک کردن صفحات فیسبوک و سرقت آنان:

هک نمودن صفحات فیسبوک آنچه که امروز به (هکرز) نامگذاری شده از موضوعات جدیدی است که مناسب است به مصالح و مفسد آن نگاه شود، و حکم کردن به گونه مطلق در مورد آن درست نیست.

آنانی که صفحات فیسبوک را مشاهده و دنبال می کنند مقدار هولناکی از صفحات و گروه های که به نشر فساد و بی دینی دست می زنند می بینند؛ از همین جهت نظر این است - والله اعلم - صفحات و گروه اسلام ستیزی که به گونه صریح با اسلام ستیزی دارد، هیچ مشکلی در نابودی، تخریب، از بین بردن و تبلیغات علیه آنها وجود ندارد؛ زیرا این جزء نهی از منکر به حساب آمده، و همچنان صفحاتی که به نشر فساد و فحشاء ساخته شده، و عملاً به نشر تصاویر برهنه، و کلیپ های مستهجن می پردازد، مثلگی در هک کردن و نابودی و تخریب آنان نیست.

ولی صفحات شخصی و عمومی که هر چند مشتمل بر برخی مخالفت ها باشد، تخریب و نابودی آنها جایز نیست؛ بلکه پرداختن به نصیحت و خیر اندیشی مسئولین و مالکین آنها، به گونه ی درست واجب است.

اما صفحات شخصی و عمومی که مسئولین آنها به نشر مبادی اسلام پرداخته، و مردم را به نشر و پخش خیر دعوت کرده، علم شرعی، فتاوای، مواعظ و اخبار اسلامی نشر کرده، و از علماء و طلاب علم نمایندگی می کنند، تخریب و تدمیر و هک نمودن آنها مطلقاً حرام می باشد؛ زیرا این جزء فسادی است که خداوند متعال بدان راضی نبوده و دوست ندارد، خداوند متعال می فرماید:

(... وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ) (1).

1 - سوره مبارکه المائدة: (64).

ترجمه: (... و خداوند مفسدان و تباہکاران را دوست نمی دارد).

و پروردگار مان می فرماید:

(... إِنَّ اللَّهَ لَا يُصَلِّحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ)⁽¹⁾.

ترجمه: (... خداوند کار تبہکاران را (بقاء و دوام نمی بخشد و) شایسته و سودمند نمی گرداند).

دوم – آداب تصویر صفحه و تصویر نمایش پروفایل:

آغاز گر آغاز: جمعی کثیر از مردم، بلکه اکثر آنان به گذاشتن تصاویر شخص خود، یا دوستان و اقارب خویش در جای تصویر صفحه اهتمام ورزیده است، در مورد گذاشتن تصاویر فتوگرافی بر صفحات فیسبوک علماء به دو گروه جواز دهنده و منع کننده تقسیم شده است، بلکه برخی از مانعین جواز بر کسانی که از علماء جواز دهنده تقلید کرده اند سخت گرفته اند؛ پس لابدی است که نویسنده این سطور به عرض نتیجه تحقیقی که نظر بدلائل به آن رسیده، بپردازد. والله المستعان.

حکم تصویر فتوگرافی:

تصویر فتوگرافی از موضوعات جدید و مسایل نوپیدا است.

برای اینکه حکم این موضوع را درست بدانیم ضرورت است که اول تصور درست از موضوع مورد بحث توسط اهل تخصص داشته باشیم.

اهل تخصص از این تصویر می گویند:

تصویر فتوگرافی عبارت از افگندن نور است بر آنچه که می خواهد تصویرش را برداشته، سپس شعاعی صورت همان چیز منعکس شده

1 - سوره مبارکه یونس: (81).

و عدسیه - کمره - آنرا حفظ می نماید، و این گونه تصاویر به عکس های برقی نیز شهرت دارد.

پس عکس، عبارت از انعکاس نور است که عدسیه - کمره - آنرا حفظ می نماید.

زمانی که حقیقت عکس و تصویر فتوگرافی این چنین باشد، بدانکه در حکم این مسأله میان علماء در برخی مواضع اتفاق و در برخی دیگر اختلاف وجود دارد.

اما مواضع اتفاقی - میان علماء - عبارت است از:

1 - گرفتن عکس در هنگام ضرورت و حاجت جایز است؛ مثل عکس برای پاسپورت و مانند آن.

2 - گرفتن تصویر از چیز های حرام، حرام است، پس هر چیزی وسیله حرام شود نیز حرام است؛ مثل تصویری که برای تعظیم کردن بوده، یا تصاویر زنان و مانند آن.

3 - تصاویری چیز های بی جان با وجود اختلاف اندک جایز است؛ مثل درخت.

ولی مواضعی که - علماء در مورد آنها - اختلاف دارند: عبارت است از غیر آنچه پیشتر ذکر شد، یا به عبارت دیگر تصویر از این جهت که تصویر است، بدون آنکه به چه چیز تعلق دارد مورد اختلاف است.

و علماء معاصر در مورد تصاویر این چینی به دو گروه تقسیم شده است:

سخن اول - بدون شک تصاویر فتوگرافی حرام است.

این گروه به دلایل ذیل احتجاج جسته اند:

1 - از ابن عباس - رضي الله تعالى عنهما - روایت است که از نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم شنیده ام که می فرمود:

(مَنْ صَوَّرَ صُورَةً فِي الدُّنْيَا كُفَّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا الرُّوحَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَيْسَ بِنَافِخٍ)⁽¹⁾.

ترجمه: (کسی که در دنیا تصویری درست کند، در روز قیامت مکلف می شود که در آن روح بدمد، در حالیکه توان دمیدن را ندارد).

وجه استدلال از این حدیث شریف:

همانا تصویر فتوگرافی در فرموده - صلی الله علیه وسلم - (صورة = تصویر) داخل است، چنانکه عکاس تصاویر فتوگرافی در عموم فرموده - صلی الله علیه وسلم - (من صور = آنکه تصویر بآراید) داخل می شود، عذاب الهی بر تصویر نگاری مرتب شده و دلالت بر حرمتش دارد، واینکه این کار جزء گناهان کبیره محسوب می شود.

2 - از حضرت عائشة ام المؤمنین - رضي الله تعالى عنها - روایت است که گفت:

(قدم رسول الله صلى الله عليه وسلم من سفر، وقد سترت بقرام لي على سهوة لي فيها تماثيل، فلما راه رسول الله صلى الله عليه وسلم هتكه وقال: «أشد الناس عذابا يوم القيامة الذين يضاھون بخلق الله» قالت: فجعلناه وسادة أو وسادتين)⁽²⁾.

ترجمه: (پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - از سفری برگشت، پرده تصویری داشتیم که بر روی سکویی که در منزل بود کشیده بودم،

1 - متفق عليه :

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به رقم المسلسل: (2225)، (82/3) تخریج نموده است. و امام مسلم نیز این حدیث را در صحیحش به رقم المسلسل: (2110)، (1671/3) تخریج نموده است.

2 - متفق عليه :

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به رقم المسلسل: (5954)، (167/7) تخریج نموده است، و عبارت حدیث نیز متعلق به امام بخاری است.

و امام مسلم نیز این حدیث را در صحیحش به رقم المسلسل: (2107)، (1667/3) تخریج نموده است.

وقتی پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - آن را دید پاره اش نمود، و فرمود: معذب ترین مردم در روز قیامت کسانی هستند که خود را در ایجاد و خلق اشیاء مانند خدا نشان می دهند. عایشه - رضي الله عنها - گوید: آن پرده را پاره کردیم و آن را به يك يا دو بالش تبدیل نمودیم).

وجه استدلال از این حدیث شریف این است:

علتی که به خاطرش تصویر حرام شده است، عبارت از همان مشابهتی است که در تصویر فتوگرافی وجود دارد.

و همچنان به موارد دیگری در این حدیث استدلال کرده اند که به شکل عموم تحریم تصویر را افاده می کند.

سخن دوم - اینکه تصاویر فتوگرافی جایز است:

و این گروه به دلایل ذیل احتجاج کرده اند:

1 - بدون شک تصویری که شرعاً حرام شده تصویری است که دست ساخت بشر باشد، و این تصاویر فتوگرافی دست ساخت بشر نیست، به خصوص که این تصاویر فقط حبس سایه است.

2 - جواز آن را به آینه قیاس کرده اند، که به گونه کامل تصویر را منعکس می کند.

3 - علت مشابهت در تصویر فتوگرافی موجود نیست.

سخن برگزیده - از میان این دو -:

سخن برگزیده - از میان این دو - این است که تصویر فتوگرافی جایز است؛ زیرا این گونه تصاویر در تحت نهی احادیث از دو جهت داخل نمی شود:

جهت اول:

از حیث حقیقتش؛ تصویری که متن احادیث به خاطر آن آمده، آفرینشی مثل آفرینش خداوند متعال باشد، تصویر فتوگرافی به خلاف آن است، پس حقیقت - تصویر فتوگرافی کپی برداری از آفرینش خداوند متعال است.

تصویر فتوگرافی نام عرفی است نه شرعی، پس حمل اصطلاح شرعی بر عرفی که جدیداً پیدا شده است جایز نیست.

در عبارت های احادیث کلمه (المصورون = تصویر نگاران) و (من صور = کسی که تصویر نگارد) آمده، و در عبارت بخاری (یصنعون هذه الصور = این تصاویر را با دست خود می نگارد) این همه به عمل بشر و دست ساخت او که به آفرینش خداوند متعال مشابَهت داشته باشد، دلالت دارد، و این مشابَهت در تصاویر فتوگرافی یافت نمی شود؛ زیرا فرجام کارش به آشکار نمودن آنچه از روی آفرینش الله تعالی نقل کرده است، منتهی می شود، در این کار هیچ نوع مشابَهتی به آفرینش خداوند متعال وجود ندارد.

و آنچه که امروز به تصویر نامگذاری شده در حقیقت کپی برداری از آفرینش خداوند متعال بوده و بدون شک به آفرینش او نسبت داد می شود.

نزدیک به این نظریه جناب شیخ محمد بن صالح العثیمین - رحمه الله تعالی - در یکی از دو نظریه اش سخن گفته است که: "آنکه به مفهوم و علت نگاه کند جوازش دهد؛ زیرا علت همان مشابَهت به آفرینش الله تعالی است، و گرفتن تصویر با این وسایل مشابَهت به آفرینش الله تعالی به حساب نمی آید، بلکه این نقل تصویر از آفرینشی است که ذاتش را الله تعالی آفریده است، پس او نقل کننده آفرینش الله تعالی بوده نه شبیه سازی به آن، برای وضاحت بیشتر گفته اند اگر شخصی نوشتن شخص دیگری را تقلید کند در این جا نوشتن شخص دوم غیر نوشتن شخص اول می باشد، بلکه مشابَه آن به حساب می آید، و اگر نوشته اش را با تصویر

فتوگرافی کپی برداری کند در این نقل دوم عین نقل اول می باشد، هرچند دوم کپی اول است، پس نقل تصویر توسط وسایل فتوگرافی (کمره) نیز همین گونه است که تصویرش همان تصویری است که الله تعالی آفریده که توسط وسیله تصویر برداری نقل شده است⁽¹⁾، و با بیان جهت دوم این موضوع واضح می شود.

جهت دوم:

از حیث علت؛ علتی که در نصوص احادیث در تحریم تصویر آمده، همانا مشابهت است، و این علتی است که نص به آن تصریح نموده است، و این علت در تصویر فتوگرافی یافت نمی شود؛ زیرا این عین آفرینش الله سبحانه و تعالی است و جزء عمل بشر به حساب نمی آید؛ تا اینکه آفریده بشر به آفریده الله تعالی مشابه شود.

و در روایت صحیح بخاری این چنین آمده است:

(ومن أظلم ممن ذهب يخلق كخلقي)⁽²⁾.

ترجمه: (چه کسی ظالم تر است از کسی که می خواهد، مانند من مخلوق، بیافریند).

در تصویر فتوگرافی این علت موجود نیست.

ولی کسانی که استدلال جسته اند که تصویر وسیله شرک گرفتن - به الله متعال - است:

جوابش این است: همانا جنس تصویر وسیله شرک نیست، بلکه برخی انواع آن می باشد، و آنچه بر این دلالت می کند جنس تصویر وسیله شرک نیست: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - برخی از تصاویر را بر روی بالش اجازه داده و فرمود:

1 - مجموع فتاوی و رسائل ، محمد بن صالح العثیمین ، (2 / 253 - 254).
2 - امام بخاری در صحیحش به رقم المسلسل: 5953) به روایت ابو هریره تخریج نموده است.

ترجمه: (بغیر از آنچه که بر روی لباس نقش شده است).

پس این دلالت می‌کند: تصویری وسیله شرک قرار می‌گیرد که در آن تعظیم باشد، و این نوع از تصاویر فقط حرام است.

و زمانی که تصاویر فتوگرافی در نهی وارد شده نه از جهت حقیقت و نه از جهت علت داخل باشد، پس جایز است، و تحت قاعده: "الأصل في الأشياء الإباحة، إلا ما دل الدليل على تحريمه = اصل در شیء اباحت است، مگر دلیلی بر تحریمش دلالت کند"، داخل شده و - در این جا - دلیلی وجود ندارد که از این اصل صرف نظر کنیم، والله أعلم.

حکم تصاویر سلفی و تصاویر زنان:

بدانکه جایز دانستن تصویر فتوگرافی مشروط بر این است که کاری حرامی را در بر نداشته باشد؛ زیرا چیزهای مباح وقتی که به کاری حرام منجر شود حرام می‌شود؛ زیرا مقدمات هر کار در حکم مقاصد همان کار به حساب می‌آید.

از همین جهت:

1 - واجب است وقتی که انسان می‌خواهد تصویری را بر دارد باید شکل شریفی را خداوند متعال آنرا آفریده و شرافتش داده در نظر بگیرد، و آنچه را که امروز به تصاویر (سلفی) معروف است، ترک نماید، زیرا این کاری است که عقل سلیم آنرا نپذیرفته، گذشته از اینکه دین مبین اسلام - آنرا نمی‌پسندد - زیرا این دین پروردگار بزرگوار است که - انسان را - آفریده و کرامت بخشیده است.

1 - متفق علیه:

امام بخاری در صحیحش به رقم المسلسل: (5958) تخریج نموده است.
وامام مسلم در صحیحش به رقم المسلسل: (2106) تخریج نموده است.

با وجود آگاهی از اینکه تصویر سلفی یک روش از روش های اجرا است، و آن عبارت تصویر خود شخص از خودش است، و نه در این تحریمی است و نه نکوهشی بلکه نکوهش جای است شخصی که از او تصویر گرفته می شود کار ها و شکل های از خود اجرا می کند که از دیدگاه شرعیت مذموم است.

2 - و تنها تصاویر مرد ها جایز است که نشر شود، در صورتی که زنان از فتنه آنها در امان باشد، ولی اگر - کار بر - زن باشد، برای زن مسلمان با ایمان، عفیفه و پاک جایز نیست که تصویرش بر صفحات فیسبوک بگذارد؛ زیرا این جز تبرج و اظهار زینت حساب شده و وسیله فتنه افتادن جوانان و نافرمانی خداوند (دیباچه = غالب) می شود، خداوند متعال دستور به زنان مسلمان می فرماید:

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...) (1).

ترجمه: (و در خانه های خود بمانید (و جز برای کارهایی که خدا بیرون رفتن برای انجام آنها را اجازه داده است، از خانه ها بیرون نروید) و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید (و اندام و وسائل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید).

ابو عبیده - رحمه الله تعالی - می گوید: "التبرج: اینکه محاسن - مواضع زیبایی - خویش را ظاهر نمایند"، و زجاج - علیه الرحمة - گفته اند: "التبرج اظهار زینت و آنچه شهوت مردان را بر انگیزد". و امام مجاهد - رحمه الله - در وصف جاهلیت نخست گفته اند: "اینکه زن بیرون شده در میان مردان به گشت و گذار می پرداخت و این همان تبرج است" (2).

1 - سوره مبارکه الاحزاب: 33).

2 - زاد المسیر فی علم التفسیر، ابن جوزی، (3 / 461).

حکم گذاشتن تصاویر اطفال در تصویر صفحه و تصویر نمایش پروفایل:

من از همین جا پدران را فریاد می زنم که از گذاشتن تصاویر اطفال شان بر روی صفحات فیسبوک، خصوصاً اطفال شیرخواره را اجتناب ورزد، زیرا این کار امروزه خیلی منتشر و شایع شده، به نظرم به خاطر شفقت به فرزندان تان از ترس چشم خوردن و حسد ورزیدن به آنان اجتناب شود، از همین جهت یعقوب - علیه السلام - برای فرزندانش فرمود:

(وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...)(1).

ترجمه: (یعقوب به عهد و پیمان مؤکد فرزندان خود دل بست و شفقت پدری او را بر آن داشت که آنان را راهنمایی و نصیحت کند) و گفت: ای فرزندانم! از يك در (به مصر) داخل نشوید، بلکه از درهای گوناگون وارد شوید (تا از حسادت حسودان و چشم زخم پلیدان در امان بمانید. ولی بدانید که من با این تدبیر...).

یعنی تا اینکه چشم نخورید و نظر نشوید، زیرا نظر کردن سبب آزار دهنده است.

هدف از منع این کار توسل به احتیاط و توکل بر خداوند جبار است، و از همین جهت یعقوب - علیه السلام - بعد از آن می فرماید:

(...وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ)(2).

ترجمه: (...نمی توانم چیزی را که خدا مقرر کرده باشد از شما به دور سازم. (یقیناً آنچه باید بشود می شود، و راهی برای دفع بلا جز رعایت اسباب و علل پیدا و توسل به خدا سراغ ندارم). تنها حکم و فرمان از آن

1 - سوره مبارکه یوسف: (67).

2 - سوره مبارکه یوسف: (67).

یزدان است. (دافع شر و جالب خیر جهان فقط ایزد سبحان است). بر او توکل می‌کنم (و از او استمداد می‌جویم و کارم را بدو واگذار می‌کنم) و باید که توکل‌کنندگان بر او توکل کنند و بس (و کار خویش را بدو حواله دهند).

ومعناى (وَمَا أُغْنِي) از شما دفع نمی‌کنم، (عنکم) به گفتار خودم، (مِنْ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ) آنچه بر شما مقدر شده باشد، - این کار - فقط به خاطر شفقت به شما است⁽¹⁾.

حکم گذاشتن تصاویر پوشه های کتب علمی به روی صفحه:

گذاشتن تصاویر پوشه های کتب علمی که شخص صاحب صفحه آنها را تالیف کرده اند چیزی بسیار خوبی است، و این کار جزء نشر علم به حساب می‌آید، و برای صاحب صفحه واجب است که این کار را اخلاصاً لله انجام دهد، و از ریاء و حب شهرت اجتناب ورزد.

سوم - احکام دیگر:

حکم غلط ثبت نمودن تاریخ تولد در بخش معلومات صفحه:

این کار - والله اعلم - دروغ محسوب می‌شود، ولی اگر حاجت شرعی در آن باشد که به گونه خلاف واقعیت ثبت شود، مشکلی نیست، اختیار کردن این دو کار نزد بهتر است: یا نوشتن درست تاریخ تولد، و یا هم اصلاً ترک کردن آن - در صورت امکان -.

1 - به کتاب (تفسیر الجلالین)، جلال الدین المحلي، و جلال الدین السیوطی، (ص 313) مراجعه فرمایید.

حکم جمله که در بخش (دوستی آزاد) یکه برخی ها در معلومات صفحه خود می نویسد:

همانا قاعده (الحکم علی الشیء فرع عن تصویره⁽¹⁾) = حکم بر چیزی بعد از فهم دقیق آن است) قاعده بزرگی است برای هر کسی که مسئولیت فهم قولی را و یا تفسیرش را دارد، باید از این قاعده غافل نباشد، از همین جهت وقتی ما می خواهیم بر کلمه (العلاقة = دوستی) در لغت عرب اطلاع حاصل کنیم، هر آینه این کلمه را به معنای دوستی که از تلازم قلبی باشد خواهیم یافت⁽²⁾، چنانکه در مورد دوستی مرد نسبت به زن گفته شده است: "بفلان من فلانة علاقة⁽³⁾؛ ای: حب⁽⁴⁾ = فلان مرد نسبت به فلان زن علاقه دارد؛ یعنی دوستی دارد"، و جمع علاقة، علائق است⁽⁵⁾.

ذو الرمة می گوید:

هر آینه دوستی می⁽⁶⁾ به قلب من گره خورد

1 - این قاعد از قواعد علم منطق است، و این از راست ترین سخنان منطقه به حساب می آید، به گونه مجمل نصوصی از قرآن و سنت برای این اصل گواه است؛ همانند این فرموده خداوند متعال: (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا = از چیزی دنبال هروی مکن که از آن ناآگاهی . بی گمان (انسان در برابر کارهائی که) چشم و گوش و دل همه (و سایر اعضاء دیگر انجام می دهند) مورد پرس و جوی از آن قرار می گیرد.) - الاسراء: 36 - وفرموده خداوند متعال: (وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكُذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِنَقْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ = (خداوند حلال و حرام را برایتان مشخص کرده است) و به خاطر چیزی که تنها (از مغز شما تراوش کرده و) بر زبانتان می رود ، به دروغ مگوئید : این حلال است و آن حرام ، و در نتیجه بر خدا دروغ بندید . کسانی که بر خدا دروغ می بندند ، رستگار نمی گردند) - النحل: 116 - وفرموده نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - (ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيرا أو ليسكت = وکسی که ایمان به خدا و روز آخرت دارد، باید سخن خیر گوید، یا سکوت اختیار نماید) ، امام بخاری به رقم المسلسل: 6476) تخریج کرده است، و در روایت دیگر رقم المسلسل: (6475)، (أو لیصمت = یا ساکت شود) آمده است.

2 - الغریب المصنف، ابو القاسم بن سلام، (2 / 411).

3 - کتاب الألفاظ، ابن السکیت، (ص 340).

4 - المحکم والمحیط الأعظم، ابن سیده، (1 / 209).

5 - طلبة الطلبة، نسفی، (ص 44).

6 - (می) نام خانمی است که معشوقه شاعر ذو الرمة بوده است.

و به گونه آرام و به گذشت ایام از قلبم انحلال یافت(1)

این درک ساده از معنای کلمه (علاقة = دوستی) است.

سپس تصویر دومی از معنای کلمه علاقة که شامل تقسیم بندی آن است آمده؛ با ثبوت این سخن که علاقه اگر به معنای دوستی گرفته شود، دو گونه خواهد بود:

اول - دوستی شرعی و اسلامی (مقید):

چنانکه در فرموده نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - آمده است:

(أَنْكِحُوا الْأَيَّامِي، ثَلَاثًا، قِيلَ: مَا الْعَلَائِقُ بَيْنَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟، قَالَ: مَا تَرْضَى عَلَيْهِ الْأَهْلُونَ، وَلَوْ قَضِيْبٌ مِنْ أَرَاكِ(2).

ترجمه: (مردان و زنان مجرد را ازدواج دهید، - سه بار تکرارش کرد - گفته شد یا رسول الله علایق میان شان چیست؟ فرمود: آنچه - یعنی مهر - اهالی دو طرف رضایت دهد اگر چه به روی چوب درخت اراک هم باشد).

و (علائق) جمع علاقة و آن عبارت از مهر است، که به گونه گره میان زوجین واقع می شود(3).

و فرموده نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم -:

(... ورجل قلبه معلق في المساجد،...)(4).

1 - لقد علقت مي بقلبي علاقة === بطيئاً على مر الليالي انحلالها.

لسان العرب، (10 / 262).

2 - سنن الدارقطني، أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى: 385هـ)، حققه وضبط نصه وعلق عليه: شعيب الارنؤوط، حسن عبد المنعم شلبي، عبد اللطيف

حرز الله، أحمد برهوم، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1424 هـ = 2004 م، عدد الأجزاء: (5)، رقم المسلسل: (3600)، (4 / 357).

3 - طلبية الطلبة، نسفي، (ص 44).

4 - امام بخاري، به رقم المسلسل: (660) تخريج نموده است.

ترجمه: (... وکسي که به مسجد تعلق خاطر داشته باشد ...).

از علاقه دوستی گرفته به معنای شدت و التزام به دوستی است.

وهم چنان می گویند: العلوک من النساء : یعنی زنانی دوستار شوهران خویش باشند⁽¹⁾.

دوم – علاقه مطلق که در فیسبوک از آن به (آزاد) تعبیر می شود:

چنانکه در فرموده خداوند متعال آمده:

(...فَنَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ...)⁽²⁾.

ترجمه: (... ولي (از زني که میانه چندان با او ندارید) به طور کلی دوری نکنید ، بدان گونه که او را به صورت زن معلّقه ای در آورید (که بلا تکلیف بوده و نه شوهر دار و نه بی شوهر بشمار می آید...).

(المعلّقة) عبارت از زنی است که نه مجرد و نه شوهر دار است گویی که کارش استقرار ندارد⁽³⁾؛ پس نه این بی شوهر است که برای شوهر گرفتن آماده شود، و نه شوهر دار که به حقوقش رسیدگی شود⁽⁴⁾.

و همچنان در گفته همان زن که در حکایت ام زرع وارد شده است: "إن أنطق أطلق، وإن أسکت أعلق = اگر زبان گشایم طلاقم دهم، و اگر ساکت شوم معلّقه ام نگدارد"، یعنی اگر عیب هایش را به زبان بیاورم مرا طلاق دهد، و اگر از آن سکوت نمایم من را معلّقه رها خواهد کرد، یعنی نه – خانم - مجردی و نه شوهر دار⁽⁵⁾.

1 - معجم مقاییس اللغة، ابن الفارس، (4 / 129).

2 - سوره مبارکه النساء: 129).

3 - معجم مقاییس اللغة، ابن الفارس، (4 / 129).

4 - تیسیر الکریم الرحمن، السعدي، (ص 207).

5 - شرح صحیح البخاری، الخطابی، (3 / 1990).

خلاصه کنیم از بازتاب تصویر فوق از معنای کلمه (علاقة) که در لغت عرب به معنای دوستی است.

و همواره معنای مطلق - کلمه علاقة - زشت و مذموم بوده و در هتک حرمت و آبروی ریزی به کار رفته و لطمه ی به شرافت انسان بوده، و اگر به جمله (علاقة مفتوحة = دوستی آزاد) را مرکب اضافی بدانیم؛ در این حال معنایش به شدیدترین حالت هتک حرمت حمل خواهد شد، و دلالتش بیشتر به نابودی شرافت و زایل شدن مردانگی است، پس تصور کن از اینکه عرب ها به گویند: (العلوق من النساء: المحبة لزوجها = علوق از زنان یعنی دوستار شوهر های شان اند) سپس این علاقة و دوستی را تبدیل به دوستی آزاد کند!

و اینکه نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده:

(أدوا العلائق)؛ و علائق جمع علاقة است، و آن عبارت از مهریه است که - در حقیقت - به سبب وی گره میان زوجین ایجاد می شود، سپس کلمه (علاقة = پیوند) را به گونه مطلق حمل کنیم!

و علاوه بر این: جمله (علاقة مفتوحة = ارتباط آزاد) همانا وصفی است برای این (علاقات = روابط) یکه آداب - اجتماعی - آنرا مقید نسازد، و آنرا شریعت اسلام تحت قواعد و ضوابطش نیاورده باشد، دوستی که زن را طوری وادار نماید که هر روز به آغوش یک مرد باشد.

پس چه گونه بعد از این همه درست است، که برادران و خواهران شرافتمند ما به خویش را به چنین اوصافی زشت متصف نمایند!

از خداوند متعال می طلبیم به راه خیر هدایت مان کند!



فصل سوم

آداب متعلق به درخواست دوستی و لغو آن
و همچنان مسدود سازی افراد

اول: درخواست دوستی:

بدانکه ای هان برادر مسلمان همانا دوستی فیسبوکی برخی اوقات از باب زنده کردن برادری به خاطر الله در میان مسلمانان است، طوری که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند:

(الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ)⁽¹⁾.

ترجمه: (مسلمان برادر مسلمان است).

و از انس بن مالک - رضي الله تعالى عنه - روایت است که همانا رسول الله - صلی الله علیه وسلم -:

(أَخِي بَيْنَ أَبِي عُبَيْدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ، وَبَيْنَ أَبِي طَلْحَةَ)⁽²⁾.

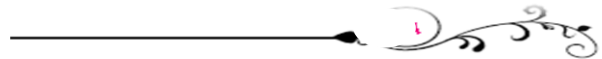
ترجمه: (در میان ابو عبیده بن الجراح و میان ابو طلحة پیمان برادر بست).

1 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش بروایت عبد الله بن عمر، به رقم المسلسل: (2442)، (128/3) تخریج کرده است.

و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت عبد الله بن عمر، به رقم المسلسل: (2580)، (1996/4)، تخریج کرده است.

2 - و امام مسلم این حدیث را در صحیحش، به رقم المسلسل: (2528)، (1960/4)، تخریج کرده است.



معنای برادری مسلمان: اینکه برادر ایمانی خود را به منزلت برادری نسبی اش قرار دهد، و هدف از این منزلت دهی: اینکه با وی چنان تعامل کند، که با برادر نسبی اش تعاملی از قبیل همیاری، همکاری، نیکی و احسان می کند، و آنچه را که برادران نیکو کار در برابر همدیگر انجام می دهند، با وی انجام دهد⁽¹⁾.

پس چه زیبا است این دوستی در روی فیسبوک، زمانی به رضای الله – جل جلاله – و رسولش – صلی الله علیه وسلم –، و پخش دین اسلام باشد.

بعد از این همه بدانکه درخواست دوستی شما باید از کسانی چون علماء و طلاب علم، و یا کسانی که جز نیکو کاران اند، باشد، و این یکی از آداب اسلامی است که پروردگارمان در کتابش تصریح و تقریرش نموده و می فرماید:

(قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا)⁽²⁾.

ترجمه: (موسی بدو گفت: آیا (می پذیري که من همراه تو شوم و) از تو پیروی کنم بدان شرط که از آنچه مایه رشد و صلاح است و به تو آموخته شده است، به من بیاموزي؟).

معنای (هَلْ أَتَّبِعُكَ)؛ یعنی برای ما همراهی و دنبال کردن تان را اجازه می دهید؟

در این جا شما مشاهده می کنید که موسی – علیه السلام – در مکالمه خود با خضر عالی ترین روش های ادبی که لایق انبیاء – علیهم الصلاة والسلام – است مراعات نموده؛ طوری که ایشان را به صیغه استفهام که دلالت به تطف و مهربانی دارد، مخاطبه کرده، طوری که خودش را

1 - به کتاب (شجرة المعارف والأحوال وصالح الأقوال والأعمال)، عز بن عبد السلام، (ص 194)، مراجعه فرمایید.

2 - سوره مبارکه الکهف: 66).

جایگاه متعلم نسبت به معلم داده چنانکه از وی به منظور دنبال کردنش اجازت خواسته، تا اینکه از وی راهنمای و خیر بیاموزد(1).

پس واجب است، برای کسی که به دوستی درخواست شده، اجابتش نموده و از پذیرش دوستی اش مگر به خاطر موجودیت مشکل شرعی تکبر ننماید؛ زیرا کسی که از شما درخواست دوستی می کند در حقیقت این کار او احترام و بزرگ داشتی برای شما است، به خصوص زمانی که این دوستی از جانب بزرگتر و یا عالمتر از شما باشد، در این هنگام پذیرشش به منظور ادای احترام و بزرگداشت از ایشان واجب است، در حالی که ما به احترام و توقیر بزرگسالان و علماء دستور یافتیم.

از عبادة بن الصامت - رضي الله تعالى عنه - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرموده است:

(لَيْسَ مِنْ أُمَّتِي مَنْ لَمْ يُجِلِّ كَبِيرَنَا، وَيَرْحَمِ صَغِيرَنَا، وَيَعْرِفَ لِعَالِمِنَا)(2)،
أي حقه(3).

ترجمه: (هر کس به بزرگسالان ما احترام نگذارد و به خردسالان ما ترحم ننماید و برای عالمان ما شناساند، از ما نیست)، یعنی حق شان را اداء نکنند.

پس اگر این شخص این دوستی را نپذیرفت، یا در پذیرشش تاخیر کرد، برایش عذری جستجو کرده و با آدابی که حضرت موسی - علیه السلام - در درخواست دوستی اش با - خضر - مراعات کرده مزین باشید، (قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا)(4)،

1 - به کتاب (التفسير الوسيط للقرآن الكريم)، محمد سيد طنطاوی، (8 / 552)، مراجعه فرمایید.
2 - این حدیث صحیح است، امام احمد در (مسند) به رقم المسلسل: 22755، و امام بخاری در کتابش (ادب المفرد)، (ص 355)، و حاکم در کتابش (المستدرک) به رقم المسلسل: 421 تخریج نموده اند.
3 - به کتاب (التیسیر بشرح الجامع الصغیر)، المناوی، (331/2) مراجعه فرمایید.
4 - ترجمه: (موسی بدو گفت: آیا (میپذیری که من همراه تو شوم و) از تو پیروی کنم بدان شرط که از آنچه مایه رشد و صلاح است و به تو آموخته شده است، به من بیاموزی؟).

خداوند متعال شما را مورد رحمت خویش قرار دهد، تا بر این شیوه قرار داشته باشید.

بدان ای برادر مسلمان اینکه دوستی روی فیسبوک همان دوستی همکلامی و همنشینی حقیقی است به این معنی که: شما همواره از طریق منشورات و تعلیقات و مراسلات با این شخص همنشینی فکری و منهجی دارید، پس در حذر باشید از اینکه این همنشین شما همنشینی بد باشد، در این صورت باید در حال از دوستی اش صرف نظر نمایید؛ زیرا نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - می فرماید:

(إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ، وَالْجَلِيسِ السَّوِّءِ، كَحَامِلِ الْمِسْكِ، وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمِسْكِ: إِمَّا أَنْ يُحْدِثَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخُ الْكَبِيرِ: إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ رِيحًا خَبِيثَةً)⁽¹⁾.

ترجمه: (مثال همنشین صالح و همنشین بد، مانند دارنده مشک و دمنده دمه آهنگر است که دارنده مشک یا برایت مشک می دهد، و یا از وی خریداری می کنی و یا از او بوی خوش را می یابی، و دمنده دمه آهنگر یا لباست را می سوزاند و یا از او بوی بد به مشامت می رسد).

هدف این حدیث مبارک این است: از دوستی کسی که همنشینی اش ضرر دینی و یا دنیوی داشته باشد صرف نظر نموده، و شما را به همنشینی کسی که برای شما منفعت دینی و دنیوی داشته باشد تشویق می نماید⁽²⁾.

1 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش بروایت ابو موسی، به رقم المسلسل: (5534)، (96/7) تخریج کرده است.

و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت ابو موسی، به رقم المسلسل: (2628)، (2026/4)، تخریج کرده است.

2 - التیسیر بشرح الجامع الصغیر، المناوی، (1 / 364).

پس همنشینی بهترین ها خیر و خوبی به جای می گذارد، و همنشینی بدترین ها شر و بدی را به جای خواهند گذاشت، همانند نسیم باد اگر بر چیزی پاک وزد، بوی خوشی را همراه خواهد داشت، و اگر بر چیزی بد بوی بگذرد بوی بدی را همراه خواهد داشت.

گفته شده است: اگر با احمقان نشینی از حماقت شان برای شما بیشتر از دانایی که با دانیان نشینی خواهد رسید؛ زیرا فساد بیش از همه چیز به وجود مردم سرایت کرده و معمولاً طبیعت ها آن را بیش از هر چیز دیگر خواهد پذیرفت.

حاصل سخن: همنشینی تاثیر گذار است؛ از همین جهت خداوند متعال می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)⁽¹⁾.

ترجمه: (ای مؤمنان! از خدا بترسید و همگام با راستان باشید).

و آنچه مناسب است که در این جا بر آن آگاهی دهیم: اینکه برخی از مردم با شخصی به محض اینکه از وی حسن صورت و شکلی زیبا در صفحه اش یافته درخواست دوستی داده - و به این خاطر - بسی از اوقات دوستی یک عالم و نیکو کار دیگری را ترک می کند، در حالی که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَىٰ أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَىٰ صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَأَشَارَ بِأَصَابِعِهِ إِلَىٰ صَدْرِهِ)⁽²⁾.

ترجمه: (همانا خداوند متعال به پیکر ها و چهر های شما نگاه نکرده بلکه به قلب های شما نگاه می کند، و به انگشت خویش به سوی سینه ی خویش اشاره فرمود).

1 - سوره مبارکه التوبة: (119).

2 - امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت ابو هریره، به رقم المسلسل: (2564)، (1986/4)، تخریج کرده است.

مراد - از این حدیث مبارک - این است که: همانا الله تعالی شخصی را به خاطر زیبایی اش نپذیرفته و نزدیکش قرار نداده و به این خاطر هم ترکش نمی کند، بلکه خداوند متعال انسان را به خاطر عمل نیک و خلوص قلبش پذیرفته، و در نبودش او ترک خواهد کرد(1).

پس برای هر مسلمان واجب است به آدابی که پروردگار شان دستور داده متأدب باشد، پس دوستی شخصی را به محض صورت زیبایش نپذیرفته و یا ترک دوستی اش را - به این خاطر - انجام ندهد، بلکه درخواست و پذیرش دوستی باید به اساس اعمال نیکو، سلامت منهج و دیانت همان شخص باشد.

حکم درخواست دوستی از طریق فیسبوک مرد از زن و بالعکس:

واژه دوستی در دنیای فیسبوک حسب واقعیت و مشاهده مستلزم تعارف و شناسایی نیست، بلکه محض دنبال کردن منشورات است، توضیحش در این جا است که برخی از کاربران فیسبوک دوستان او به هزار ها تن رسیده، پس آیا کسی گمان می کند که این هزار ها تن را بشناسد؟ بلکه این فقط دنبال کردن است، زمانی که کار به این صورت باشد، ظاهراً دوستی اینها جایز است - والله اعلم - به شرطی که اجازه ولی امر زن که پدرش یا شوهر و... باشد، با این وصف در این شکی نیست که پرهیز - از چنین دوستی - بهتر است.

ولی هرگاه که این دوستی به تعارف و مکاتبه منجر شود، - چنانکه حال کسانی است قلب های شان مریض اند - پس این درخواست دوستی و یا پذیرفتن آنها جایز نیست، زیرا این منافی عفت، و مناقض معنای احسان است؛ طوری که خداوند متعال در حق مردان پاکدامن می فرماید:

1 - به کتاب (کفایة الحاجة في شرح سنن ابن ماجة)، ابو الحسن السندي، (2 / 536)، مراجعه فرمایید.

(...مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ...) (1).

ترجمه: (... و قصد از دواج داشته باشید و منظورتان زناکاری یا انتخاب دوست نباشد...).

در باره زنان پاکدامن می فرماید:

(...مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ...) (2).

ترجمه: (...کنیزانی را برگزینید که با عفت و پاکدامن باشند و برای خود دوستانی (نامشروع) برنگزینند...).

و واژه (الخدن) به معنای دوست است که بر مذکر و مونث، یا دوست پسر و یا دوست دختر اطلاق می شود، اینکه خانم دوستی یا رفیقی داشته باشد (3).

حافظ ابن کثیر - رحمه الله تعالی - در تفسیر این (وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ)؛ گفته است: "معشوقه هایی" (4).

از همین جهت برای مرد وزن مسلمان واجب است که خویش در چهار چوب عصمت قرار داده و از فساد و فحشاء علنی محافظت نماید، که این از کلمه (المسافحة) برداشت می شود، و همچنان از فساد و فحشای پنهانی نیز محافظت نماید که این از طریق یارگیری نامشروع به وجود می آید، و دوستی از طریق فیسبوک به این گونه است، و این حکم را به خود می گیرد، والله اعلم.

1 - سوره مبارکه المائدة: (5).

2 - سوره مبارکه النساء: (25).

3 - به کتاب (تفسیر المنار)، محمد رشید رضا، (8 / 165)، و کتاب (تفسیر المراغي)، احمد بن مصطفی المراغي، (59/6)، مراجعه فرمایید.

4 - تفسیر القرآن العظیم، حافظ ابن کثیر، (3 / 43).

وقتی که به کسی - که نمی شناسم - درخواست دوستی دهم، فیسبوک از من می پرسد: آیا این شخص را می شناسی؟ اگر در جوابش گفتم: بلی، آیا این دروغ محسوب می شود؟

بلی این دروغ است، و اگر اصرار داشتی که این درخواست دوستی اجرا شود، پس به او پیام بدهید، که از شما درخواست دوستی کرده، و یا اینکه با او معرفت حاصل کنید، تا از دایره دروغ گفتن بیرون شوید، والله اعلم.

دوم - لغو دوستی اشخاص و مسدود سازی آنان:

آنچنانکه به برخورد نیک در رفاقت دستور داده شدیم به مفارقت دوستی نیز چنین دستور یافتیم، چنانکه خداوند متعال می فرماید:

(... فَأَمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ...)⁽¹⁾.

ترجمه: (...از دو کار را باید کرد: (نگاهداری (زن) به گونه شایسته (و عادلانه) یا رهاکردن (او) با نیکی (و بایستگی و به دور از ظلم و جور . بعد از طلاق سوم ، حق مراجعت سلب می شود مگر بعد از ازدواج راستین با شوهر دیگری و وقوع طلاق میان او و شوهر اخیر...).

و خداوند متعال می فرماید:

(... فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ...)⁽²⁾.

ترجمه: (...یا به طرز صحیح و عادلانه ای آنان را نگاه دارید (و با ایشان آشتی کنید) یا آنان را به طرز پسندیده و دادگرانه ای رها سازید،...).

1 - سوره مبارکه البقرة: (229).

2 - سوره مبارکه البقرة: (231).

این آیات هر چند در مورد مفارقت از همسر آمده، ولی عموم لفظ معتبر بوده نه خصوص سبب و قرآن کریم در بردارنده معانی و وجوه مختلفی است، و بر عموم این فرموده نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - دلالت دارد:

(إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ) (1).

ترجمه: (همانا خداوند در همه چیز و هر کاری نیکوکاری و احسان را برای شما مقرر داشته و فرض کرده است).

یعنی بر شما فرض گردانیده شده که در همه چیز احسان و نیکوکاری را پیش روی خود قرار دهید (2).

پس زمانی از دوست صفحه خویش چیزی را مخالف دین و شریعت یافتم، باید به گونه پنهانی نصیحتش کنید، طوری که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند:

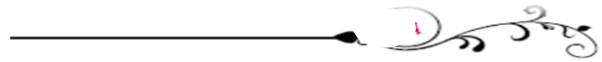
(الدِّينُ النَّصِيحَةُ) (3).

ترجمه: (دین همه اش نصیحت و خیر اندیشی است).

و نصیحت را برایش چند بار تکرار کنید، و تا وقتی که نصیحت شما را می شنود، حذف یا مسدودش نکنید، پس اگر به خطایش بازگشت، فرموده الله تعالی به یاد آورید:

(... إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ ...) (4).

1 - امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت شداد بن اوس، به رقم المسلسل: (1955)، (1548/3)، تخریج کرده است.
 2 - مرقاة المفاتیح، (6 / 2649).
 3 - امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت تمیم الداری، به رقم المسلسل: (55)، (74/1)، تخریج کرده است.
 4 - سوره مبارکه یوسف: (53).



ترجمه: (...چرا که نفس (سرکش طبیعتاً به شهوات می‌گراید و زشتیها را تزئین می‌نماید و مردمان را) به بدیها و نابکاریها می‌خواند...).

یعنی نفس انسان را به معصیت⁽¹⁾ دستور می‌دهد، نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - برای یارانش فرمود:

(لَا تَكُونُوا عَوْنًا لِلشَّيْطَانِ عَلَىٰ أَخِيكُمْ)⁽²⁾.

ترجمه: (مددگار شیطان علیه برادر خویش نباشید).

اگر او را مصرانه بر معصیت و دعوت کننده به سویش یافتید، باید به گونه نیکو با وی مفارقت نموده وقاعده: (الزجر بالهجر = مجازات به مفارقت)، را پیشه کنید، زیرا این ادب والای اسلامی است، قرآن کریم به آن تصریح نموده و سنت نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - آن را بیان نموده، بلکه نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - وبعد از او اصحابش بدان عمل نموده اند.

خداوند متعال می‌فرماید:

(...وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا)⁽³⁾.

ترجمه: (...و به گونه پسندیده از ایشان دوری کن).

و خداوند متعال از ابراهیم - علیه السلام - حکایت کرده می‌فرماید:

(قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي...)⁽⁴⁾.

1 - معالم التنزیل، البغوي، (4 / 249).

2 - این بخشی از حدیث است که با موجودیت شواهد متعدد به درجه حسن می‌رسد، امام احمد به رقم المسلسل: 4168، تخریج نموده است.

3 - سوره مبارکه المزمّل: 10).

4 - سوره مبارکه مریم: 47).

ترجمه: ((ابراهیم به آرامی و مهربانی) گفت : (پدر) خداحافظ !
من از پروردگارم برای تو آمرزش خواهم خواست...).

وخداوند متعال می فرماید:

(...سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ)⁽¹⁾.

ترجمه: (...وداع و بدرودتان باد ! ما خواهان (همنشینی با) نادانان
نیستیم).

و (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ) در این جا هدفش تحیت نیست، بلکه به قصد متارکه
گفته شده است، و این جمله، جمله انس آوری است که شنونده را فرود
می آورد؛ زیرا در عرف به خاطر تحیت و ادای احترام به کار می
رود⁽²⁾.

و جمله (لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ) معنایش این است که: آنان را به مجادله
و انتقاد و دشنام دادن نمی طلبیم⁽³⁾.

در حدیث کعب بن مالک - رضی الله تعالی عنه - در حکایت
تخلفش از نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - در غزوة تبوک آمده است
که می گفت:

(وَنَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُسْلِمِينَ عَنِ كَلَامِنَا، أَيُّهَا
الثَّلَاثَةُ، ... وَقَالَ: فَكُنْتُ أَخْرُجُ فَأَشْهَدُ الصَّلَاةَ وَأَطُوفُ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا
يُكَلِّمُنِي أَحَدٌ، ...) ⁽⁴⁾.

1 - سوره مبارکه القصص: (55).

2 - المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ابن عطية الأندلسي، (4 / 292).

3 - به کتاب (معانی القرآن و اعرابه زجاج (4 / 149)، و کتاب (المحرر الوجيز)، (4 / 292)، مراجعه فرمایید.

4 - منفق عليه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به روایت کعب بن مالک به رقم المسلسل: (4418)، (6 / 3) تخریج
نموده است.

و امام مسلم نیز این حدیث را در صحیحش به روایت کعب بن مالک به رقم المسلسل: (2769)، (4 / 2120)،
تخریج نموده است.

ترجمه: (رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، مردم را از صحبت با ما سه نفر منع فرمودند... و من همواره بیرون می شدم و در نماز، با مسلمانان شرکت می کردم و در بازار، گردش می نمودم، در حالی که کسی با من صحبت نمی کرد...).

و این مفارقت زمانی است که به خاطر دین باشد، و این مفارقت با کسی است که منکرات را اظهار می نماید.

و اما مفارقت به خاطر تعاملات بشری بیش از سه روز جایز نیست؛ نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - می فرماید:

(لَا يَحِلُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ)⁽¹⁾.

ترجمه: (برای هیچ مسلمانی حلال نیست که بیش از سه روز از برادر دینی خود دوری کند و با او قهر باشد).

و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(تُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ، وَيَوْمَ الْخَمِيسِ، فَيُغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، إِلَّا رَجُلًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءٌ، فَيُقَالُ: أَنْظِرُوا هَدَّيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا، أَنْظِرُوا هَدَّيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا)⁽²⁾.

ترجمه: (درهای بهشت، روزهای دوشنبه و پنجشنبه باز می شوند و هر بنده ای که چیزی و کسی را شریک خدا قرار نداده باشد (مرتکب شرک نشده باشد) بخشیده خواهد شد، مگر کسی که بین او و بین

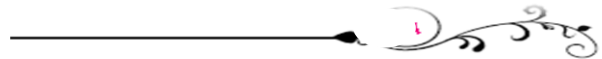
1 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به روایت انس بن مالک به رقم المسلسل: (6065)، (8 / 19) تخریج نموده است.

و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش به روایت انس بن مالک به رقم المسلسل: (2558)، (4 / 1983)، تخریج نموده است.

2 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش به روایت انس بن مالک به رقم المسلسل: (2565)، (4 / 1978)، تخریج نموده است.

(شحناء)؛ یعنی عداوت و بغض. (انظروا هذین)؛ یعنی تاخیر شان بیاندازید.



برادرش [دینی یا نسبی] عداوت و دشمنی باشد که [در باره ی آن ها به فرشتگان مأمور] گفته می شود: [مغفرت] این دو را به تأخیر اندازید، تا وقتی که باهم صلح می کنند، [مغفرت] این دو را به تأخیر اندازید، تا وقتی که باهم صلح می کنند، [مغفرت] این دو را به تأخیر اندازید، تا وقتی که باهم صلح می کنند).

پس باید مسلمان فرق میان این دو گروه را ببیند، پس چه زیاد کسانی خواهد بود با یکدیگر ملتبس شود.



فصل چهارم
آداب متعلق به پسندیدن صفحات و پیوستن
به گروپ ها

جمعی زیادی از صفحات و گروپ ها که تعداد زیادی از کاربران فیسبوک را با خود دارند، در حقیقت آنها اماکن غفلت، بیهوده گویی، خصومت پردازی و کارهای زشت اند ممکن نیست که در آنها منکراتی یافت نشود، کمترین چیزی که در مورد شان گفته شود همانند بازار است، وقتی که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - از نشستن در بازارها بدون ضرورت منع فرموده است، پس پیوستن به این صفحات و گروپ های زشت چطور خواهد بود؟

نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - می فرماید:

(أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ مَسَاجِدُهَا، وَأَبْغَضُ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ أَسْوَاقُهَا)⁽¹⁾.

ترجمه: (محبوبترین سرزمینها نزد خدا مساجد است و زشت ترین سرزمینها بازارها است).

امام النووي - رحمه الله - می گوید: " بدترین جایها بازارها است که محل تقلب کاری، فریب، سود، سوگندهای دروغ، مخالفت وعده، روی گردانی از یاد خدا و غیره کارهای مشابه صورت می گیرد"⁽²⁾.

1 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش به روایت ابو هریره به رقم المسلسل: (671)، (1 / 464)، تخریج نموده است.

2 - المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، (5 / 171).

و ملا علی القاری - رحمه الله - می گوید: "بازارها اماکن کارهای شیطانی همانند حرص، طمع، خیانت و غفلت است" (1).

به نظر من: در این صفحات و گروپها قرار آنچه بازدید کنندگان می دانند بیشتر از آنچه ذکر شد وجود دارد.

حضور در این صفحات و گروپها به دلایلی که ذکر شد جایز نیست؛ زیرا حضور در اینها در حقیقت تایید منکرات ایشان است، در حالی که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - می فرماید:

(مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ) (2).

ترجمه: (کسی که از شما کار بدی را ببیند، باید آن را با توانی که دارد از میان بردارد. اگر توان آن را نداشته باشد، باید با زبان در دفع آن بکوشد. اگر بر این نیز توانایی نداشته باشد، باید با دل - آن را دشمن بدارد و - گریز و نفرت نشان دهد ... این - مرحله - هم - مرحله - ضعیف ترین ایمان است).

در اصل حضور مسلمان در هر جای که معصیت الله تعالی صورت می گیرد ممنوع است، پروردگار مان می فرماید:

(وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) (3).

ترجمه: (هرگاه دیدی کسانی که به تمسخر و طعن در آیات (قرآنی) ما می پردازند، از آنان روی بگردان (و مجلس ایشان را ترک کن و با

1 - مرقاة المفاتیح، (2 / 591).

2 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش به روایت ابو سعید الخدری به رقم المسلسل: (49)، (1 / 69)، تخریج نموده است.

3 - سوره مبارکه الانعام: (68).

آنان منشین (تا آن گاه که به سخن دیگری می‌پردازند . اگر شیطان (چنین فرمانی را) از یاد تو برد (و دستور الهی را فراموش کردی) ، پس از به خاطر آوردن (و یاد کردن فرمان ، از پیش ایشان برخیز و) با قوم ستمکار منشین).

ولی هرگاه که حضور در این صفحات و گروپ ها برای اهدافی صحیح باشد، مثل نهی از منکرات، و اقامه دلایل بر مخالفین در این هنگام حضور جایز بوده بلکه مستحب و یا واجب است، پس هیچ مجالی را برای اهل باطل رها نگذارید که با خاطر آرام و بدون هیچ مقاومتی به پخش و نشر باطل شان بپردازند، در این حال مشکلی نیست که تعداد این گروپ ها افزون یافته تا وقتی که اهداف شریعت اسلامی امکان بروز را داشته باشد.

بدون شک درست نیست برای کسی که اهلیت کامل و معلومات کافی از علم شرعی را ندارد به مناقشه اهل باطل برخواسته و کارهای باطل را رد نماید، چون در این حال دلایل اهل حق ضعیف جلوه داده شده و شبهات اهل باطل قوی پنداشته می شود، آن چنان که پوشیده نیست این خود جزء اسباب فساد به حساب می آید، والله اعلم.

بدان که پسندیدن صفحه ی و پیوستن به گروپی در حقیقت همکاری در اشتها اینها به دوستان خویش و دیگران است چه شما بدانید و یا هم ندانید، اگر اغلب آنچه که در این صفحات و گروپ ها نشر می شود جز منکرات باشد، اشتراک و دنبال کردن و پسندیدن اینها جایز نیست؛ زیرا این کار اعتراف به منکرات و رضایت بدانها است، ترس از این وجود دارد که دنبال کردن در این حالت به نشر معصیت و دلالت به آن منجر شود، که در این هنگام شریک معصیت و مددگار گناه حساب شوید.

ولی صفحاتی که در آنها کار های مفید و گاهی چیز های حرام ظاهر می شود، دنبال کردن چنین صفحاتی مربوط به هدفش بوده، ولی ترک این صفحات واجب است.

از وادار ساختن دوستان خود به چیزی که برای شما ضرر دینی به همراه داشته باشد بپرهیزید، پس هیچ صفحه‌ی را نپسندید مگر اینکه رضایت الله و رسولش - صلی الله علیه وسلم - را در پی داشته باشد.

حکم صفحات و گروپ های که به منظور شناسایی دو جنس مخالف برای ازدواج ایجاد شده است:

برخی از صفحات و گروپ های در فیسبوک به عناوین مختلف یافت می شود، که هر کدام به تعارف و شناسایی میان مرد وزن به منظور ازدواج ایجاد شده است.

نصیحت من برای هر مرد وزن مسلمان این است که به منظور ازدواج از طریق پایگاه‌های اینترنتی دوری جویند، و در بدل برای ازدواج به دنیای حقیقی روی بیارود، برای زن مسلمان جایز است که به منظور ازدواج برای کسی در شأن او هست پیشنهاد ازدواج داده، چه از طریق فرستادن شخصی صالح بسویش، و یا از طریق‌های مشروع دیگر، برای جواز این کار دلایل زیادی وجود دارد:

برخی از صحابه - رضی الله عنه - در زمان رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - انجام داده و این کار شان با انکار وی مواجه نشده است.

از سهل بن سعد روایت است که:

(أَنَّ امْرَأَةً جَاءَتْ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ جِئْتُ لِأَهَبَ لَكَ نَفْسِي، فَنَظَرَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، فَصَعَدَ النَّظَرَ إِلَيْهَا وَصَوَّبَهُ، ثُمَّ طَأَطَأَ رَأْسَهُ؛ فَلَمَّا رَأَتِ الْمَرْأَةُ أَنَّهُ لَمْ يَقْضِ فِيهَا شَيْئًا جَلَسَتْ فَقَامَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ؛ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ بِهَا حَاجَةٌ فَرَوِّجْنِيهَا فَقَالَ: هَلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ فَقَالَ: لَا، وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: أَذْهَبُ إِلَى أَهْلِكَ فَاَنْظُرْ هَلْ تَجِدُ شَيْئًا فَذْهَبَ ثُمَّ رَجَعَ؛ فَقَالَ: لَا، وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا وَجَدْتُ شَيْئًا قَالَ: اَنْظُرْ وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ فَذْهَبَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ: لَا، وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ، وَلَكِنْ هَذَا إِزَارِي (قَالَ

سَهْلٌ مَالُهُ رِذَاءٌ) فَلَهَا نِصْفُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : مَا تَصْنَعُ بِإِزَارِكِ إِنْ لَبِسْتَهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا مِنْهُ شَيْءٌ، وَإِنْ لَبِسْتَهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ شَيْءٌ فَجَلَسَ الرَّجُلُ حَتَّى طَالَ مَجْلِسُهُ ثُمَّ قَامَ، فَرَأَهُ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مُؤَلِّيًا فَأَمَرَ بِهِ فَدُعِيَ، فَلَمَّا جَاءَ، قَالَ: مَاذَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ: مَعِيَ سُورَةٌ كَذَا وَسُورَةٌ كَذَا وَسُورَةٌ كَذَا؛ عَدَّهَا، قَالَ: أَتَقْرَأُوهُنَّ عَنْ ظَهْرِ قَلْبِكَ قَالَ: نَعَمْ قَالَ: أَذْهَبَ فَقَدْ مَلَكْتُكَهَا بِمَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ» (1).

ترجمه: (زنی به نزد پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - آمد، گفت: ای رسول خدا! آمده ام تا خود را به شما ببخشم و با شما ازدواج کنم، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - سرش را بلند نمود و او را تماشا کرد، سپس سرش را پایین انداخت. آن زن وقتی که دید پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - چیزی درباره او نمی گوید: به انتظار نشست، تا اینکه يك نفر از اصحاب بلند شد و گفت: ای رسول خدا! اگر شما به او نیازی نداری او را به نکاح من درآور، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «آیا چیزی داری؟» گفت: ای رسول خدا! قسم به خدا چیزی ندارم، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «پیش خانواده ات برو ببین چیزی می توانی پیدا کنی؟» آن مرد رفت و برگشت، گفت: ای رسول خدا! نتوانستم چیزی را پیدا کنم، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «برو چیزی پیدا کن، هر چند يك انگشتر آهن هم باشد.» آن مرد رفت و برگشت، گفت: ای رسول خدا! قسم به خدا نتوانستم حتی يك انگشتر آهن هم پیدا کنم، ولی این دامن را دارم، (سهل گوید پیراهن نداشت) و نصف این دامن را به او می دهم، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «این دامن چه فایده ای برای او دارد؟ اگر شما آن را بیوشی چیزی به این زن نمی رسد و اگر او آن را بیوشد شما چیزی نخواهی داشت.» آن مرد مدت فراوانی نشست و سپس بلند شد و رفت، وقتی پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - دید این مرد می خواهد برود، دستور داد او را صدا کردند و آن مرد برگشت. پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - از او پرسید: «چه مقداری از قرآن می دانی؟» گفت: فلان سوره و فلان سوره و فلان سوره، آنچه که از قرآن می

1 - امام بخاری این حدیث را در صحیحش به رقم المسلسل: (5030)، (6 / 192) تخریج نموده است.

دانست حساب کرد، پیغمبر پرسید: «آیا می توانی آنها را از حفظ بخوانی؟» گفت: بلی، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: برو این زن را به نکاح تو در آوردم، صداق و مهرش مقدار قرآنی است که در حفظ داری و باید به او یاد بدهی».

حضرت عمر بن الخطاب - رضي الله عنه - دخترش حفصة - رضي الله عنها - بعد از موت شوهرش به منظور ازدواج برای حضرت عثمان - رضي الله عنه - پیش کرده و او معذرت خواست، سپس برای حضرت ابو بکر - رضي الله عنه - پیشنهاد کرد و او نیز جوابی نداد، سپس این موضوع را برای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ذکر کرد، نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود:

(فَخَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ، أَنْزَوْجُ أَنَا حَفْصَةَ وَأَزْوَاجُ عُثْمَانَ أَمْ كُنْتُمْ) «فَتَزَوَّجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَفْصَةَ، وَزَوْجَ عُثْمَانَ أَمْ كُنْتُمْ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (1).

ترجمه: (پس بهتر از این، من با حفصة ازدواج می کنم، ام کلثوم به ازدواج عثمان در می آورم، پس نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - با حفصة ازدواج کرد و عثمان با ام کلثوم دخت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ازدواج کرد).

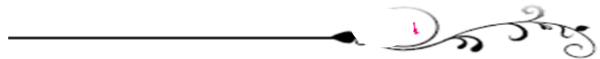
پس این دو حدیث دلالت دارند که برای زن مجاز است که برای یافتن همسر نیکوکار تلاش کند، و خودش را به منظور ازدواج برای کسی پیشنهاد نماید، و همچنان ولی آن زن نیز می تواند به نیابت از وی چنین کند، برخی اوقات در این کار اگر با صداقت و اخلاص همراه باشد، خیری کثیر نهفته است، همانند سیدنا عمر - رضي الله عنه - با این کارش چیزی را به دست آورد که هرگز به ذهنش خطور نمی کرد، از شرافتی که در دنیا و آخرت از خویشاوندی با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بدست آورده بود.

1 - حاکم این حدیث در المستدرک به رقم المسلسل: (6751)، (4 / 16) تخریج نموده است.

ولی زمانی که این پیشنهاد از طریق فیسبوک و غیره سایت‌ها اینترنتی بوده؛ که به منظور فرار از دشواری‌های کهن فراروی ازدواج یا به خاطر حل مشکل دیر ماندگی در این صورت نگاه شود:

اگر این گروپ‌ها و صفحات به گونه درست راه اندازی شده و مردمانی از اهل فضل و شناخته شده آنها را قیادت و رهبری کرده و یا هم انجمن‌های رسمی مسئولیت آنها را به عهده داشته، و هدف ایشان جمع آوری میان به دو جنس مخالف است، در این مورد تمام احتیاط‌های لازم و ضوابط شرعی را در تعامل میان این دو گروه رعایت کرده و پیشنهادکنندگان از وقوع در معصیت باز داشته مثلا در گفتگوها، دیدارها فرقی نمی‌کند که این دیدارها و گفتگوها از طریق اینترنت و یا خارج از آن صورت گیرد، در این صورت‌ها جایز است برایش که از درخواستی‌های طرفین استقبال کرده سپس به تطبیق میان آنها پرداخته بعد از این طرفین را به این کار بدون اینکه این معلومات به بیرون درز کند آگاه نماید، و برخی معلومات عمومی را که به آنها فتنه ایجاد نمی‌شود مثل نام، آدرس، شهر، مدارک تحصیلی و ذکر مشخصات خصوصی مانند قد و قامت سفیدی و سیاهی و امثال آن؛ زیرا زمانی که خواستگار بتواند مخطوبه خویش را دیدار کند، و آگاه شدن از چنین مواصافی از باب اولی برایش جایز است، ولی به شرط عدم دخول در تفصیلاتی که غرایز شهوانی را برمی‌انگیزد، در این طریقه هیچ مشکلی وجود ندارد، بلکه این جزء تعاون و همکاری بر نیکی و پرهیزگاری است، با در نظر داشت اینکه این خواستگاری به محض رضایت طرفین خاتمه نیافته بلکه این کار بعد از رضایت ولی خاتمه می‌یابد.

ولی اگر این گروپ‌ها بیهوده باشد، و افراد ناشناخته بر آنها اشراف کنند و آنها امروزه مشهور به (مواقع هواة التعارف = سایت‌های سرگرمی تعارف) و یا (البحث عن شریک الحیاة = جستجو به دنبال شریک زندگی) در حقیقت اینها لانه‌های مردان و زنان فساد پیشه‌اند، آنانی که تمام تلاش ایشان شکار در آب گل‌آلود، و فریب دادن زنان



ومردان بی خبر، وبازی کردن با عقل های ایشان، وکشاندن شان به لجنزار فساد و فحشاء اند؛ پس اشتراک در این مواقع انترنتی برای کسانی که تلاش برای دینداری و حفظ آبروی خویش دارد مناسب نیست، تا اینکه برای این تبهکاران بر علیه خویش راه باز ننمایند؛ به منظور جلوگیری از تقلب های که فرجام آن ستایش نمی شود، برخی اوقات معلومات یکی از طرفین نادرست ارائه می شود، طوری که مرد در ازدواج خود صادق بوده، ولی زن دروغ می گوید، و یا اینکه زن در طلب عفاف خویش صادق بوده ولی مرد در این راستا فریب کار می کند.

بدانکه تعداد زیادی از تبهکاران، انترنت را به گونه عموم و فیسبوک به گونه خصوص وسیله اشباع غریزه جنسی خویش گردانیده، و به بهانه جستجوی همسر به پیام های جنسی و تبادل تصاویر می پردازند؛ این کار شان دقیقاً جایز نیست، زیرا این وسیله شری بزرگ خواهد بود، و دروازه ی است که از آن فقط مردان و زنان فاسد می گذرند و به کارهای دست خواهند زد که فرجامش ستایش نشود.



فصل پنجم

آداب متعلق به نشرات فیسبوک

بدان ای مسلمان همانا برای نشرات از طریق فیسبوک آداب زیبای وجود دارد که برای کسی که در صدد نشرات مفید و صالح و پسندیده در نزد خدای تعالی بوده، واجب است، و- این آداب قرار ذیل - به اذن الله تعالی بیان می شود:

1 - اخلاص:

بر هر انسان مسلمان واجب است که تمام اعمال و اقوال خویش را خالصاً لله تعالی گردانیده، و این یکی از چیزهای است که خداوند متعال به آن دستور داده است:

(قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)⁽¹⁾.

ترجمه: (بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است) و این است که تنها خدا را پرستش می‌کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می‌اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می‌کوشم و در این راه می‌میرم، تا حیاتم ذخیره مواتم شود).

تمام هستی من خالص برای خداوند متعال است، برای هیچ کسی در وجودم یا اعضايم و یا آنچه در زندگی من می‌آید، و آنچه بر من می

¹ - سوره مبارکه الانعام: (162).

گذرد، و آنچه بعد از مرگم بر من مقدر شده، چیزی مربوط نمی شود، همه آنها: (...لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ... = مخصوص پروردگار عالمیان بوده و هیچ شریک با وی وجود ندارد)؛ یعنی ای پروردگار عالمیان در وجودم، در زندگی ام و در مرگم هیچ کسی از مردم و غیره را شریک نمی دانم، همه هستی من بدون هیچ شریکی برایت باد، تنها تو مالک همه آنچه در وجود من و در وجود دیگران است می باشی⁽¹⁾.

این اصلی که می بایست هر مسلمان در همه چیزش بر آن روان باشد، به خصوص در دنیای فیسبوک که عبارت از دنیای اجتماع مردم از زنان و مردان از همه شهر های جهان، بسی از اوقات ممکن - در این دنیای فیسبوک - انسان دست به ریاء زند، که این خود شریک گرفتن دیگری را با خداوند متعال بوده - یعنی - شرک اصغر و به گونه پنهانی، والله المستعان.

بسا از اوقات انسان چیزی را نشر می کند ظاهراً نزد مردم عمل پسندیده است ولی در حقیقت به خاطر سوء نیت عملی زشت به حساب می آید؛ زیرا خداوند متعال آنچه در قلب ها است می داند و هیچ انسانی را در روز قیامت مورد مکافات و مجازات قرار نمی دهد مگر به اساس آنچه در قلب او آکنده است⁽²⁾.

دلیل این مطلب: فرموده پروردگار بلند مرتبه ما است:

(إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ * يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ)⁽³⁾.

ترجمه: (بی گمان خداوند (تعالی که انسان را در آغاز از آب نطفه آفریده است، همو) قادر است که بار دیگر انسان را (پس از مرگ به

1 - به کتاب (زهرة التفاسیر)، محمد بن احمد مشهور به ابو زهرة، (5 / 2762)، و کتاب (تیسیر الکریم الرحمن)، سعیدی، (ص 282)، مراجعه فرمایید.

2 - به کتاب (شرح ریاض الصالحین)، محمد بن صالح العثیمین، (1 / 15)، مراجعه فرمایید.

3 - سوره مبارکه الطارق: آیات 8 - 9).

زندگی) برگرداند* (این بازگشت) روزی تحقق می‌یابد که رازهای نهان و کارهای پنهان آشکار و آزموده می‌گردد).

حضرت سفیان - علیه الرحمة - در مورد این فرموده خداوند متعال (يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ) می‌گوید: "روزی که آشکار می‌شود".

حضرت قتادة - علیه الرحمة - می‌گوید: "این همه رازهای نهان آشکار شود، پس در خفا و بر ملا کاری شایسته انجام دهید، اگر از عهده آن بر می‌آیید، و هیچ قوتی فوق قوت الله تعالی نیست"⁽¹⁾.

2 - حياء:

حیاء مانع زشتی‌ها است، آن کس که به سوی خداوند متعال بنگرد از او حیاء کند، آنکه به سوی بندگان نگاه کند از ایشان بشرمد، و آنکه به هر دو جانب نگاه کند و حق هر کدام از ایشان را - در شرمیدن - ادا نماید، - در امان بماند -؛ و کسی که حیاء و شرم را کنار بزند آنچه از پستی‌ها و زشتی‌ها که بخواهد انجام می‌دهد⁽²⁾.

چنانکه نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید:

(إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَأَفْعَلْ مَا شِئْتَ)⁽³⁾.

ترجمه: (آنچه مردم از سخن پیامبران پیشین دریافتند: هرگاه شرم و حیا نداشتی، هرچه خواستی بکن).

و معنای فرموده - صلی الله علیه وسلم - (مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ): اینک ریشه حیاء همواره در طول زمانی‌های متمادی ثابت و استوار بوده، طوری که از زمان نخستین نبوت در روی زمین واجب العمل بوده،

1 - جامع البیان فی تأویل آی القرآن، محمد بن جریر، ابو جعفر الطبری، (24 / 359).

2 - به کتاب (شجرة المعارف والأحوال)، عز بن عبد السلام، (ص 114)، مراجعه فرمایید.

3 - این حدیث را امام بخاری در صحیحش، به روایت ابی مسعود الانصاری به رقم المسلسل: (3483)، تخریج نموده است.

و اینکه هیچ پیامبری نیست مگر به حیاء دستور داده و بر نشر آن مبعوث شده است، و حیای که در میان امت های گذشته بوده در کنار شریعت های شان نسخ نشده، و به چیزی دیگری هم تبدیل نشده است؛ زیرا این کاری است که حقیقتش دانسته، و فضیلتش آشکار شده، و همه عقل ها به حسن آن اتفاق نظر دارند، و هر چیزی که موافقش چنین باشد، نسخ و تبدیل آن مجاز نیست⁽¹⁾.

و فرموده اش (فَأَفْعَلُ مَا شِئْتُ): این همانند فرموده خداوند متعال است، (... اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ...⁽²⁾ = هر کاری که می خواهید بکنید) این در حقیقت سپارش کار به ایشان به گونه تهدید و توبیخ است⁽³⁾.

حافظ ابن حجر - رحمه الله - می گوید: "گفته شده است که: این امر برای تهدید و توبیخ است، پس توجیه و معنایش این است: وقتی که شما از حیاء و شرم جدا شدید آنچه را می خواهید انجام دهید، زیرا خداوند متعال شما را به آنچه انجام داده اید مجازات خواهد کرد، و در این حدیث به عظمت و بزرگی حیاء و شرم اشاره شده است"⁽⁴⁾.

پس واجب بر کسی که مطلبی در فیسبوک به نشر می رساند، اینکه از خداوند متعال و از بندگان شرمیده و حیاء کند و چیزی مخالف آداب اسلامی نشر نکند.

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می گوید: "هر وقتی که نزد انسان شرم و حیاء باشد، آنرا می یابید هنگامی که سخن گوید سخنی جز خیر، پاکی، ادب و روش عالی نگوید، و زمانی که با حیاء و شرم نباشد، آنچه که را می خواهد انجام می دهد"⁽⁵⁾.

1 - معالم السنن، شرحی است برای سنن ابو داود، الخطابی، (4 / 109 - 110).

2 - سوره مبارکه فصلت: (40).

3 - مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر، الرازی، (13 / 157).

4 - فتح الباری، (10 / 523).

5 - شرح ریاض الصالحین، (4 / 25)، با تصرف.

خداوند متعال می فرماید:

(... وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...)⁽¹⁾.

ترجمه: (... و باید نویسنده‌ای دادگرانه آن را بنویسد...).

و خداوند جل شأنه می فرماید:

(... فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ...)⁽²⁾.

ترجمه: (... باید ولی او (که شرع یا حاکم برای وی تعیین کرده است) دادگرانه املاء کند...).

عموم این دو آیه بر واجب بودن رعایت عدالت در املاء و نوشتاری دلالت دارد، والله اعلم.

زیرا خداوند متعال می فرماید:

(فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...)⁽³⁾.

ترجمه: (وای بر کسانی (از احبار) که کتاب را با دست خود می‌نویسند و آن گاه می‌گویند (به بیسوادان) : این (توراتی است که) از جانب خدا آمده است...).

علامه السعدی - رحمه الله - در تفسیرش اشاره کرده که این شامل هر کسی که چیزی را مخالف دین بنویسد می باشد؛ مثل کسی که کتابی تألیف کند و امثال آن، سپس آن را به شریعت الله و دینش، و دانایی سلف

1 - سوره مبارکه البقرة: (282).

2 - سوره مبارکه البقرة: (282).

3 - سوره مبارکه البقرة: (79).

صالح و امامان دین نسبت دهد، - که در نتیجه - اعتماد مردم را بر آن جلب نماید.

گفتم: که چه زیاد اند کسانی که بر روی صفحات فیسبوک بامداد و بیگاه نشرات دارد، و همچنان چه زیاد اند جاهلانی که بر صفحات فیسبوک به تسفیه فهم امامان و علماء دین می پردازند، و فقهای کرام را به نفهمی مراد الله و رسولش متهم کرده در حالی که خود از وسایل علم چیزی نداشته و بر دروغ، دشنام، افتراء و احتقار و اهانت اتکاء می نمایند، و اینها از طریق صفحات فیسبوک مجال را باز دیده و بر تحریف سخنان از جایگاه شان پرداخته و از چیز های سخن به میان می آورند که هرگز خود شان هم نمی دانند، والله المستعان.

امام القرطبي - رحمه الله - می گوید: "در این آیه - آیه فوق - هشدارى به تبدیل، تغییر و زیادت کردن در شریعت است، پس همه کسانی که در دین الله تبدیل، تغییر و بدعتی را مرتکب شده که از دین نبوده و جواز هم نداشته، آنها مورد پیگرد شدید و عذاب دردناکی که در این آیه کریمه ذکر شده قرار می گیرند" (1).

این هشدار بر دو کار مرتب می شود: بر نوشتاری باطلی که به منظور گمراهی انجام شده باشد، سپس - این نوشته را - به الله تعالی نسبت دهند، جمع میان این دو از بزرگترین منکرات پنداشته می شود (2).

از شگفتی های بلاغت قرآن کریم: به جای قول، نوشتن را ذکر کرده است، و این بدین خاطر است که نوشتن شامل بر قول و فراتر از آن است، از این جهت که - دروغ در نوشتن - دروغ زبان و دست پنداشته شده؛ زیرا سخن دست آثارش باقی خواهد ماند و آثار سخن مضمحل و نابود می شود (3).

1 - الجامع لاحکام القرآن، القرطبي، (2 / 9).

2 - اللباب في علوم الكتاب، ابن عادل الحنبلي، (2 / 210).

3 - محاسن التأويل، القاسمي، (1 / 210).

اما زمانی که شخص مطلبی را نشر کرده و - در آن - از باطلی سخن می گوید، تا دیگران از آن بر حذر نمایند، و قادر بر بیان حق به گونه واضح و روشن است، برایش در این کار کدام مشکلی نیست.

علامة العز بن عبد السلام - رحمه الله - می گوید: "نوشتن باطل به خاطری که به سهولت اجرا شود حرام است، و نوشتن باطل برای فهمیدن و برای رد کردن بر آن، توسل به ابطال باطل باطل می باشد" (1).

4 - راستی سخن:

خداوند متعال می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) (2).

ترجمه: (ای مؤمنان! از خدا بترسید و همگام با راستان باشید).

در قرائت ابن مسعود - رضي الله تعالى عنه - (وَكُونُوا مِنَ الصَّادِقِينَ = جزء راستان باشید) آمده است (3).

و نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند:

(إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يُكْتَبَ صِدِّيقًا، وَإِنَّ الْكُذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ، وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ كَذَّابًا) (4).

ترجمه: (همانا راستی بسوی طاعت رهنمائی می کند و طاعت بسوی بهشت. هر آئینه شخص راست می گوید تا اینکه در نزد خداوند صدیق

1 - شجرة المعارف والأحوال، (ص 258).

2 - سوره مبارکه التوبة: (119).

3 - به کتاب (النكت والعيون)، الماوردي، (2 / 414)، مراجعه فرمایید.

4 - متفق عليه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش بروایت عبد الله بن مسعود به رقم المسلسل: (6094) تخریج کرده است. و امام مسلم نیز این حدیث را در صحیحش بروایت عبد الله بن مسعود - رضي الله تعالى عنه - به رقم المسلسل: (2607)، تخریج نموده است.

(بسیار راستگو) نوشته می شود. و همانا دروغ بسوی معاصی (گناه) رهنمائی می کند و معاصی بسوی دوزخ و هر آئینه شخص دروغ می گوید تا اینکه در نزد خدا کذاب (بسیار دروغگو) نوشته می شود).

جمع زیادی از کاربران فیسبوک در نشرات شان، به خاطر اهداف مختلف دروغ می گویند، لا حول ولا قوة إلا بالله.

در جمله این نشرات دروغی فیسبوک نکته ها و لطیفه های دورغین یا مخالف واقعیت نیز داخل است، زیرا نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - ارشاد فرموده است:

(وَيْلٌ لِّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ، وَيْلٌ لَهُ، وَيْلٌ لَهُ)⁽¹⁾.

ترجمه: (وای بر کسی که برای خنداندن دیگران به دروغ سخن پرداز می کند. وای بر او، وای بر او).

جزء اشتباهات بزرگ اینکه انسان مزاح و شوخی را به عنوان وظیفه اختیار کرده و بر آن مواظبت نموده و در آن افراط نماید، به فرموده نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - نگاه کنید: (وَيْلٌ لَهُ، وَيْلٌ لَهُ = وای بر او، وای بر او) را به خاطر آگاهی از شدت هلاکتش تکرار کرده اند؛ زیرا دروغ تنها مایه هر زشتی و جامع همه بدی ها است،⁽²⁾ وقتی که این - دروغ ها - منجر به خنده شود، قلب را کشته و فراموشی را ایجاد کرده و حماقت را به جای می گذارد، با این وصف از زشت ترین زشتی ها به حساب می رود، از همین جهت حکماء می گویند: ایراد شوخی های خنده دار به گونه مزخرف نهایت پستی است⁽³⁾.

5 - راهنمایی به سوی خیر:

1 - اسناد این حدیث صحیح است، امام ابو داود در سننش به روایت بهز بن حکیم و او از پدرش به رقم المسلسل: (4990)، تخریج نموده و امام الترمذی به روایت ابو هریره به رقم المسلسل: (2315) تخریج کرده است.
2 - تحفة الأحوزی بشرح جامع الترمذی، مبارکپوری، (6 / 498).
3 - فیض القدير شرح الجامع الصغير، المناوي، (6 / 368).

و این کار به پخش کتاب ها، و نشر مسایل علمی، سهم گیری در ایجاد سهولت برای محققان و طلاب علم، از طریق صفحه فیسبوک تعلق می گیرد؛ شاید شما و سلیه موفقیت محققى شوید، و یا سبب وضاحت اشکالی که نزدش وجود دارد گردید، پس باذن خداوند متعال پاداشی کامل را نصیب تان خواهد شد.

نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود:

(مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا...) (1).

ترجمه: (هرکس به سوی هدایت دعوت کند از پاداشی همانند اجر کسانی که از او پیروی و تبعیت می کنند برخوردار می گردد، و آن از پاداش آنها چیزی نمی کاهد...).

و نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أُجْرِ فَاعِلِهِ) (2).

ترجمه: (هر کس کار خیری را به دیگری نشان دهد، مثل پاداش کننده ی کار را دارد).

امام النووی - رحمه الله - می گوید: "در این حدیث بیان فضیلت راهنمای به سوی خیر، آگاه ساختن بر آن و همکاری با انجام دهنده آن است، و همچنان در این حدیث بیان فضیلت تعلیم علم انجام وادای عبادات بوده و اگر کسانی که جزء عبادت کنندگان اند دیگران را باید به عمل به آنها راهمایی کنند، و مراد از پاداشی همانند انجام دهنده خیر

1 - این حدیث را امام مسلم در صحیحش به روایت ابو هریره به رقم المسلسل: (2674)، تخریج کرده است.
2 - این حدیث را امام مسلم در صحیحش به روایت ابو مسعود الانصاری به رقم المسلسل: (1893)، تخریج کرده است.

دارد، اینکه برایش پاداشی است آنچنان که برای انجام دهنده آن پاداش است" (1).

بدانکه دلالت و راهنمایی به سوی خیر را شرافتی است که از شرافت آنچه بدان راهنمایی می شود، گرفته شده است، راهنمای به سوی بهترین کارها از بهترین راهنمایی به شمار می آید، و همچنان راهنمایی به هر چیز برتر باشد فضیلتی برتر نیز دارد، پس راهنمایی به سوی علم شرافت و فضیلتش از شرافت علم گرفته می شود، - دیگر امور را نیز چنین (2) قیاس کنید - پس ای مسلمان از طریق صفحه خود برای کمایی کردن بهترین راهنمایی ها بشتاب، تا بهترین شرافت ها را نصیب شوی.

6 - امر بالمعروف ونهی از منکر:

لابد گروهی از علماء و طلاب علم بر روی صفحات فیسبوک مردم را به سوی خیر دعوت کنند، و ایشان را از طریق نشرات خویش امر به معروف ونهی از منکر نمایند، مناسب است که با استفاده از شدت توجه که مردم به فیسبوک داشته، از آن در جهت تتویر اذهان شان و از آنچه که پیرامون آنها در کشور های شان می گذرد با در نظر داشت ضوابط شرعی و آداب اسلامی، اطلاع رسانی نمایند.

خداوند متعال می فرماید:

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (3).

ترجمه: (باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند ، و آنان خود رستگارانند).

1 - المنهاج شرح صحیح مسلم بن حجاج، (13 / 39).

2 - از سخن العز بن عبد السلام، در (شجرة المعارف والأحوال)، (ص 216)، استفاده شده است.

3 - سوره مبارکه آل عمران: 104).

امام قرطبی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: " - در این آیه - ستایشی است برای این امت تا وقتی که این را بر پا دارند و بدان متصف باشند، پس زمانی که تغییر را ترک نموده و بر منکرات اتفاق نمایند؛ این ستایش از ایشان زایل شده و مذمت به سراغ شان خواهد آمد، و این کار سبب نابودی آنان خواهد گردید" (1).

اما این کار برای همه کس نیست، بلکه این کار مخصوص اهل علم و طلاب آن است، بسی از اوقات شخص جاهل به جای اصلاح فساد را ایجاد می کند، و این نوع افراد در فیسبوک چه قدر زیاد اند؛ از همین جهت در تفسیر جلالین آمده است (2): "کلمه (من) - که در آیه کریمه آمده - برای تبعیض است؛ آنچه ذکر شد فرض کفایه است برای همه امت لازم نبوده و مناسب هر کس نیست؛ مثلاً شخص جاهل".

7 - به نیکی سخن گفتن:

بدون شک به نیکی سخن گفتن یکی از اسباب دوستی و الفت شده و کینه ها را می زداید، به خصوص در دنیای فیسبوکی که مردم را از شهر های دنیا جمع نموده است.

پروردگار مان فرموده است:

(... وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...) (3).

ترجمه: (... و به مردم نیک بگوئید...).

حمزة و کسائی و یعقوب - رحمهم الله - (حَسَنًا) به فتح حاء و سین خوانده اند، و دیگران (حُسْنًا) به ضم حاء و سکون سین خوانده اند (4).

1 - الجامع لأحكام القرآن، القرطبي، (4 / 173).

2 - تفسیر جلالین، (ص 81).

3 - سوره مبارکه البقرة: (83).

4 - به کتاب (الحجة في القراءات السبع)، ابن خالويه (ص 83)، و همچنان به کتاب (معاني القراءات)، الأزهری، (1 / 160)، مراجعه فرمایید.

پس کسی که (حُسْنًا) خوانده اند معنای آیه این گونه است: به مردم نیک بگویید، و آنانی که (حَسَنًا) خوانده اند، معنای آیه نزد شان این گونه است: برای مردم سخن نیک بگویید(1).

ابو العالیة - رحمه الله - در تفسیر این آیه گفته است: "برای آنان سخنانی زیبا بگویید، و با بهترین روشی که دوست دارید که با شما گفتگو شود با آنان گفتگو نمایید، در این آیه بر التزام به اخلاق والا تشویق شده است"(2).

و پروردگار مان فرموده است:

(وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا)(3).

ترجمه: (ای پیغمبر!) به بندگانم بگو: سخنی (در گفتار و نوشتار خود) بگویند که زیباترین (و نیکوترین سخنها) باشد. چرا که اهریمن (به وسیله سخنهای زشت و ناشیرین) در میان ایشان فساد و تباهی به راه می‌اندازد، و بی‌گمان اهریمن (از دیر باز) دشمن آشکار انسان بوده است (و پیوسته در صدد برآمده تا آتش جنگ را با افروزینه و سوسه شعله‌ور سازد).

و نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَبِكَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ)(4).

1 - به کتاب (معانی القراءات)، الأزهری، (1 / 161)، مراجعه فرمایید.

2 - الجواهر الحسان في تفسير القرآن، الثعالبي، (1 / 272).

3 - سوره مبارکه الإسراء: (53).

4 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش بروایت عدي بن حاتم، به رقم المسلسل: (6023)، تخریج کرده است. و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت عدي بن حاتم، به رقم المسلسل: (1016)، تخریج کرده است.

ترجمه: (از آتش دوزخ بترسید، گرچه با صدقه دادن نصف دانه خرما باشد، پس اگر نیافتید، با گفتار نیکو و کلمه طیبه از آتش بترسید).

ولی ای برادرم اگر در نشرات فیسبوکی خود سخن نیکو ندارید، خداوند شما را برکت دهد، سکوت کنید.

نبی اکرم – صلی الله علیه وسلم – فرموده است:

(... وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ) (1).

ترجمه: (...کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد سخن خیر بگوید و گرنه سکوت کند).

8 – التزام به زبان عربی:

خداوند تبارک و تعالی این امت را تا به روز قیامت عزت بخشید و زبان شان را زبان قرآن کریم که تلاوتش عبادت پنداشته می شود گردانید، سپس این زبان را اکرام بخشیده و شأنش را رفیع گردانیده؛ طوری که علوم زبان عربی جزء علوم قرآن گردید.

آنچه انسان را متأثر می سازد اینکه چشم های مان را کلمات خارجی و اصطلاحات عامیانه در صفحات فیسبوک و دیگر سایت ها خسته می کند، بدون شک این منظره بسیار زشتی بر ای کرامت ما است، و ما را به اندیشیدن دایمی و کاری پیوسته می خواند، تا اینکه فهم کامل لغوی در سر زمین کشور های عربی حاکم شود.

زمانی که زبان های خارجی همواره زبان رسمی صفحات و سایت ها است، پس بر ما هم واجب است که تلاش نماییم تا اینکه زبان عربی را به عنوان زبان رسمی صفحات و سایت ها گردانیم.

1 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش بروایت ابو هریره، به رقم المسلسل: (6018)، تخریج کرده است. و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت ابو هریره به رقم المسلسل: (47)، تخریج کرده است.

ای برادر! اگر زبانی نباشد تمدنی در کار نیست، و مدنیت ایجاد نخواهد شد، از زمان های قدیم در اذهان مردم تقدیس زبان و بزرگی شأنش جلوه داده شده است، طوری که این قداست در نزد مردمان اولیه به آن جا رسیده بود که قداست زبان با تأثیر و سحر آمیز بودن کلماتش با هم گره خورده بود، طوری که اسم با مسمی در عقیده این اقوام یکجا شده بود⁽¹⁾.

ای برادر! با خودت پیمان ببند که در نشرات خویش به اندازه ممکن به زبان عربی ملزم باشید، و هیچ عیبی بر تو نیست اگر خطا نمودید، چون اگر شخصی به عربی بنویسد و خطا کند به نظر من بهتر از آن است که به عامی بنویسد.

9 - علم را به اهل آن نسبت دهید:

ابن عبد البر - رحمه الله - گفته است: "گفته می شود: همانا از برکت علم این است که هر قولی را به قایلش نسبت دهید"⁽²⁾.

زیرا در این کار دوری جستن از تزویری است که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - در این فرموده اش به آن اشاره کرده فرموده است:

(الْمُتَشَبِّعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ، كَلَابِسِ ثَوْبِي زُورٍ)⁽³⁾.

ترجمه: (هرکس، اینگونه وانمود کند که به او چیزی داده شده است در حالی که چنین نباشد، مانند کسی است که پیراهن و شلوار دروغین، به تن کرده باشد).

1 - به کتاب (أخطاء اللغة العربية المعاصرة عند الكتاب والإذاعيين)، دكتور احمد مختار عبد الحميد عمر، (ص 19)، و همچنان به کتاب (المدخل إلى علم اللغة ومناهج البحث اللغوي) دكتور رمضان عبد التواب، (ص 3)، مراجعه فرمایید.

2 - جامع بيان العلم و فضله، ابن عبد البر، (2 / 922).

3 - متفق عليه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش، به رقم المسلسل: (5219)، تخریج کرده است. و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش، به رقم المسلسل: (2129)، تخریج کرده است.

تزویر به شکل مؤکدش در عدم نسبت دادن اندرز های مفید و کمیاب و لطیفه های شگفت آور به گویندگان شان پدیدار می گردد، از همین جهت امام النووی - رحمه الله - گفته است: "دین همانا نصیحت و خیر اندیشی است، از جمله نصیحت ها اینکه هر اندرز مفیدی که شگفت آور است به قایلش نسبت دهید، کسی این کار را کند علم و احوالش پر برکت شود، و آن کس که به گمان ها طوری وانمود نماید که این قول متعلق به او است، در حقیقت این شخص سزوار این است که از علمش استفاده نشود، و در احوالش برکت نشود، همواره اهل علم و فضل بر نسبت دادن اندرز ها به قایلین آنها ملتزم بودند، از خداوند متعال همواره توفیق و استواری را در این کار می طلبیم"⁽¹⁾.

شیخ زاهد محمد بن عبد الملك الفارفي - رحمه الله - گفته است:

زمانی که شخصی به شما اندرزی از اندرز های علوم آموخت به همواره به شکر گذاریش بیفزایید!!!

و بگو فلانی را خداوند متعال پاداش نیک دهد

که به من - اندرز - آموخت، و تکبر و حسد را کنار بگذارید⁽²⁾.

از جمله چیز های جالبی که شما می بینید، تعداد زیادی از کاربران فیسبوک بعد از نشر مطلبی که از دیگران نقل کرده اند، در پایان مطلب می نویسند: (# برگفته از)، اگر چه - در اینجا - بهتر این است که بنویسند: از صفحه فلانی نقل شده است.

10 - اجتناب از خود ستایی و افزون طلبی:

خداوند متعال فرموده است:

1 - بستان العارفين، النووي، (ص 15).
 2 - إذا أفادك إنسان بفائدة === من العلوم فأكثر شكره أبدا
 وقل فلان جزاه الله صالحاً === أفادنيها وألق الكبر والحسدا
 طبقات الشافعية الكبرى، تاج الدين السبكي، (6 / 137).

ترجمه: (مسابقه افزون طلبی و نازش (به مال و منال و خدم و حشم و ثروت و قدرت) شما را به خود مشغول و سرگرم می‌دارد).

امام القرطبی - رحمه الله - گفته است: "یعنی افتخار به کثرت و تعدد مال و منال شما را از طاعت الله تعالی باز داشته است" (2).

حافظ ابن کثیر - رحمه الله - گفته است: "محبت دنیا و نعمت ها و زرق و برق آن شما را از آخرت خواهی و آخرت طلبی باز داشته است" (3).

خداوند متعال با در مورد بیهودگی و پستی کارزار زندگی دنیا ابراز فرموده است:

(اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ) (4).

ترجمه: (بدانید که زندگی دنیا تنها بازی ، سرگرمی ، آرایش و پیرایش ، نازش در میان همدیگر ، و مسابقه در افزایش اموال و اولاد است و بس . دنیا همچو باران است که گیاهان آن ، کشاورزان را به شگفت می‌آورد ، سپس گیاهان رشد و نمو می‌کنند ، و بعد گیاهان را زرد و پژمرده خواهی دید ، و آنگاه خرد و پریز می‌گردند . در آخرت عذاب شدیدی (برای دنیاپرستان) و آمرزش و خوشنودی خدا (برای خداپرستان) است . اصلاً زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست).

1 - سوره مبارکه التکاثر: (1).

2 - الجامع لأحكام القرآن، (20 / 168).

3 - تفسیر القرآن العظیم، (8 / 472).

4 - سوره مبارکه الحديد: (20).

در این جا پروردگار متعال مان چهره ضعیف، ناچیز و پستی را از دنیا به تصویر می کشد، و از شأنش کاسته و افراد را به دوری از آن و تعلق به آخرت و ارزش های آن فرا می خواند، دنیا در این تصویر نسبت به آخرت به گونه بازیچه اطفال و جدی نمایان شده و بعد از این بازیچه زندگی، سرنوشتها و فرجامها بدان می انجامد! دنیا بازیچه، سرگرمی، آرایش و پیرایش، به خود بالیدن و خود را ستودن، مسابقه در افزایش مال و جاه، و نازش به دارائی و عزت و قدرت، است ... این حقیقت است و در فراسوی همه چیزهائی قرار دارد که در آنها جدی بودن کامل و توجه شامل به چشم می خورد و انسان را به خود مشغول می دارد(1).

و نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(وَإِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ تَوَاضَعُوا حَتَّى لَا يَفْخَرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ، وَلَا يَبْغِي أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ)(2).

ترجمه: (و همانا خداوند به من وحی فرمود که نسبت به همدیگر متواضع باشید تا کسی بر دیگری فخر فروشی و ستم و تجاوز - و بی عدالتی - نکند).

و تا کسی از شما بر دیگری به خاطر زیاد بودن زیبایی هایش و بلند شمردن خود بر مردم از روی تکبر، گردن فرازی و خود پسندی فخر فروشی نکند.

و کلمه (الفخر) به معنای ادعای بزرگ است، المجد ابن تیمیة - رحمه الله - گفته است: "خداوند متعال بر زبان پیامبرش بلند پروازی بر مردم که عبارت از فخر و بغاوت است نهی فرموده است؛ زیرا اگر شخص

1 - تفسیر فی ظلال، (6 / 3491).

2 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش، به رقم المسلسل: (2865)، تخریج کرده است.

بلند پرواز بلند پروازیش بر اساس حقیقت باشد فخر نموده و اگر به ناحق باشد هر آینه او بغاوت نموده پس این و آن هر دو حرام است" (1).

11 - اجتناب از خود ستایی:

خداوند متعال فرموده است:

(... فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى) (2).

ترجمه: (... پس از پاک بودن خود سخن مگوئید، زیرا که او پرهیزگاران را (از همه) بهتر می شناسد).

خداوند متعال نیازی ندارد که او را در مورد نفس های خویش مطلع سازید، و نه اینکه اعمال خویش را برایش موازنه کنید، زیرا در نزدش علم کامل و میزان دقیق وجود داشته، و مجازاتش عدالت و قولش قطعی است، و در فرجام همه امور به او باز می گردد (3).

امام قرطبی - رحمه الله - گفته است: "تقاضا می شود که شخص ستاینده باید زبانش را از خود ستایی بند کند، و اعلانی است بر اینکه پاک و ستوده کسی است که کردارش نیکو بوده و خداوند متعال او را ستوده باشد، پس ستایش انسان برای خودش هیچ اعتباری نداشته بلکه ستایش و تزکیه الله تعالی برایش معتبر است" (4).

از همین جهت الله تعالی فرموده است:

(... بَلِ اللَّهِ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ...) (5).

ترجمه: (بلکه (این تنها) خدا است که (چنان که باید پاکان و ناپاکان را از هم می شناسد و) کسانی را که خود بخواد پاک می دارد (و

1 - به کتاب (فیض القدير)، المناوي (2 / 217)، مراجعه فرمایید.

2 - سوره مبارکه النجم: (32).

3 - الظلال، (6 / 3413).

4 - الجامع لأحكام القرآن، (5 / 246).

5 - سوره مبارکه النساء: (49).

می‌شمارد و به راه راست هدایت می‌نماید و به کسی کمترین ستمی روا نمی‌دارد).

یعنی: الله تعالی تنها مرجع تزکیه و ستایش است؛ زیرا او به حقایق و غوامض امور دانا است⁽¹⁾.

برخی چیزی های که مناسب است در فیسبوک نشر شود، به اذن خداوند متعال در برابرش به انسان پاداش داده خواهد شد:

1 – پخش قرآن کریم (به گونه نوشتاری و شنیداری):

بدون شک نشر برنامه های که مشتمل بر آیات قرآنی و یا پروگرام های تسهیل سازی قرائت قرآن کریم و یا تفسیر آن بزرگترین احسان و خیر خواهی برای دوستان شما خواهد بود؛ زیرا آنان از امر، نهی، وعد، وعید، داستان ها، ضرب المثل، ستایش پروردگار ذو الجلال، تذکر نعمت و فضایل و دیگر محاسن قرآنی استفاده می نمایند.

2 – پخش کتاب های علمی و شرعی (به گونه نوشتاری و شنیداری):

بدون شک پخش این کتاب ها باعث تسهیل سازی تعلیم علم برای طلاب، و نشر دین الله است، فضیلت این کار بر هیچ کسی پوشیده نبوده و منزلتش فراموش نمی شود، در این کار نیز احسان و خیر خواهی از جانب نشر کننده برای دنبال کنندگان خواهد بود.

3 – پخش سخنرانی های دینی و درس های علمی (نوشتاری، شنیداری و یا دیداری):

و این هم از خیر خواهی و نیکو کاری نشر کننده برای دوستانش است به خاطر اینکه این سخنرانی ها و درس ها مشتمل بر ستایش خداوند رحمن که تواضع و یقین را به همراه دارد می باشد، و شامل بر اندرز

1 - به کتاب (تفسیر القرآن العظیم)، ابن کثیر، (2 / 333).

های قرآنی که در بر گیرنده هر خوبی است، و پند های آگاه کننده برای اصلاح ادیان است، می باشد.

4 - پخش جدول های تعیین اوقات نماز:

و این همچنین از خیر خواهی و احسان نشر کننده به دوستانش است، زیرا نماز که خود از بهترین عبادت ها است به معرفی گرفته می شود.

بدان که این آگاهی دهی برای دوستان در مورد وقت های نماز و دعوت به سویش، پاداش او ممکن است - باذن الله - همانند پاداش اذان باشد، ولی نظر به ظاهر دستورات شرعی - این کار - در فضیلت از اذان فروتر است، و این فضل خداوند متعال است به هر کس که بخواند می دهد، به استثنای اینکه خداوند متعال دارای فضل بزرگ است، پس ثناء و ستایش خاص برای خداوند متعال است.

العز بن عبد السلام - رحمه الله - گفته است: "آگاهی بر دخول اوقات نماز و تعیین زمان برگزاری آنها، بدون انجام اذان و اقامت، پاداشی غیر از پاداش اذان و اقامت دارد"⁽¹⁾.

چیز های که بر مسلمان لازم است که در نشرات روی فیسبوک از آنها بر حذر باشد:

1 - تعالم یا دعوی علم:

با کما تأسف در صفحات فیسبوک به گونه گسترده مدعیان علم بدون در نظر داشت زیر بنا و روش دقیق علمی دست به صدور فتوای می زنند، گویی که نیت طلب علم شرعی با محبت خود نمایی، ریاء کاری و آوازه طلبی آمیخته شده است، و لا حول و لا قوة إلا بالله.

ایشان کسانی اند چنانکه ابن حزم - رحمه الله - گفته است: "هیچ آسیبی خطرناک تر بر علم و اهلهش از مدعیان علم نیست؛ زیرا آنان جهل

1 - شجرة المعارف والأحوال، (ص 129 - 130).

را به گمان علم مرتکب شده، و ارتکاب فساد را اصلاح کاری می پندارند" (1).

طوری که دروغ بستن بر خداوند کاری معروف در نزد جمع زیادی از کاربران فیسبوک گردیده است، زیرا مدعیان علم در فیسبوک موج می زنند.

با این وصف خداوند متعال دروغ بستن بر خودش را معادل شرک گرفتن قرار داده است، چنانکه پروردگار مان فرموده است:

(قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ) (2).

ترجمه: (بگو: خداوند حرام کرده است کارهای نابهنجار (چون زنا) را، خواه آن چیزی که آشکارا انجام پذیرد و ظاهر گردد، و خواه آن چیزی که پوشیده انجام گیرد و پنهان ماند، و (هر نوع) بزهکاری را و ستمگری (بر مردم) را که به هیچ وجه درست نیست، و این که چیزی را شریک خدا کنید بدون دلیل و برهانی که از سوی خدا مبنی بر حقیقت آن خبر در دست باشد، و این که به دروغ از زبان خدا چیزی را (درباره تحلیل و تحریم و غیره) بیان دارید که (صحت و سقم آن را) نمی دانید).

یعنی: "بر شما حرام است اینکه بدون دانای از صحت آنچه می گوئید، و بدون گواه بر صدق آنچه ادعاء می کنید، در مورد عبادات یا حلال ها، یا محرمات و یا چیزی های دیگر، از پیش خود سخن بگوئید" (3).

1 - الأَخلاق والسیر فی مداواة النفوس، ابن حزم، (ص 23).

2 - سوره مبارکه الاعراف: (33).

3 - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، الطنطاوی، (5 / 267).

این در مورد سخن بستن بر خداوند متعال عام است، یعنی: بدون دلیلی از کتاب و سنت که در اصول الدین و فروع آن باشد.

علامة محمد رشید رضا - رحمه الله - گفته است: "وآنکه در این آیه کریمه به گونه درست بیندیشد، بدون شک آن شخص از تحریم نمودن چیزی بر بندگان الله، یا چیزی را در دین شان بدون دلیل از نص صریح از خداوند متعال و رسولش علاوه کند، اجتناب خواهد کرد، بلکه از این نیز اجتناب خواهد کرد که بگوید: این در دین مستحب و یا مکروه است، بدون دلیلی واضح از نصوص، چه زیاد شده اند غافلانی جسارت گر بر شریعت اسلام!!!"⁽¹⁾.

خداوند سبحانه و تعالی بر سنگینی جرم دروغ بستن بر او در مورد تحلیل و تحریم اشیاء تصریح نموده می فرماید:

(وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِنَقْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)⁽²⁾.

ترجمه: (خداوند حلال و حرام را برایتان مشخص کرده است) و به خاطر چیزی که تنها (از مغز شما تراوش کرده و) بر زبانتان می رود، به دروغ مگوئید: این حلال است و آن حرام، و در نتیجه بر خدا دروغ بندید. کسانی که بر خدا دروغ می بندند، رستگار نمی گردند * (سودجویی و بهره مندی ایشان از جهان ناچیز است و تمام دنیا با توجه به آخرت) کالای کمی است و عذاب دردناکی (پس از پایان زندگی دنیوی) دارند).

نکرة آمدن کلمه (متاع) - در این آیه - دلالت بر اندک بودن - متاع - در حد ذاتش و اندک بودن زمانش می باشد، و این در مجاورت با دروغی که می گویند متاعی به حساب نمی آید؛ زیرا متاع آن است که

1 - تفسیر المنار، (8 / 355).

2 - سوره مبارکه النحل آیات: 116 - 117).

بر متاع نفس حمل شود، نفس بسیار دروغگو در حالت اضطرار دایمی به سر می برد، نه مالک خودش است و نه در حد ذاتش ضوابط پذیری دارد، و اعتیاد به دروغگویی به گمراهی فکری منجر شده، تا اینکه به بیماری خرافه گویی مبتلا شود⁽¹⁾.

2 - ظاهر سازی:

این کار همچنان به عنوان مصیبت در جهان نیلگون عمومیت یافته، کاربر فیسبوکی را می بینید که برای دوستانش خود را طوری که نیست وانمود می کند، و بر واقعیتی که قرار ندارد تظاهر می کند.

در حالی که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(الْمُتَشَبِّعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ، كَلَابِسِ ثَوْبِي زُورٍ)⁽²⁾.

ترجمه: (هرکس، اینگونه وانمود کند که به او چیزی داده شده است در حالی که چنین نباشد، مانند کسی است که پیراهن و شلوار دروغین، به تن کرده باشد).

امام نووی - رحمه الله - گفته است: "زیاده نما به آنچه که نزدش نیست، - یعنی - پیش روی مردم به آنچه که در دست ندارد تظاهر و زیاده نمایی کند، و بیهوده خود را بیاراید، پس این هم نکوهیده شده آنچنان که نکوهش شده کسی که پیراهن و شلوار دروغین را پوشیده است"⁽³⁾.

ابن حجر - رحمه الله - گفته است: "الزمخشری در کتاب (الفائق) گفته است: المتشبع یعنی کسی که سیر نیست خود را سیر نمایان می

1 - زهرة التفاسیر، (8 / 4292).

2 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش، به روایت اسماء - رضي الله عنها - به رقم المسلسل: (5219)، تخریج کرده است.

و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش، به روایت عائشة - رضي الله عنها - به رقم المسلسل: (2129)، تخریج کرده است.

3 - المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، (14 / 110).

کند، و این به کسی اطلاق می شود که دارای فضیلتی نیست خودش را با فضیلت نشان می دهد، از این جهت به پوشنده جامه های دروغین تشبیه شده است، یعنی: دروغین، و آن کسی است که خود به لباس اهل صلاح و تقوی از روی ریاکاری مزین کند، و دو جامه را که به دروغ مضاف ساختند؛ زیرا این دو به منزله دو پوشاک است، و از تشبیه (دوتایی) آوردن شان اراده دارد: همانا آرایسته نمایی به آنچه که در وجودش نیست، همانند کسی است که لباس های دروغین را بر تن کرده به یکی پیراهن و به دیگری شلوار پوشیده است، چنانچه گفته شده است: (إذا بالمجد ارتدى وتأزرا = آن هنگام که پیراهن و شلوار بزرگی بر تن کرد)، پس در ذکر پیراهن و شلوار اشاره به این است که از سر تا به پا با دروغ متصف است" (1).

خلاصه سخن: شخص متظاهر به آنچه که داده نشده در کردارش کاذب است، و به آنچه که ندارد افتخار می کند، در حالی که افتخار به آنچه داشته باشد، منع شده پس گمان شما در مورد افتخار به آنچه ندارد چطور خواهد بود؟! .

3 - فضیحت کردن مسلمان و پخش کاستی های آنان:

خداوند متعال می فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) (2).

ترجمه: (بی گمان کسانی که دوست می دارند گناهان بزرگی (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد ، ایشان در دنیا و آخرت ، شکنجه و عذاب دردناکی دارند . خداوند می داند (عواقب شوم و آثار مرگبار

1 - از سخنان الزمخشری در کتاب (الفائق في غريب الحديث والأثر)، (2 / 217)، ابن حجر این قول را در کتاب (فتح الباری)، (9 / 318)، ذکر کرده است.

2 - سوره مبارکه النور: 19).

اشاعه فحشاء را) و شما نمی‌دانید (ابعاد مختلف پخش گناهان و پلشتیها را).

معنای این آیه این است: - بدون شک کسانی دوست دارند که سخنان ناسزا و بد در مورد - نوامیس شان - در میان صفوف مسلمین نشر شود، تا اینکه اذیتی به آنها برسند، - عذابی که در این آیه ذکر شده نصیب ایشان خواهد شد - (1).

قشیری - رحمه الله - گفته است: "این گروه در استحقاق نکوهش جایگاهی بدتری داشته و گناهی سختتری را مرتکب شده، طوری که فضیحت مسلمانان را دوست داشته اند، در حالی که پشتیبانی مسلمانان، و همکاری با دین داران، و اراده خیر برای همه مسلمین جز ارکان دین به حساب می آید، کسی که اندهی را برای مسلمانان دوست داشته باشد، پس او پستترین خلق به شمار می رود، و خداند متعال به هیچ حال از وی راضی نشده، و برای او هرگز اهلیت دریافت خلاصه توحید را نخواهد داد" (2).

زمانی که انسان از برادر مسلمانش عیبی را می یابد، پس بر او کتمان لازم است؛ زیرا نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(...وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (3).

ترجمه: (...و هر کس عیب مسلمان را بپوشاند، خداوند در روز قیامت عیب او را خواهد پوشانید!).

1 - التفسیر الوسیط، محمد سید الطنطاوی، (10 / 100).

2 - لطائف الإشارات، عبد الکریم القشیری، (2 / 600).

3 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به روایت عبد الله بن عمر به رقم المسلسل: (2442)، (3 / 128) تخریج نموده است.

و امام مسلم نیز این حدیث را در صحیحش به روایت عبد الله بن عمر به رقم المسلسل: (2580)، (4 / 1996)، تخریج نموده است.

و نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(لَا يَسْتُرُ عَبْدٌ عَبْدًا فِي الدُّنْيَا، إِلَّا سَتَرَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)⁽¹⁾.

ترجمه: (نمی پوشاند بنده بنده را (یعنی عیوب او را) مگر اینکه خداوند در روز قیامت او را (عیوب) می پوشاند).

4 - پخش کردن سخنانی که دروغ و راستش معلوم نیست (شایعات):

پس مسلمان باید زبان و قلمش را از آنچه به مصلحت نیست، یا ضرری را متوجه او و یا برای غیرش ساخته محفوظ نگهدارد، شایعات هم از همین قبیل است، و این روش منافقین بود، تا مردم را به وحشت و ترس بیندازند، خداوند متعال از - کارهای - منافقین حکایت کرده می فرماید:

(لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ)⁽²⁾.

ترجمه: (اگر آنان همراه شما (برای جهاد) بیرون می آمدند، چیزی جز شر و فساد بر شما نمی افزودند، و به سرعت در میان شما حرکت می کردند و مشغول آشفتن و گول زدن و برگرداندن آنان از دین می شدند. در میان آنان هم کسانی هستند که سخن ایشان را بشنوند (و دعوت تفرقه آمیز و فتنه برانگیز ایشان را بپذیرند). خداوند ستمگران را خوب می شناسد (و از فاسق و فاجر ایشان آگاه و از رفتار آشکار و نهانشان باخبر است).

ای هان مسلمانان! اگر این گروه منافقین که اجازه ی باقی ماندن را از جهاد گرفته اند، همراه شما بیرون شوند، جزء تزلزل در تصمیم گیری ها و فساد کاری، ضعف و سستی در نبرد، شکافی در نظام، ناکامی و تباه

1 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش به روایت ابو هریره به رقم المسلسل: (2590)، (4 / 2002)، تخریج نموده است.

2 - سوره مبارکه التوبة: (47).

کاری برای شما چیزی دیگری را نمی افزایند، و در میان شما دانه های خویش را جازده و یا با شتاب در میان شما به نمیت و سخن چینی، و تفرقه افگنی خواهند پرداخت، با این وصف می خواهند شما را به مصیبت، تشکیک، درنگ کاری، دهشت افگنی بیندازند، در میان شما افراد ضعیف الایمان یا سست بنیاد و سخیف العقل زیاده بوده که از آنان می شنوند؛ زیرا برای پذیرش و سوسه ایشان آماده اند⁽¹⁾.

قلب های سرگردان قلب های است که خاری و ضعف را در میان صفوف مسلمین می دمنند، افراد خاین بر لشکر ها خطری بزرگ اند، پس خطرش برای افراد سست بنیادی که در صفحات فیسبوک فراوان اند، چگونه خواهند بود؟! پرودگارا - همه را - سالم نگهدار!!!

نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ، مَا يَتَّبِعُنَّ فِيهَا، يَزِلُّ بِهَا فِي النَّارِ، أَبْعَدَ مِمَّا بَيْنَ الْمَشْرِقِ)⁽²⁾.

ترجمه: (گاهی بنده خدا حرفی می زند که درباره آن فکر و دقت نمی کند، ولی این حرف باعث می شود از جای بلندی به فاصله بین مشرق و مغرب در آتش دوزخ پرت شود).

در روایت دیگر چنین آمده است:

(يَهْوِي بِهَا فِي النَّارِ، أَبْعَدَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ)⁽³⁾.

ترجمه: (به دلیل آن در عمقی بیشتر از فاصله ی بین مشرق و مغرب به دوزخ سرنگون می شود).

1 - به کتاب (تفسیر المنار)، (10 / 408)، مراجعه فرمایید.

2 - امام بخاری این حدیث را در صحیحش به روایت ابو هریره به رقم المسلسل: (6477)، (8 / 100) تخریج نموده است.

3 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش به روایت ابو هریره به رقم المسلسل: (2988)، (4 / 2990)، تخریج نموده است.

و اگر این کار در آن خطری متوجه مسلمانان می شد، و به معالجه و حل نیاز داشت، پس راه حلش این نیست که به صفحات فیسبوک و غیره در میان مردمانی که توانایی راه حلش را ندارند، سپرده و نشر شود، بلکه به اصحاب علم و مسئولین کار سپرده شود، خداوند متعال می فرماید:

(وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ...)(1).

ترجمه: (و هنگامی که (خبر) کاری که موجب نترسیدن یا ترسیدن است (از قبیل: قوت و ضعف، و پیروزی و شکست، و پیمان بستن با این قبیل و گسستن از آن قبیل) به آنان (یعنی منافقان یا مسلمانان ضعیف‌الایمان) می‌رسد، آن را (میان مردم) پخش و پراکنده می‌کنند (و اخبار را به گوش دشمنان می‌رسانند). اگر این گونه افراد، سخن گفتن در این باره را به پیغمبر و فرماندهان خود واگذارند (و خبرهایی را که می‌شنوند فقط به مسؤولان امور گزارش دهند) تنها کسانی از این خبر ایشان اطلاع پیدا می‌کنند که اهل حلّ و عقدند و آنچه بایست از آن درک و فهم می‌نمایند...).

علامه محمد رشید رضا - رحمه الله تعالی - گفته است: "گفته شده است: بدون شک این آیه در مورد منافقین نازل شده است، و آنان کسانی اند که موضوعات امنیتی و ترس و همانندش را که مناسب است به مسئولین کار گذاشته شود، پخش و نشر می‌کردند"(2).

و در جای دیگر - رحمه الله - گفته است: "پس هویدا است آنچه که مسئولین مورد ملاحظه قرار داده موضوعات عمومی است؛ مثل موضوعات امنیتی و ناامنی، دخالت در این کارها برای عامه مردم مجاز نیست، بلکه عموم مردم مکلف به سپارش این کارها به رسول الله

1 - سوره مبارکه النساء: (83).

2 - تفسیر المنار، (5 / 242).

و مسئولین اند، بدون شک در مسئولین کسانی اند که مسئولیت راه حل این کار و قناعت دادن دیگران را دارا اند" (1).

از ایشان سخن زیبایی دیگری است که در اینجا نقل خواهم کرد؛ شاید خداوند متعال به سبب این منفعتی را ایجاد کند، - رحمه الله - گفته است: "و آن کس که از احوال مردم تجربه دارد می داند که بدون شک شایعاتی چون رویداد های امنیتی و ناامنی از عادت تنها منافقین نیست، بلکه چیزی است که اکثر مردم در این اشتباه می کنند، ولی با اختلاف نیت، پس منافق برخی اوقات به خاطر ایجاد ضرر دست به شایعات می زند، و فرد سست ایمان برخی اوقات در مورد موضوعاتی که شک کند به خاطر دریافت آرامش از خارش که در سینه اش دارد دست به شایعه پراکندی می زند، و اما افرادی دیگر غیر از اینها از عموم مردمی به خاطر علاقمندی در سنجش رویداد ها و آشکار شدن اسرار آنها و یا به منظور اینکه به آنان از این ناحیه آسیبی نرسد موشگافی می کنند.

پس غوطه آور شدن عموم مردم در سیاست، و امور نظامی و صلح، امنیت و ناامنی کار عادی بوده و بسیار مضر است آنگاه به این کار مشغول شده و کار شان ترک نمایند، و ضرر وقتی شدید تر می شود، زمانی که بر اسرار این رویداد ها آگاه شده و آنها را افشا نمایند، و آنان توانایی کتمان آنها را نداشته، و حقیقت ضرر آنچه می گویند را نمی دانند" (2).

آگاهی بر نشر برخی مطالب مجاز:

در آنجا برخی از مطالب است که نشر آنان مجاز بوده و مردم به نشر آنها می پردازند، ولی این کار آنها نیازمند برخی تنبهاست که قرار ذیل ذکر می شود:

1 - تفسیر المنار، (5 / 156).

2 - تفسیر المنار، (5 / 242).

1 - نشر مطالبی که متضمن دعا است:

تنبیه بر این مورد از دو وجه است:

وجه اول: نشر کننده باید دعا را به مشیئت الله تعالی معلق نه سازد، مثلاً: (ربنا یغفر له ان شاء الله = پروردگامان برایش می آمرزد اگر بخواهد)، یا (بالتوفیق ان شاء الله = بامید توفیق اگر خداوند بخواهد)، و این گونه - دعا ها - در نشرات فیسبوکی بیسار پخش و منتشر است⁽¹⁾ در حالی که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلَا يَقُلْ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنْ شِئْتَ، وَلَكِنْ لِيَعْزِمِ الْمَسْأَلَةَ وَلِيَعْظِمِ الرَّغْبَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَتَعَاطَمُهُ شَيْءٌ أَعْطَاهُ)⁽²⁾.

ترجمه: (هیچ یک از شما نگوید: خداوند! اگر می خواهی مرا بیمارز؛ خدایا! اگر خواستی مرا ببخش، بلکه در تقاضای آمرزش، پایداری و سرسختی کند؛ زیرا خداوند متعال، چیزی را که بخشیده است، در نظرش بزرگ نیست و بخشش برای او سخت نیست).

وجه دوم: زمانی که دعا دارای مضمون شفا یابی برای خودش و دیگر کسی از اهلش باشد؛ این دعا وتضرع را پنهانی و مخفی انجام دهد بهتر و افضل تر است؛ زیرا خداوند متعال می فرماید:

(ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ)⁽³⁾.

ترجمه: (پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی به کمک بخواهید) و در دعا با بلندگرداندن صدا یا درخواست چیز ناروا از حدّ اعتدال تجاوز نکنید (که) او تجاوزکاران را دوست نمی دارد).

1 - و این بیشتر در نظریات و تعلیقات واقع می شود.

2 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش به روایت ابو هریره به رقم المسلسل: (2679)، (4 / 2063)، تخریج نموده است.

3 - سوره مبارکه الأعراف: (55).

و معنای واژه (خُفِيَّةً) یعنی: به گونه سر و پنهانی با خود است؛ زیرا این او را از ریا کاری دور می کند، از همین جهت خداوند متعال نبیش زکریا - علیه السلام - را ستایش کرده؛ زمانی که از وی حکایت می کند:

(إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا) (1).

ترجمه: (در آن هنگام که پروردگارش را (در خلوتگاه عبادت) پنهانی ندا داد).

شریعت اسلام مقرر کرده که پنهانی آنچه را که خداوند متعال از اعمال نیکو فرض ننموده است، از علنی کردنش ثوابش بهتر است (2).

سپس بدان ای بنده خدا! هر شکایتی دارید باید به شنونده مناجات باید تقدیم نمایی، خداوند متعال در از حضرت یعقوب - علیه السلام - حکایت کرده می فرماید:

(قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ...) (3).

ترجمه: (گفت: شکایت پریشان حالی و اندوه خود را تنها و تنها به (درگاه) خدا می برم، (و فقط به آستان خدا می نالم و حل مشکل خود را از او می خواهم...)).

پس حال مسلمان همانا اعتصام به صبر زیبا است که هیچ فریادی و شکایتی برای را کسی ندارد، بلکه راضی به تقدیر خداوند بوده و فقط به او شکایت می کند.

1 - سوره مبارکه مریم: (3).

2 - به کتاب (تفسیر القرطبی)، (7 / 223) مراجعه فرمایید، و این سخن ثابت است که اصل در انجام اعمال مفروضه علنی بودن است، و اصل در انجام اعمال نافله پنهانی بودن است، و این بدین خاطر است که در نوافل ریا و تظاهر در دنیا و افتخار به اعمال صالحه بیشتر رسرایت کرده، در حالی که قلب ها به گونه فطری به اهل طاعت مایل اند. به کتاب (احکام القرآن)، ابن العربی مالکی، (2 / 314)، مراجعه فرمایید.

3 - سوره مبارکه یوسف: (86).

خداوند سبحانه و تعالی فرموده است:

(قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ)⁽¹⁾.

ترجمه: (خداوند گفتار آن زنی را می‌پذیرد که درباره شوهرش با تو بحث و مجادله می‌کند و به خدا شکایت می‌برد. خدا قطعاً گفتگوی شما دو نفر را می‌شنود، چرا که خدا شنوا و بینا است).

زیرا ایشان آنگاه که در شکایت بسوی خداوند متعال صادق بوده و از آشکارا نمودن شکوایش به غیر الله مأیوس شده بود، این جا بود که خداوند متعال در باره او این آیت را (قَدْ سَمِعَ اللَّهُ ...) نازل فرمود⁽²⁾.

2 - مطلب نشر شده که متضمن غیبت شخصی نا معین باشد:

این مورد ثابت بوده که برخی از مردم بخصوص جوانان، مطالبی را نشر می‌کنند و برخی افراد نا معین را با ذکر معایب شان غیبت نموده و با کلمه: (# مقصود) این غیبت را موکد می‌کنند.

این گونه غیبت‌ها - که اسمی از فرد معین نام برده نشود - از دیدگاه شریعت کدام مشکلی ندارد؛ زیرا این کار از باب غیبت شخص نامعین است، هر آینه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - حدیث ام زرع را از حضرت عائشة ام المؤمنین - رضي الله تعالى عنها - شنید در حالی در این حدیث برخی از زنان از شوهران شان غیبت نموده بودند⁽³⁾.

ولی ترک این گونه کارها، و پرداختن به کارهای که در دین و دنیا مفید باشد بهتر و افضل تر است؛ زیرا هدف از شنیدن نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - حدیث ام زرع را از حضرت عائشة ام المؤمنین -

1 - سوره مبارکه المجادلة: (1).

2 - لطائف الإشارات، (3 / 548).

3 - به حدیثی که امام بخاری به رقم المسلسل: (5189)، و امام مسلم به رقم المسلسل: (2448) حضرت عائشة - رضي الله تعالى عنها روایت کرده اند، مراجعه فرمایید.

رضی الله تعالی عنها - چیزی جزء تسلی خاطر حضرت عایشه - رضی الله تعالی عنها - نبوده، و إلا نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - به شنیدن چیز های همانند این نیاز نداشت، پس این شنیدن از نوعی نیکویی در معاشرت خارج نیست(1).

3 - نشر مطلبی که مشتمل بر آگاهی از (نعی = در گذشت) شخصی باشد:

کلمه (النعی) عبارت از پخش خبر درگذشت شخصی مرده است(2)، و اعلان خبرش از طریق صفحات فیسبوک و غیره از سایت های اینترنتی است، ممکن است این محض اعلان است و یا اعلان محض نیست، و همچنان امکان دارد که این اعلان قبل از نماز بوده و یا بعد از آن.

و اگر اعلان پیش از ادای نماز جنازه بوده و اعلانی محض آگاهی و با صدای بلند بوده و خالی از هر نوع ضجه و فریاد بر مرده و بزرگنمایی رویداد مرگ آن و بدون داد و فریاد باشد؛ بدون شک این نوع - اعلان ها - جایز است، به خصوص زمانی شخص مرده به خاطرش غمگین و یا مهموم باید شد، و یا اینکه در اسلام کدام شأن و منزلتی و یا منفعت علمی داشته در این حال مشکلی نیست که با نشر اعلان اندکی از ستایش که مطابق واقعیت بوده - و این وسلیه - تشویق بر دعا کردن و نماز خواندن بر آن شود.

و بر این مورد خبر درگذشت نجاشی دلالت می کند: چون نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - در روزی که - نجاشی وفات کرده بود، اعلان فرمود، طوری که در صحیح مسلم از حدیث جابر - رضی الله تعالی عنه - آمده که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود:

1 - به کتاب (شجرة المعارف والأحوال)، العز بن عبد السلام، (ص 304)، مراجعه فرمایید.
2 - به کتاب (إكمال المعلم بفوائد مسلم)، القاضي عیاض، (3 / 412)، مراجعه فرمایید.

(مَاتَ الْيَوْمَ عَبْدُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَامَ فَأَمَّنَا، وَصَلَّى عَلَيْهِ) (1).

ترجمه: (امروز بنده نیکوکار خداوند اُصمحة وفات نموده است، سپس برخواست ما مرا امامت داده و بر آن نماز - غایبانه - گزارد).

و فرموده نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - در اعلان درگذشت النجاشی: (مَاتَ الْيَوْمَ عَبْدُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) = امروز بنده نیکو کار خداوند وفات نموده است؛ برایش ستایش و تزکیه است، طوری که او را به نیکو کاری توصیف نموده است، و در این کار تشویق و ترغیبی است برای دعا کردن و نماز خواند بر او.

برای این مورد نیز حدیث انس - رضی الله تعالی عنه - گواه است، که گفت: (مَرُّوا بِجَنَازَةٍ فَأَتْنَوْا عَلَيْهَا خَيْرًا، فَقَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : وَجِبَتْ ثُمَّ مَرُّوا بِأُخْرَى فَأَتْنَوْا عَلَيْهَا شَرًّا، فَقَالَ: وَجِبَتْ فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - ، مَا وَجِبَتْ قَالَ: هَذَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ خَيْرًا فَوَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، وَهَذَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ شَرًّا فَوَجِبَتْ لَهُ النَّارُ، أَنْتُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ) (2).

ترجمه: (عده ای از اصحاب با پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - بر یک جنازه ای رد شدند، اصحاب او را به نیکی نام بردند، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: واجب شد. سپس بر جنازه دیگری گذشتند، اصحاب از آن به بدی یاد کردند، باز پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: واجب شد. عمر بن خطاب پرسید: چه چیزی واجب شد؟ پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: این یکی که از او به نیکی نام بردید بهشت

1 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش به رقم المسلسل: (952)، تخریج نموده است، (أصمحة) اسم النجاشی - رضی الله تعالی عنه - فرمانروای حبشه بوده، و در زبان عربی: به معنای بخشش است، و النجاشی نام هر فرمانروای از فرمانروایان حبشه است، طوری که کسری نام شاهان فارس، و هرقل نام شاهان روم است، به کتاب (إكمال المعلم بفوائد مسلم)، القاضي عیاض، (3 / 413 - 414)، مراجعه فرمایید.

2 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به روایت انس بن مالک به رقم المسلسل: (1367) تخریج کرده است. و امام مسلم نیز این حدیث را در صحیحش به روایت انس بن مالک به رقم المسلسل: (949)، تخریج نموده است.

برایش واجب شد، و این یکی که از او به بدی یاد کردید دوزخ برایش واجب گردید، چون شما گواهان خدا در زمین هستید).

وجه استدلال از این حدیث این است: همانا نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - ستایش شان را بر جنازه تایید و تقریر نمودند، پس این مورد بر جواز ذکر مواصف نیک میت دلالت دارد.

ولی اگر این اعلان فوتی بعد از نماز جنازه باشد؛ و اگر این فقط اعلام فوتی باشد، ظاهراً این اعلان از جمله اعلانات فوتی نهی شده است؛ زیرا فیسبوک عبارت است از نزدیکترین و نخستین محل و میدان اجتماع مردم در عصر کنونی است، و در این صورت نهی شدت بیشتر می یابد در صورتی که این اعلان مشتمل بر موارد غم انگیز و حزن آوری بوده و باعث ایجاد گریه شود، و یا متضمن گواه بر بهستی بودن میت و یا چیزی دیگری از این قبیل باشد؛ مانند نوشتن برخی ها این فرموده الله تعالی را در اعلان فوتی :

(يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي)⁽¹⁾.

ترجمه: (ای انسان آسوده خاطر (که در پرتو یاد خدا و پرستش الله ، آرامش به هم رسانده ای و هم اینک با کوله باری از اندوخته طاعات و عبادات ، در اینجا آرمیده ای!) * به سوی پروردگارت بازگرد ، در حالی که تو (از کرده خود در جهان و از نعمت آخرت یزدان) خوشنودی ، و (خدا هم) از تو خوشنود (است). * به میان بندگانم در آی (و همراه شایستگان و از زمره بایستگان شو). * و به بهشت من داخل شو (و خوش باش!).

نوشتن مثل این - در اعلان فوتی - حرام و نایز است.

1 - سوره مبارکه الفجر آیات: 27 - 30).

و اگر این اعلان فوتی بعد از ادای نماز جنازه بر میت باشد، و به منظور مصلحت دارای اعتبار شرعی باشد؛ مثل براءت زمه - گردن خلاصی - میت و امثال آن: بدون شک این کار جایز بوده و هیچ مشکلی ندارد، زیرا در این کار مصلحتی بزرگ نهفته است.

علامة محمد بن صالح العثيمين - رحمه الله - گفته است: "و اما اعلان از موت شخص مرده: اگر برای مصلحتی باشد، چون این شخص مرده کسی است که با مردم به گونه وسیع معامله، داد و ستد داشته اعلان فوتی اش بخاطر این باشد که شاید کسی بر آن حقی داشته واپس گیرد و امثال آن؛ - در این اعلان - مشکلی نیست(1).

والله اعلم

1 - مجموع فتاوی و رسایل محمد بن صالح العثيمين، (17 / 461).



فصل ششم

آداب متعلق به پسندیدن مطالب و تعلیق و نظریه دادن بر آنها

پیش از اینکه آداب متعلق به پسندیدن مطالب نشر شده و تعلیق بر آنها را تقدیم نمایم، به نظر من واجب است که کار های مهمی را پیشکش نموده که برای انسان لازم است از این کار ها با نشرات دیگران در حذر باشد، و آنها عبارت اند از:

1 - حقیر شمردن مسلمان و خورد انگاشتن آن:

و این کار در نظریات برخی از مردم واضح نمایان است، اگر یکی از جوانان که ظاهراً با معاصی سر و کار دارد مطلبی به نشر برساند که حاوی ذکر الله تعالی و اطاعت از آن باشد، برخی ها پیش خود این شخص را حقیر شمرده، و برخی دیگر با تعلیقات و نظریات جهل آمیز و پستی در این راستا پیشقدم می شود، مثلاً کسی از آنها می نویسد: (الله یرحم أمک !! = خداوند مادرت مورد مرحمت قرار دهد!!!) بلکه برخی دیگر طوری سخن می گوید که ظاهراً نویسنده این مطلب کافر بوده می گوید: (أنت أسلمت متی ؟ !!! = شما چه وقت مسلمان شده اید ؟ !!!) و چیز های دیگر، و لا حول و لا قوة إلا بالله.

و فراموش کرده اند که این کار از کار های جهال و ظالمین بوده، خداوند متعال می فرماید:

(...وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ)⁽¹⁾.

ترجمه: (...و من (هرگز برای خوشایند شما) نمی‌گویم آنان که در نظر شما خوار می‌آیند ، خداوند هیچ گونه خوبی و نیکی بهره ایشان نمی‌سازد (و اجر و پاداش فراوان و قابل توجهی بدانان عطاء نمی‌کند . من جز ایمان و صداقت از آنان نمی‌بینم و من مأمور به ظاهرم) و خدا از چیزهایی که در اندرون دارند آگاهتر (از هر کسی) است . (اگر آنچه شما دوست دارید بگویم و بکنم ،) در این صورت من از زمره ستمکاران (به خود و به دیگران) خواهم بود).

حافظ ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه گفته است: "من نمی‌گویم از این همه کسانی که شما حقیرشان شمرده و اهانتشان کرده اید، آنان در نزد خداوند متعال بر ایمانداریشان پاداشی نداشته باشد! و خداوند متعال به آنچه در دورن آنها وجود دارد داناتر اند، که اگر آنان در باطن مسلمان باشند چنانکه ظاهر حالشان چنان است، برای ایشان پاداشی بسیار نیکو خواهد بود، اگر کسی به آنها بعد از اینکه ایمان آورده است شری را روا داشته باشد، هر آینه ستمگار و بدون علم لب به سخن گشوده است"⁽²⁾.

وهمچنان از تصاویر حرام و اهانت آمیز فیسبوکی که برخی از مردم با انفعال خنده گزاف که در فیسبوک به نشانه (خخخ) تعبیر می‌شود، و این در صورتی است که این مطلب نشر شده مطلبی علمی باشد، و یا کم از کم از نکته نظر صاحبش در پرتو قواعد و ضوابط بحث و نظر تعبیر کرده شده باشد.

2 - رشک ورزیدن:

1 - سوره مبارکه هود: (31).

2 - تفسیر القرآن العظیم، (4 / 318).

زیرا حسد یا رشک بردن یکی از امراض مهلک قلبی است، در دنیای فیسبوک صورت ها و شاخه های زیادی دارد، حسد یا رشک عبارت از انزجار نعمت و خواستار زوالش از شخصی که این نعمت برایش ارزانی شده است، پس زمانی که کسی مطالب علمی متمایزی را نشر کند، یا محبوبیت شان میان مردم بالا باشد، تالیفاتی علمی زیاد داشته باشد، و یا درس ها و سخنرانی های را دارا باشد، در این حال قلب های بیمار از حسد و رشک درد می کشند.

و همچنان رشک و حسد در مورد تصاویری که از اطفال از جانب اولیای آنان به نشر می رسد، وجود دارد، ولا حول ولا وقوة إلا بالله.

در حالی که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند:

(وَلَا تَحَاسَدُوا)⁽¹⁾.

ترجمه: (وبه یکدیگر حسادت نورزید).

ابن عبد البر - رحمه الله - گفته است: "معنایش این است: کسی از شما با برادرش که نعمتی به آن اعطا شده حسد نورزد، باید از خداوند و فضلش بطلبد"⁽²⁾.

برخی از سلف گفته اند: "بدون شک نخستین گناه - روی زمین - همانا حسد بود، ابلیس بر رتبه که بر آدم - علیه السلام - داده شده بود، حسد ورزید، پس از سجده کردن بر او استکبار کرد، و حسد بود که او را بر چنین معصیتی وا داشت"⁽³⁾.

3 - سرسختی و دل تنگی در مقابل حق:

1 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به روایت ابو هریره به رقم المسلسل: (6064)، تخریج کرده است. و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت ابو هریره، به رقم المسلسل: (2563)، تخریج کرده است.

2 - الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار، ابن عبد البر المالکی، (8 / 289).

3 - موعظة المؤمنین من إحياء علوم الدین، جمال الدین القاسمی، (ص 213).

این از بیمار های انتشار یافته در روی فیسبوک است، بیشتر اوقات وقتی پیش می آید که یکی از کاربران مطالبی و مسئله از مسایل نشر کند، در این حال برخی از دنبال کنندگان که در این مورد کوتاهی دارند؛ مثلا حکم مسأله تراشیدن ریش، یا شنیدن موسیقی، برخی از کاربران را می بینید که در این مورد بسیار سرسختی نشان داده و جبه گیری می کند، و با سرعت به مجادله و مناقشه می پردازد و این کاری است که برای یک مسلمان شایسته نیست که بدان متصف شود؛ زیرا این کار جزء صفات کفار و مشرکین است.

خداوند متعال فرموده است:

(...كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ...) (1).

ترجمه: (...چیزی که شما مشرکان را بدان می خوانید (که پابرجا داشتن اصول و ارکان دین است) بر مشرکان سخت گران می آید...).

یعنی: بر مشرکان سخت و سنگین است (2).

و خداوند سبحانه و تعالی فرموده است:

(...فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ...) (3).

ترجمه: (...و نباید از ناحیه آن هیچ گونه نگرانی و ناراحتی به خود راه دهی . (نه نگرانی از ناحیه بار سنگین رسالتی که بر دوش داری و نه از جانب عکس العملهایی که دشمنان سرسخت در برابر آن نشان می دهند ، و نه از سوی نتیجه و برداشتی که از تبلیغ این رسالت انتظار می رود . چرا که هدف از نزول این قرآن این است ...).

1 - سوره مبارکه الشوری: 13).

2 - الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، النیسابوری، الشافعی، (ص 962).

3 - سوره مبارکه الأعراف: 2).

و کلمه (الخرج): به معنای سخت ترین تنگنایی است⁽¹⁾.

4 - گشایش دل در برابر باطل:

این بیماری لا علاج دیگری است، در عین حالی که او را مشاهده می کنید که در برابر حق - واجبی باشد یا مستحبی - به سرسختی و انکار پرداخته! ولی در برابر مطالب نشره شده باطل سینه اش را گشوده، و با استقبال به تعلیق و نظریه دادن به منظور استهزاء به مردان و زنان مسلمان می پردازند، همچنان این یکی از صفات مشرکین و کفار بوده، که برای مسلمان واجب است از چنین حالتی اجتناب نماید، خداوند متعال فرموده است:

(...وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)⁽²⁾،⁽³⁾.

ترجمه: (... آری! چنین کسانی که سینه خود را برای پذیرش مجدد کفر گشاده می دارند (و به دلخواه خود دوباره کفر را می پذیرند)، خشم تند و تیز خدا (در دنیا) گریبانگیرشان می شود، و (در آخرت، کیفر و عذاب بزرگی دارند).

بعد از بیان این همه اکنون زمان آغاز به مقصود فرا رسیده است، والله المستعان.

اول : آداب پسندیدن مطالب:

بدان ای برادر مسلمان! بدون شک پسندیدن یک مطلب مفید، پشتیبانی از حق و راه خیر در این مطلب نشر شده است، در صورتی که نیت شخص درست باشد، به اذن پروردگار در برابر این کار پاداش داده

1 - جامع البیان فی تأویل القرآن، ابو جعفر الطبري، (12 / 102).

2 - سوره مبارکه النحل: 106).

3 - شیخ العز بن عبد السلام از عموم این آیه به گونه که برایت ذکر کردم استدلال نموده است، به کتاب (شجرة المعارف والأحوال و صالح الأقوال والأعمال)، از ایشان، (ص 97) مراجعه فرمایید، پس این طور گمان نکنید، که من معصیت را کفر می دانم، والعیاذ بالله.

نمی شود؛ زیرا ما به مکافات و نیکی به اندازه آن و یا بیشتر از آن دستور یافتیم، خداوند متعال فرموده است:

(...قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا...) (1).

ترجمه: (...گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا پاداش این که (لطف فرموده و آب از چاه بیرون کشیده‌ای و بدان گوسفندان) ما را آب داده‌ای ، به تو بدهد ...).

و خداوند متعال فرموده است:

(...قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ...) (2).

ترجمه: (...و بدو سلام کردند . ابراهیم جواب سلام ایشان را داد...).

و خداوند سبحانه و تعالی فرموده است:

(وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا) (3).

ترجمه: (هرگاه شما را درودی دادند (اعم از سلام کردن و دعا نمودن و احترام گذاردن) به گونه زیباتر و بهتر از آن یا (دست کم) همانند آن ، آن را پاسخ گوئید . بیگمان خداوند حسابرس هر چیزی است (و حساب هر چیزی را دارد).

و نبی اکرم – صلی الله علیه وسلم – فرموده اند :

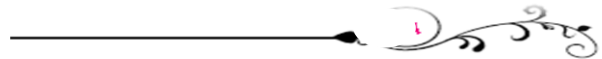
(إِنَّ خَيْرَ النَّاسِ أَحْسَنُهُمْ قَضَاءً) (4).

1 - سوره مبارکه القصص: (25).

2 - سوره مبارکه هود: (69).

3 - سوره مبارکه النساء: (86).

4 - این حدیث را امام مسلم در صحیحش به روایت ابو رافع به رقم المسلسل: (1600)، تخریج نموده است.



ترجمه: (بدون شک بهترین مردم کسی است که قرض شان را به بهترین شکل ادا کنند).

رد تحیت سبب محبت میان قلب ها شده و دعوت همکاری به سوی خیر را ایجاد می کند.

آنچه برای مسلمان واجب است که در هنگام پسندیدن مطلب بر حذر باشد:

بدان در این جا چندین گناه است که به محض پسندیدن مطلبی نادرست برای انسان نوشته می شود:

1 - رضایت به معصیت:

پس خود را باز دارید از اینکه پسندیدن شما رضایت به نافرمانی الله تعالی و رسولش - صلی الله علیه وسلم - باشد؛ مثل پسندیدن شما بر مطلبی که شامل لینک آهنگ ها یا تصاویر مستهجن، یا نوشتن کفریات و بی دینی، یا بدعتی و امثال آنها از منکرات باشد.

2 - همکاری بر معصیت:

بدون شک پسندیدن شما مطلبی را نشاندهنده همکاری بر معصیتش است، و همیاری بر نشر این گونه مطالب گناه بسیار بزرگ است.

خداوند متعال می فرماید:

(...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَانْفُوا
اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)⁽¹⁾.

1 - سوره مبارکه المائدة: (2).

ترجمه: (... در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید. از خدا بترسید. بیگمان خداوند دارای مجازات شدیدی است).

و خداوند سبحانه و تعالی فرموده است:

(قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ)⁽¹⁾.

ترجمه: (گفت: پروردگارا! به پاس نعمتهائی که به من عطاء فرموده‌ای (و عطاء می‌فرمائی که مغفرت و مرحمت است)، هرگز پشتیبان بدکاران و بزهکاران نخواهم شد).

یعنی: من هرگز بر گناهی معاونت نخواهم کرد⁽²⁾.

3 - رضایت به آنچه شما را از یاد خداوند متعال باز دارد:

رضایت به این گونه کارها وسیله ترک طاعت و مشغولیت به هر گناه و پستی است.

پروردگار مان فرموده است:

(...أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ...)⁽³⁾.

ترجمه: (...آیا به زندگی این جهان به جای زندگی آن جهان خوشنودید؟ (و فانی را بر باقی ترجیح می‌دهید؟ آیا سزد که چنین کنید؟).

آیا برای مسلمان زیبنده است که دنیا را بر آخرتش اختیار کند؟! و آیا برای دانا زیبنده است که خواهشات خود را بر رضایت مولایش ترجیح دهد؟!!

1 - سوره مبارکه القصص: (17).

2 - الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، واحدی، (ص 815)، و به کتاب (النکت والعیون)، الماوردی، (4 / 242)، مراجعه فرمایید.

3 - سوره مبارکه التوبة: (38).

یک فرد معتقد در راه خدا به چیزی مشغول نمی شود، مگر اینکه در عقیده اش خللی و یا در ایمان وی سستی یافت شود.

4 - نیکو شمردن بدی ها:

نیکو شمردن بدی های یکی از وسایل عمل کردن بدان است؛ خداوند جل شأنه می فرماید:

(أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا...)(1).

ترجمه: (آیا کسی که عملهای بدش (توسط شیطان و شیطان صفتان) در نظرش زینت و آراسته شده است و آن را زیبا و آراسته می بیند) همانند کسی است که واقع را آن چنان که هست می بیند و از قوانین آسمانی پیروی می کند؟).

و پروردگار مان فرموده است:

(...وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ)(2).

ترجمه: (... و اهریمن اعمالشان را در نظرشان آراسته است و ایشان را از راه (راست) به در برده است، آنان (به خدا و یکتاپرستی) راهیاب نمی گردند).

و خداوند جل شأنه فرموده است:

(...وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ...)(3).

ترجمه: (...این چنین، کارهای بد فرعون در نظرش آراسته و پیراسته گشته، و او از راه (حق) بازداشته شده بود...).

1 - سوره مبارکه فاطر: (8).

2 - سوره مبارکه النمل: (24).

3 - سوره مبارکه غافر: (37).

پس این کلید همه بدی ها است، زیرا فساد معیار ها را نزد جمعی از مردم بر هم زده و باعث فساد سلیقه آنها شده است؛ زیبایی قربانی عورت و عورت قربانی زیبایی شده، طوری که جرم تبدیل به قانون و قانون تبدیل به جرم شده است، با این همه فضیلت به عنوان پدیده پست و دور افتاده در گوشه از جامعه، که به انگشت شک و اتهام بدان اشاره می شود، اشتهار زشتی ها به انقلاب، قوت و نشانه آزادی تبدیل شده، و این چه آزادی است؟! آیا آزادی به معنای رهایی از ریسمان محکم خداوند و تمسک به خواست های شیطان ملعون است؟!!

دوم : آداب متعلق به تعلیق و نظریه دادن بر مطالب نشر شده:

در آنجا آدابی است که من به التزام به آنها در هنگام تعلیق یا نظریه دادن بر هر مطلبی نشر شده نصیحت می کنم:

1 - قدر دانی از کسی مطلب خیر و مفیدی را نشر می کند:

به خصوص زمانی که شما از مطلب نشر شده استفاده کردید، پس اگر از آن قدردانی کردید نیکو شمرده می شود، بر حذر باشید از اینکه از قدردانی چنین شخصی باند پروازی کنید؛ زیرا این جزء احسان در برابر احسان است که به آن - چنانکه پیشتر ذکر شد - دستور یافتیم.

در حالی که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(مَنْ صُنِعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَقَالَ لِفَاعِلِهِ: جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا فَقَدْ أْبْلَغَ فِي الثَّنَاءِ)⁽¹⁾.

ترجمه: (کسی که برایش نیکی (و خوبی) کنند؛ و در مقابل به کننده ی کار بگویند: جزا ک الله خیرا، خداوند به تو جزای خیر دهد، به راستی نهایت تشکر را کرده است).

1 - این حدیث صحیح است: امام ترمذی این حدیث به روایت أسامة بن زید به رقم المسلسل: (2035) و امام النسائی در سنن الکبری، نیز به روایت أسامة ابن زید به رقم المسلسل: (9937)، تخریج کرده اند.

علامة ابن علان الشافعي - رحمه الله - در توضیح این فرموده نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - (مَنْ صُنِعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ) گفته است: "مانند نان دادن، پوشاک دادن و یا جلب منفعت و دفع ضرری، و همچنان در صورتی که این نیکی معنوی باشد؛ مانند تعلیم علم و ازدیاد معرفت و دانایی" (1).

و امیر الصنعانی - رحمه الله - گفته است: "این حدیث دلالت دارد که ستایش در برابر نیکوکار امری پسندیده است" (2).

2 - ترک منکر:

پس زمانی که یکی از دوستان خویش را دیدید که مطلبی را نشر کرده، و یا تعلیق نظریه را که مشتمل بر منکر است انجام داده است، برای شما واجب است که با در نظر داشت ضوابط شرعی و آداب رعایت شده آن، با ادب و دل سوزی تمام آنرا رد نمایید.

خداوند متعال فرموده است:

(كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...)(3)

ترجمه: (شما) ای پیروان محمد (بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید) (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید).

3 - سرزنش به گونه مختصر:

زمانی که دوستی را یافتید که خطای مرتکب شده که مستحق سرزنش است، پس سرزنش او را طولانی نکنید، بلکه به گونه کوتاه و مختصر

1 - دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین، ابن علان الشافعی، (300 / 7).
2 - سبل السلام شرح بلوغ المرام، الصنعانی، مانند گذشتگان مشهور به (الأمیر)، (557 / 2).
3 - سوره مبارکه آل عمران: (110).

به آن پرداخته؛ زیرا سرزنش کوتاه و مختصر از عادات پیامبران – صلوات الله و سلامه علیهم – بوده است.

خداوند متعال از حضرت یوسف – علیه السلام – حکایت کرده می فرماید:

(قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ) (1).

ترجمه: (مهر برادری در دل یوسف بجنبید و خواست خویشتن را به آنان بشناساند. سرزنش کنان بدیشان) گفت: آیا بدان گاه که (یوسف را به چاه انداختید، و پس از او اذیت و آزارها به بنیامین رساندید و او را در فراق برادر داغدار نمودید)، از روی نادانی (جوانی) نسبت به یوسف و برادرش می دانید چه (عمل زشت و ناپسندی) کردید؟

امام قرطبی – رحمه الله – گفته است: "استفهامی است به معنای تذکیر و توبیخ" (2).

و زمخشری – رحمه الله – گفته است: "با ایشان از گونه دین بر خورد کرد، و اوشان – یوسف - بردبار و موفق بود، با ایشان به گونه استفهام از زشتی که واجب است که شخص توبه کننده رعایت کند، سخن گفته، فرمود: آیا زشتی آنچه را که با یوسف و برادرش آنگاه که جاهل بودید انجام دادید، می دانید؟ هرگز شما زشتی آن را نمی دانید؟!" (3).

صاحب حاشیه بر تفسیر کشاف – رحمه الله – گفته است: "از لطف او به برادرانش که فرمود: (إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ) گویی یافتن عذر برای ایشان است؛ زیرا اندازه و مقدار زشتی عمل در هنگام نادانی کمتر از انجام آن در حالت دانایی است" (4).

1 - سوره مبارکه یوسف: (89).

2 - الجامع لأحكام القرآن، القرطبی، (9 / 255).

3 - الكشاف، الزمخشری، همراه با حاشیه اش (فتوح الغیب فی الكشف عن قناع الريب)، (2 / 500).

4 - حاشیه الكشاف (فتوح الغیب فی الكشف عن قناع الريب)، (2 / 500).

خداوند متعال از نبی ما محمد - صلی الله علیه وسلم - حکایت کرده می فرماید:

(وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ ...) (1).

ترجمه: (خاطرنشان ساز وقتی را که پیغمبر با یکی از همسرانش (به نام حفصه) رازی را در میان نهاد، و او آن راز را (به عایشه) خبر داد، و خداوند پیغمبرش را از این (افشای سر) آگاه ساخت. پیغمبر برخی از آن (رازگویی) را (برای همسر رازگوش حفصه) بازگو کرد و از برخی دیگر خودداری کرد...).

یعنی: بدون شک نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - با برخی از همسرانش - حفصه - رازی را در میان گذاشت، و حفصه آنرا به عائشة فاش نمود، سپس خداوند متعال نبیش - صلی الله علیه وسلم - را از افشای این راز آگاه کرده و مطلع ساخت، نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - به برخی امور آگاه شده و برخی دیگر از روی کرامت از وی پنهان ماند.

قرطبی - رحمه الله - گفته است: "ومعناى (عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ)؛ حفصه را به برخی از آنچه که به وی وحی شده بود آگاه کرد که از آنچه به عائشة منع شده بود آگاهش کند، و از برخی دیگر به خاطر تکریم از برخی دیگر اعراض کرد، این را سُدی گفته است. و حسن گفته است: بزرگوار هرگز موشکافی نکند" (2).

4 - مردم را از آنچه از ایشان صادر می شود معذور دار:

زیرا معذور دانستن آنها نیکی در حق شان است، تا اینکه ایشان دارای بصیرت و دینداری شوند، رسول الله فرموده است:

1 - سوره مبارکه التحريم: (3).

2 - الجامع لأحكام القرآن، القرطبي، (18 / 187).

(وَلَا شَخْصَ أَحَبُّ إِلَيْهِ الْعُذْرُ مِنَ اللَّهِ)⁽¹⁾.

ترجمه: (عذر در نزد هیچ کسی – به اندازه ی که در نزد خداوند متعال است، پسندیده تر نیست).

یعنی: در نزد هیچ کس معذور شماری به اندازه که در نزد خداوند متعال شایستگی دارد، ندارد، عذر به معنای: معذور دانستن و هشدار پیش از مجازات کردن است؛ برای این هدف انبیاء فرستاده شده اند⁽²⁾.

5 – معذرت خواهی از مردم و پذیرش معذرت آنان:

پروردگار مان معذرت خواهی حضرت هارون – علیه السلام – را برای برادرش حضرت موسی – علیه السلام – حکایت کرده می فرماید:

(... قَالَ ابْنُ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ)⁽³⁾.

ترجمه: (...گفت: ای پسر مادرم! این مردمان مرا درمانده و ناتوان کردند و نزدیک بود مرا بکشند، پس دشمنان را به من شاد مکن و مرا از زمره قوم ستم پیشه مدان).

یعنی: ای فرزند مادرم در ملامتی و سرزنش من و اتهام من به کوتاهی در اجراء وظیفه عجله نکن، زیرا من کار شان را ناپسند دانسته و نصیحت شان کردم، ولی این گروه من را ضعیف دانسته آنگاه که من را تنها یافتند، و به سخنان من هیچ التفاتی نکرده بلکه نزدیک بود که من را بکشند.

1 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به رقم المسلسل: (7416)، تخریج کرده است. و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش به رقم المسلسل: (1499)، تخریج کرده است.

2 - تعلیق شیخ محمد فؤاد عبد الباقي بر صحیح مسلم، (2 / 1136).

3 - سوره مبارکه الأعراف: (150).

ای فرزند مادرم با من آنچه آرزوی دشمنان است از توهین و بد رفتاری مکن.

پس زمانی که برادرش با معذرت خواهی دل او را بدست آورد، موسی - علیه السلام - عذرش را پذیرفته، و فرمود:

(قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ)⁽¹⁾.

ترجمه: (هنگامی که پاکی و بی‌گناهی هارون برای موسی مسلم شد) گفت . پروردگارا ! بر من و برادرم ببخشای (و از کاری که من در حق هارون کردم و از قصور احتمالی او در امر جانشینی صرف نظر فرمای) و ما را به رحمت خود داخل کن و (ما را لطف خویشتن شامل کن . چرا که) تو از همه مهربانان مهربانتری).

یعنی: پروردگارا ! آنچه از من از تقصیری قولی یا فعلی که در آنها درشتی و خشکیتی سر زده باشد بیامرز و همچنان برای برادرم آنچه از وی در اثنای خلافتش سر زده بیامرز⁽²⁾.

پس بر هر کسی که در دنیای فیسبوک نسبت به برادرش بدی انجام داده از وی معذرت بخواهد، زیرا معذرت خواهی پاکی قلب است، و دیگری هم باید معذرت وی را بپذیرد.

6 - گذشت از جفای بد رفتار:

خداوند متعال فرموده است:

(وَأَمَّنْ صَبْرًا وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ)⁽³⁾.

1 - سوره مبارکه الأعراف: 151).

2 - به کتاب (التفسیر المنیر)، زحیلی، (9 / 102)، مراجعه فرمایید.

3 - سوره مبارکه الشوری: 43).

ترجمه: (کسی که (در برابر ظلم دیگران) شکیبائی کند و (زمام اختیار را از دست ندهد، و با وجود قدرت، از ستمگر (درگذرد (ولی بداند که این عمل باعث گستاخی ظالم نمی‌گردد، این کار او) از زمره کارهایی است که باید بر آن عزم را جزم کرد و بر آن ماندگار شد).

خداوند متعال می‌فرماید: و آنانی که در مقابل بد رفتاری علیه خود صبر کرده و از جرم بد رفتار نسبت به خودش در گذرد، در حالی که از وی نترسیده و بر وی قدرت هم دارد و این را به خاطر رضای الله تعالی و پاداش کاملش انجام داده باشد، بدون شک این کارش از جمله (إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ)، خواهد بود، و خداوند متعال می‌فرماید: بدون شک این صبر و گذشت او از خطای شخص بد رفتار از جمله کارهای بزرگ و ماندگاری که بندگان خاصش نیکو شمرده و بر عمل بر آن ماندگار شده اند(1).

و شخصی بر نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - حقی (قرض) داشت و نسبت به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - درشت گویی کرد، جمعی از صحابه خواستند که این مرد را تأدیب نمایند، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود:

(إِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا، فَقَالَ لَهُمْ: اشْتَرُوا لَهُ سِنًّا، فَأَعْطُوهُ إِيَّاهُ، فَقَالُوا: إِنَّا لَا نَجِدُ إِلَّا سِنًّا هُوَ خَيْرٌ مِنْ سِنِّهِ، قَالَ: فَاشْتَرُوهُ، فَأَعْطُوهُ إِيَّاهُ، فَإِنَّ مِنْ خَيْرِكُمْ، أَوْ خَيْرِكُمْ أَحْسَنُكُمْ قَضَاءً)(2).

ترجمه: (او را بگذارید، زیرا صاحب حق، حق گفتار دارد و سپس فرمودند: «شتری مثل شتر خودش به او بدهید، گفتند: ای رسول خدا! جز گران تر از شتر او را نداریم، فرمودند: آن را به او بدهید که بهترین شما آن است که موقع پرداخت عوض، بهترین را پرداخت کند).

1 - جامع البیان فی تأویل القرآن، الطبري، (21 / 551).

2 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به روایت ابو هریره به رقم المسلسل: (2306)، تخریج کرده است. و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت ابو هریره، به رقم المسلسل: (1601)، تخریج کرده است.

قسطلانی - رحمه الله - گفته است: "و این از اخلاق نیکوی - علیه الصلاة والسلام - کرامت، و قوت صبر او در مقابل جفای دیگران است با وجود اینکه قدرت انتقام گرفتن را داشت" (1).

7 - اجتناب از انتقام جویی:

برخی اوقات کسی که در حق شما بد رفتاری کرده دارد طوری که مطلب یا تعلیق و یا نظریه نادرستی را علیه شما نوشته، و یا هم به وسیله دیگری که امکان استخداش در دنیای نیلگون است، به کار گرفته، و شما از او قصد انتقام دارید.

پس بدانید که ترک انتقام ارایسته شدن به اخلاق عفو و گذشتی که به آن دستور یافتیم می باشد؛ زیرا در این نیکی های بیشماری نهفته است.

خداوند متعال می فرماید:

(ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ...) (2).

ترجمه: (به کار دعوت خویش ادامه بده و خصال) بد (ایشان) را با (خصال) نیک (خود) و (سخنان) نامطلوب (آنان) را با بهترین (منطق) پاسخ بگو...).

و خداوند متعال می فرماید:

(... وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) (3).

ترجمه: (... نیکی کنید (در کشتن و یاری ستمدیده و جنگ و...) همانا خداوند نیکوکاران را دوست می دارد).

8 - روی گردانی از جهال و آنانی که در باطل فرو رفته اند:

1 - إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري، القسطلاني، (4 / 159).

2 - سوره مبارکه المؤمنون: 96).

3 - سوره مبارکه البقرة: 195).

مانند کسانی که بدون علم و تخصص در دین الله غوطه زده می زنند، چه زیاد اند امروزه از این گونه افراد در روی فیسبوک، حسب معلومات دوستی اینها را باید ترک نمود، و برخی اوقات این گونه افراد نیز در صفحات عامه و در گروهی از گروه ها یافت می شود.

وقتی که این کار احمقانه خود را اجرا کرد پس گفتگو و مناقشه این افراد را در حال ترک کنید، خداوند متعال فرموده است:

(وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ...)⁽¹⁾.

ترجمه: (هرگاه دیدی کسانی که به تمسخر و طعن در آیات (قرآنی) می پردازند، از آنان روی بگردان (و مجلس ایشان را ترک کن و با آنان منشین) تا آن گاه که به سخن دیگری می پردازند...).

اصل واژه (الخواض) و حقیقتش به معنای داخل شدن در آب و همچنان رفتار به گونه پیاده و شنا، و کوبیدن آرد با شیر - استفاده شده -، و همچنان برای عبور شتر در سراب، و به تابش برق در میان ابرها استعاره شده است، و به معنای یورش در سخن و رها شدن در آن، و داخل شدن در باطل با اهلش نیز گفته شده است، و به این دو معنای اخیر در قرآن کریم به کار رفته است.

و واژه (الخواض) در این آیه بنا بر قول مفسرین سلف صالح به اختلاف، مجادله و مخاصمة که به متابعت از خواهشات نفسانی و برای انتصار مذاهب و احزاب باشد، تفسیر شده است⁽²⁾.

از ابن عباس - رضي الله تعالى عنهما - در تفسیر این فرموده الله تعالى (وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا...) روایت است که گفت: "خداوند متعال مؤمنان را به پیوستن به جماعت دستور داده و از

1 - سوره مبارکه الأنعام: (68).

2 - به کتاب (تفسیر المنار)، (7 / 421)، مراجعه فرمایید.

اختلاف و فرقه جویی منع کرده است، و آنان را از این آگاه ساخته اند که کسانی که پیش از ایشان می زیستند به سبب اختلاف و مخاصمات در دین الله هلاک شده اند" (1).

از ابو جعفر روایت است که گفت: "با اهل مخاصمة نشست و برخاست نداشته باشید، زیرا آنان در آیات خداوند متعال راه به باطل می برند" (2).

آنچه برای تعلیق نگار و یا نظریه پرداز جایز است که احیانا به آن دست زنند:

در این راستا برخی از روش های را هدف داریم که در اصل ممنوع است، ولی برخی اوقات برای شخص مجاز است که در هنگام تعلیقات و نظریات خویش در روی فیسبوک آنها را به کار ببرند؛ به خاطر ضرورتی که ایجاد شده، و ضرورت هم به اندازه اش مقدر می شود، و اما بکار گیری آن به گونه عادت کاری است که تحریمش هویدا است.

1 - مجادله برای آشکار شدن حقیقت:

مشروط بر اینکه این مجادله بر اساس علم و دانش باشد، که اگر بر اساس علم و دانش بود این ستودنی است و اگر بر اساس جهل و نادانی اجرا شود بدون شک مذموم و زشت خواهد بود.

و خداوند متعال از حضرت نوح - علیه السلام - حکایت کرده می فرماید:

(قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا...) (3).

1 - این روایت را ابن جریر الطبري در تفسیرش (جامع البیان فی تأویل القرآن)، (9 / 314)، تخریج نموده است.

2 - این روایت را ابن جریر الطبري در تفسیرش (جامع البیان فی تأویل القرآن)، (9 / 314)، ذکر کرده است.

3 - سوره مبارکه نوح: (32).

رازی - رحمه الله - گفته است: "واین دلالت بر آن دارد که نوح - علیه السلام - با قوم مجادله زیادی نموده است، و این کار دلالت بر آن دارد که مجادله برای اثبات دلایل حق و ازاله شبهات حرفه و پیشه انبیاء می باشد" (1).

امام قرطبی - رحمه الله - گفته است: "ابن عباس - این آیه را - (فَأَكْثَرَ جَدَلْنَا) آنچنانکه النحاس ذکر می کند، خوانده است. مجادله در دین ستودنی است، از همین جهت نوح و انبیاء همراه اقوام شان بخاطر غلبه حق مجادله کردند، و آنکه آنرا پذیرفت کامیاب و رستگار شد، و آنکه ردش نمود ناکام و زیان کار شد. ولی مجادله نا حق برای غلبه باطلی که در چهره حق ظاهر شده باشد، مذموم و زشت است، و صاحبش در دنیا و آخرت نکوهش شده است" (2).

باید این مجادله در روی فیسبوک به قواعد و ضوابطی خداوند متعال فرموده است مقید باشد:

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...) (3).

ترجمه: (ای پیغمبر !) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان ، و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن ؛ چرا که (بر تو تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه ، و به گونه بس زیبا و گیرا و پیدا ، و بر ما هدایت و ضلال و حساب و کتاب و سزا و جزا است...).

زیرا مقصود از این مجادله رهایی خیر و صلاح توام با اخلاص قوی و عملی برای آنکه نصیحت شده می باشد.

1 - مفاتیح الغیب، الرازی، (17 / 341).

2 - الجامع لأحكام القرآن، (9 / 28).

3 - سوره مبارکه النحل: (125).

و در تفسیر این فرموده الله سبحانه و تعالی (وَجَادِلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ) چهار توجیه بیان شده است:

1 - یعنی با گذشت.

2 - اینکه قلب ها را بیدار نموده و بدون آنکه عقل ها را تسفیه کنید.

3 - حاضرین را هدایت کرده بدون آنکه گذشتگان را مذمت کنید.

4 - همه چیز به اندازه برداشت و تحمل شان باشد⁽¹⁾.

همه اینها در مجادلات روی فیسبوک ملحوظ بوده پس خود را به آن ملزم شمرده خداوند متعال شما را مورد مرحمت قرار دهد.

2 - بروز خشم در هنگام رد کردن:

برخی اوقات مستحب است که تعلیق بر مطالبی با اندکی شدت همراه باشد، بلکه در این کار خیر خواهی است برای کسی مورد مورد این استنکار قرار گرفته؛ زیرا در این کار مانع او از منکر و سرزنش کردنش از آن است.

برخی از صحابه شنیدند که شخص یهودی می گوید:

(لَا، وَالَّذِي اصْطَفَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْبَشَرِ قَالَ: فَسَمِعَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَلَطَمَ وَجْهَهُ، قَالَ: تَقُولُ: وَالَّذِي اصْطَفَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْبَشَرِ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ أَظْهُرِنَا؟ قَالَ فَذَهَبَ الْيَهُودِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ لِي ذِمَّةً وَعَهْدًا، وَقَالَ: فُلَانٌ لَطَمَ وَجْهِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِمَ لَطَمْتَ وَجْهَهُ؟» قَالَ: قَالَ - يَا رَسُولَ اللَّهِ - وَالَّذِي اصْطَفَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْبَشَرِ وَأَنْتَ بَيْنَ أَظْهُرِنَا، قَالَ: فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

1 - النكت والعيون، الماوردي، (3 / 220).

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ، ثُمَّ قَالَ: " لَا تُفَضِّلُوا بَيْنَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ... "(1).

ترجمه: (نه سوگند به ذاتی موسی - علیه السلام - بر بشریت برگزیده است، شخصی از انصار برخاست و بر صورتش کوبید، و گفت: می گویی سوگند به ذاتی که موسی - علیه السلام - را بر بشریت برگزیده است در حالی نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - در میان ما است؟ بعد از آن - این یهودی - نزد نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - رفته و گفت: ای ابو القاسم! - در حالی که - برای من عهد و پیمانی است، پس چرا فلانی بر صورتم کوبیده است، - مبارک علیه السلام روی به آن شخص - فرمود: (چرا بر صورتش کوبیدی؟) - راوی گفت: او در پاسخ گفت: ای رسول خدا! - او گفت - سوگند به ذاتی که موسی - علیه السلام - بر بشریت برگزیده است در حالی که شما در میان ما هستید، سپس نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - از این موضوع خشمگین شده طوری که - آثار غضب - در چهره اش مشاهده شد، و فرمود: (در میان انبیاء الله برخی را بر برخی برتری ندهید...).

ابن بطلال - رحمه الله - گفته است: "خشم و شدت به خاطر دستور خداوند متعال از باب امر بالمعروف و النهی از منکر است ... آیا نمی بینی همانا نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - خشم می کرد تا جایی که چهره اش دگرگون می شد" (2).

امام بخاری - رحمه الله - در صحیحش (3) بابی را تحت عنوان (باب در بیان آنچه از خشم و غضب به خاطر دستور خداوند متعال جایز است) آورده است.

1 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش بروایت ابو هریره، به رقم المسلسل: (3414)، تخریج کرده است. و امام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش بروایت ابو هریره به رقم المسلسل: (2373)، تخریج کرده است.

2 - شرح صحیح البخاری، ابن بطلال، (9 / 294).

3 - به کتاب (صحیح البخاری)، (8 / 27)، مراجعه فرمایید.

3 - دشنام در مقابل ستیزه گر:

هر جای سخن مناسب خودش را داشته، بنا بر آنچه که امر ونهی کننده مصلحت را در سرزنش کردن و عزتمندی دین، و در استخفاف و توهین به مخالفین می بیند.

چنانکه نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - در مورد کسی که گفت: کار عامر بیهوده شد، فرمود:

(كَذَّبَ مَنْ قَالَهُ)⁽¹⁾.

ترجمه: (آنکه گفته دروغ گفته است).

و آنگاهی که عروة بن مسعود برای نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - گفت: بدون شک من پیرامون شما مردمان اوباشی را می بینم که سزاوار فرار اند و شما را تنها خواهد گذاشت، پس ابو بکر - رضی الله تعالی عنه - برایش گفت: (بظر = زبانک ...) لات را بمک⁽²⁾.

و (البظر): عبارت از قطعه باقی مانده بعد از ختنه کردن شرمگاه زن است.

واللات: نام یکی از بت های است که - قبیله - قریش و ثقیف او را پرستش می کردند، دشنام عرب این گونه بود که بجای بت مادر فرد را به کار می بردند، ولی حضرت ابو بکر - رضی الله تعالی عنه - در دشنام دادن به عروة معبودش را به جای مادرش قرار داد، که این خود مبالغه پنداشته می شود⁽³⁾.

1 - متفق علیه:

امام بخاری این حدیث را در صحیحش به روایت سلمة بن الأكوع به رقم المسلسل: (4196)، تخریج کرده است.

وامام مسلم این حدیث را نیز در صحیحش به روایت سلمة بن الأكوع به رقم المسلسل: (1802)، تخریج کرده است.

2 - به کتاب (صحیح البخاری) به حدیث رقم المسلسل: (2731)، مراجعه فرمایید.

3 - فتح الباری، (5 / 340).

حافظ ابن حجر - رحمه الله - گفته است: "و از این - حدیث - جواز تکلم به الفاظ مستجهن به منظور تنبیه و سرزنش کردن کسی که از او چیزی سرزند که مستحق سرزنش باشد، دانسته می شود"⁽¹⁾.

و این درشت گویی ها چیزی جزء تعزیر و سرزنش و موانع نیست، که بر اساس مواقع مصلحت و مفسدت استعمال شان تغییر می کند، ولی برای همیشه عادت و شأن نصیحت گران مخلص نمی باشد.

حکم گفتن مرد وزن اجنبی در نوار تعلیقات مطالب نشر شده:

تا زمانی که گفتن از طریق مواقع عمومی بوده که در آنها جمعی از مردم اشتراک دارند از دیدگاه شریعت مشکلی نیست، مشروط بر اینکه این گفتن در میان شان مطابق ضوابط شرعی قرار ذیل صورت گیرد:

1 - اینکه این دو از دایره آداب اسلامی در استخدام کلمات خارج نشوند، و تعابیر مشکوک و ناپسند و ددمنشی را اختیار نکرده؛ چنانکه این کار شأن و حال جمع زیادی از اهل هوای و شهوت اند.

2 - اینکه - هدف این گفتن تعلیم و تعلم باشد.

3 - اینکه این گفتن پیرامون روشن شدن حق و یا از بین رفتن باطل باشد.

حکم برچسپ های که بیان گر خوشحالی و یا غم بر روی فیسبوک و غیره است، چیست؟ آیا جزء نوشتن به حساب می آید؟

برچسپ های بیان گر به دو گونه اند:

گونه اول: برچسپ های کامل است؛ طوری که کاملاً مشابه خلقت چیزی ذی روح می باشد؛ مانند انسان، حیوان، پرنده، و این گونه به شکل مطلق جایز نیست.

1 - فتح الباری، (5 / 340).

گونه دوم: برچسپ های ناقص است؛ مانند سر تنها، و عضوی دیگر و یا بیشتر از یک عضو، همانا برخی از اهل علم در مورد استفاده ناقص الخلقه طوری که با وجود این نقص امکان حیات ذی روح نباشد، جایز دانسته اند؛ مانند پیکر بدون سر و یا بدون نصف و مانند آن.

پس آنچه که به شکل ذوات الارواح بوده، ولی طرحش کامل نبوده طوری که تصدیق نشود که آن به انسان یا حیوان حقیقی مشابَهت دارد، این گونه از برچسپ ها از جمله تصاویر ممنوعه در نزد علماء به حساب نمی آید.

علامة ابو عبد الله الخرشى الأزهرى المالکى - رحمه الله - در شرح مختصر خلیل بعد از ذکر تحریم تصویر گفته است: "این تحریم به تصویر مکمل تعلق دارد، اما تصویری که عضوی از اعضای آشکارش ناقص باشد، دیدن به آن جایز است".

شیخ ابو الحسن الصعیدی العدوی در حاشیه اش بر این کتاب گفته است: "گفته اش اما ناقص عضوی از اعضای که آشکار است؛ یعنی: شکمش دریده باشد، نگاه کنید و همچنین گر عضوی از اعضای ظاهری اش پنهان مانده باشد" (1).

شیخ عدوی - رحمه الله - در حاشیه اش بر (شرح کفایة الطالب الربانی) گفته است: "نتیجه سخن اینکه آنچه تصویر نگاری اش حرام است نگاه بدو نیز حرام است، و آنچه مکروه است نگاه بدان نیز مکروه است، و آنچه مباح است نگاه بدان نیز مباح است" (2).

امام فقیه ابن قدامة حنبلی - رحمه الله - گفته است: "و همچنان زمانی که در ابتدای تصویر، تصویر بدن بدون سر بوده و یا سر بدون بدن، و یا برایش سری بوده و باقی مانده جسمش غیر زنده جان باشد، - اینها - در

1 - شرح مختصر خلیل، الخرشى، همراه با حاشیه اش، العدوی، (3 / 303).
2 - حاشیه العدوی علی شرح کفایة الطالب الربانی، (2 / 460).

تصویر نهی شده داخل نیست؛ زیرا اینها تصویر کاملی از زنده جان نیست" (1).

علمای فوق بر این اقوال شان از این استدلال کرده اند: به حدیث حضرت عایشه ام المؤمنین - رضي الله تعالى عنها - که همان جامه را تکه تکه کرد در حالی که در آن تصویر وجود داشت؛ گفت: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - از سفر آمد در حالی که بر دروازه خانه ام پرده آویزان بود که در آن تصویر وجود داشت، گفت: و رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - آنرا گرفت و فرمود: آیا دیوارها را می پوشانی؟ سپس آن را دو - پوش - بالش جور کردم، و دیدم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به آن دو راحت تکیه می زد (2).

و در روایت امام مسلم چنین آمده است: (همانا خداوند متعال ما را به پوشانیدن سنگ ها و گل ها دستور نداده است)، - عایشه - گفت: از آن دو - پوش - بالش جدا نمودم و در داخل آنها لیف قرار دادم و نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - بر این کارم خورده نگرفت (3).

حافظ ابن حجر - رحمه الله - گفته است: "زمانی که این پرده را دو تکه کرده بود از وسط تصاویر این دریدگی گذشته بود پس از شکل تصویری اش بیرون شده بود" (4).

و امیر الصنعانی - رحمه الله - گفته است: "و زمانی که آن پرده درانده باشد، پس تصویری باقی نمانده است" (5).

از ابو هریره - رضي الله تعالى عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود:

1 - حاشیة العدوي علی شرح كفاية الطالب الرباني، (2 / 460).

2 - صحيح ابن حبان، رقم المسلسل: 5843.

3 - امام مسلم این حدیث را در صحیحش به رقم المسلسل: 2107، تخریج نموده است.

4 - فتح الباری، (10 / 390).

5 - التحبير لإيضاح معانی التيسير، الصنعاني، (4 / 650).

(أتانى جبريل فقال لى انى كنت أتيتك البارحة فلم يمنعنى أن أكون دخلت عليك البيت الذى كنت فيه إلا أنه كان على الباب تماثيل وكان فى البيت قرأ ستر فيه تماثيل وكان فى البيت كلب فمر برأس التمثال الذى فى البيت فأقطع فيصير كهية الشجرة ومُر بالستر فأقطع فأجعل منه وسادتين مَبُودَتَيْنِ تُوطَانِ وَمُر بِالْكَلبِ فَأُخْرَجُ(1).

ترجمه: (جبرئیل نزد من آمد و به من گفت: دیشب نزد تو آمدم ولی چیزی که مانع ورود من به داخل خانه گشت این بود که: بر روی در خانه تصاویر وجود داشت و در داخل خانه سرا پرده با تصاویر آویزان شده بود و نیز در داخل خانه سگ وجود داشت پس سر تصاویر را قطع کن تا شبیه درخت شود و دستور دهید پارچه را قطعه قطعه کنند و از آن دو تا پشتی بسازند که دور انداخته شده و در زمین پهن شوند، و دستور دهید سگ را بیرون کنند. پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - این کار را انجام داد و سگ را که از حسن یا حسین بود دستور داد و خارج نمودند).

بنا بر این حدیث همچنان تصویر برخی اعضاء همانند تصویر کامل نیست.

اگر سائل چنین سوال کند: بدون شک استفاده این چهر ها (برچسپ ها) همان استفاده سر ها است، و نبی اکرم - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: "تصویر همان سر است، وقتی که سر قطع شد پس تصویری در کار نیست"⁽²⁾ پس این حدیث دلالت کرد که سر همان چیزی است که در تحریم تعیین شده است.

در پاسخ گفتم: بلکه این حدیث دلالت ندارد که سر همان چیزی است که در تحریم تعیین شده است، بلکه دلالت دارد که قطع نمودن سر تصویر را از بین می برد، این مورد را در حدیث ام المؤمنین عائشة -

1 - این حدیث صحیح است: این حدیث را ابو داود به رقم المسلسل: (4158)، و امام الترمذی این حدیث را به رقم المسلسل: (2806)، تخریج نموده اند.
2 - این حدیث صحیح است: امام البیهقی این حدیث را در سنن الکبری، (7 / 441)، تخریج نموده است.

رضی الله تعالی عنها - که پیشتر ذکر شد که او پرده را دو تکه کرد و نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - بر آن نشست و خورده نگرفت بیان می کند، و در این هم شکی نیست که در یکی از این دو بالش سر تصویر هم وجود داشته است.

و در مورد آنچه که نقل کرده ام به تعلیق حافظ ابن حجر و علامه صنعانی بر این حدیث مراجعه فرمایید.

از همین جهت شیخ علی معروف به العزیزی - رحمه الله - در سراج المنیر شرح الجامع الصغیر گفته است: "(تصویر همان سر است)؛ یعنی: تصویری حرام است که دارای سر باشد، (وقتی که سر قطع شد سپس تصویری در کار نیست)؛ پس تصویر زنده جان حرام است زمانی که سرش قطع شد، و یا با آن کار کند که زندگی بدون آن ممکن نباشد مانند دریدن شکمش - در این صورت - تحریم از بین می رود".

امیر الصنعانی - رحمه الله - گفته است: "(زمانی که سر قطع شد پس تصویری در کار نیست)؛ زیرا بدون این زنده جان دیگر باقی نمی ماند، پس کسی که سر تصویر حرام شده را قطع نماید تحریم منتفی خواهد شد؛ زیرا تصویری بدون سر تصویر نامیده نمی شود، و فقهاء کرام آن عده اعضای که زنده جان بدون آن زنده نمی ماند را به قطع سر قیاس کرده اند" (1).

ابن قدامة المقدسی - رحمه الله - گفته است: "و اگر از تصویر چیزی قطع شد که زنده جان بعد از بین رفتنش - زنده نماند - مانند سینه و شکمش، و یا برایش سری جدا از تنش ساخته شود، این گونه تصاویر تحت نهی شامل نیست؛ زیرا تصویر بعد از بین رفتنش تصویر باقی نخواهد ماند، پس این مثل قطع کردن سر تصویر می باشد" (2).

1 - التتویر شرح جامع الصغیر، (74 / 7).

2 - المغنی، (282 / 7).

علامة منصور بن یونس البهوتي - رحمه الله - گفته است: "و هر زمانی که از تصویر سرش قطع شد یا آنچه زندگی بدون آن ممکن نیست قطع شد، پس این گونه تصاویر کراهیت ندارد"⁽¹⁾.

و همچنان علامه البهوتي گفته است: "یا قطع شد از آن؛ (یعنی از تصویر)، چیزی که بدون آن زندگی ممکن نیست پس آن همانند قطع نمودن سر است، مثل سینه شکم یا اینکه پیکر را بدون سر یا سینه یا شکم به تصویر کشد، و یا اینکه برایش سری جدا از تنش به تصویر کشد، یا اینکه سری را بدون بدن به تصویر کشد، کراهیت ندارد؛ زیرا این تحت نهی شامل نمی شود"⁽²⁾.

موارد ذیل به آن آنچه گذشت پیوند دارد:

1 - و اگر در تصویر نشانه های چهره حقیقی از قبیل دو چشم، دهان و بینی یافت نشود، پس این مانند تصویری است که دارای سر و دو گوش نباشد، از برخی اهل علم این گونه آمده است که: "اگر تصویر کوچک باشد، طوری که برای بیننده بدون دقت تمام دید نداشته باشد، این گونه تصاویر مکروه پنداشته نمی شود"⁽³⁾.

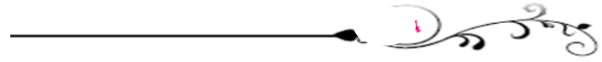
پس این مثل همین بازیچه های که از پنبه است، تصویر پنداشته نمی شود؛ زیرا برای آن سری جزء پنبه نیست، و در آن نشانه های چهره هم وجود ندارد، نه چشمی، و نه بینی و نه گوشه، وقتی که تصویر دارای سر نباشد و یا از نشانه های سر هم خالی باشد، تحریم آن زایل می شود.

2 - بدون شک بکار گیری این گونه برجسپ ها در گفتگوی ها انترنتی جزء ترسیم تصویر پنداشته نشده، بلکه به کاری گیری آن است، و به کار گیری تصاویر این چنینی و نگاه کردن به آنها مباح است.

1 - شرح منتهی الإرادات، (3 / 35).

2 - کشاف القناع عن متن الإقناع، (5 / 171).

3 - الفتاوی الهندیة، ترتیب: جمعی از علماء احناف، (1 / 107).



3 - بدون شک این تصاویر نقاشی شده حقیقی نیست، (یعنی خیالی است). والله اعلم.



فصل هفتم

آداب متعلق به پیامک ها از طریق فیسبوک (1)

در این جا آداب مناسبی است برای کار بران پیام رسان های فیسبوک که باید بدانها پایبند باشند، تا اینکه وقت خود و دیگران را ضایع نساخته و اذیت ننمایند.

1 - انتخاب وقت مناسب برای فرستادن پیام:

به خصوص هنگامی که پیشنهاد و یا سوالی دارید باید در حال توقع پاسخ را نداشته باشید، هر چند که این صفحه آنلاین بوده، شاید مسئول آن فرصت مناسب پاسخگویی را نداشته باشد، از جمله آداب این است که باید وقت مناسبی را برای پیام فرستان اختیار کرد، زیرا مردم دارای مشغولیت، ضرورت، اوقات صرف طعام، و اوقات استراحت بوده، پس ایشان - با وجود این همه - از شما برای رفع ضرورت و حاجت روایی خویش اولویت بیشتری دارد.

و زمانی که مرسل إليه - کسی که پیام برایش فرستاده شده - پاسخ را به وقت دیگری محول کرد با تمام شرح صدر از وی بپذیرید.

و زمانی که از شما می خواهد منتظر بمانید پس شما با خاطری آسوده بدون احساس خستگی منتظر بمانید.

1 - در این فصل این رساله از کتاب (آداب الهاتف = آداب تلفن)، از علامه بکر بن عبد الله ابو زید - رحمه الله - استفاده نموده ام، پس آداب و احکام متعلق به پیامک های فیسبوکی بر آداب تلفن و احکام آن قیاس کردم، ومنهج جناب شیخ - رحمه الله - تعقیب نموده ام.

به تحقیق شریعت برای شخصی که هدف زیارت قرار می گیرد حق الاعتذار داده و همچنان مرسل الیه نیز به او قیاس می شود.

خداوند متعال فرموده است:

(...وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ...) (1).

ترجمه: (...اگر هم به شما (اجازه داده نشد و) گفتند: برگردید، پس برگردید (و اصرار نکنید). این (کار رجوع، زینده‌تر به حالتان و) پاکتر برایتان می‌باشد...).

بدون اینکه در وجود خویش ملالتی را از اهل این خانواده، یا بدرفتاری و یا تنفیری را احساس کنید، باز گردید، هر کسی دارای رازها و عذرهای خودشان است، و باید در هر وقت تنظیم تعاملات و ظرفیت سازی را به خود ایشان بسپارید (2).

2 - فرستادن سلام در آغاز از جانب فرستنده پیام:

همانا فرستنده پیام در حکم شخصی است که از راه می رسد پس وقتی که پیامی را ارسال می کند باید با تحفه و تحیت اسلام این طور آغاز نماید: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، زیرا این شعار اسلام، کلید امنیت، صلح و شرافتی است که برای امت محمد - صلی الله علیه وسلم - طوری که در سنت نبوی آمده، ارزانی شده است.

از ربعی - رضي الله تعالى عنه - روایت است که:

(حَدَّثَنَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي عَامِرٍ أَنَّهُ اسْتَأْذَنَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي بَيْتٍ فَقَالَ: أَلِجْ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَخَادِمِهِ: «أَخْرُجْ إِلَى هَذَا فَعَلَّمَهُ الْإِسْتِئْذَانَ فَقُلْ لَهُ قُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَدْخُلْ؟»

1 - سوره مبارکه النور: (28).

2 - تفسير في الظلال، (4 / 2508).

فَسَمِعَهُ الرَّجُلُ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَدْخُلْ؟ فَأَذِنَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَدَخَلَ⁽¹⁾.

ترجمه: (مردی از بن عامر برای ما صحبت کرد که او بر پیامبر صلی الله علیه وسلم اجازهء ورود خواست، در حالیکه ایشان در خانه ای بودند و گفت: آیا وارد شوم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم برای خادمش گفت: نزد این شخص برو و اجازت خواستن را بوی یاد داده و بگو که بگوئید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آیا داخل شوم؟ و مرد آن را شنیده و گفت: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آیا وارد شوم؟ پس پیامبر صلی الله علیه وسلم بوی اجازت داد و او داخل شد).

پس این حدیث بر تقدیم سلام - بر همه چیز - دلالت دارد، و باید فرستنده نوشتن سلام را بر بقیه نوشته ها مقدم نماید.

و همچنان آنکه سلام را می خواند (کسی که نامه به او ارسال شده) پاسخ سلام را به گونه نوشتاری اجرا نماید.

و چیز های که در این جا ممنوع است: ترک این تحفه مبارک اسلامی است، و عدول از آن به چیز های دیگر چون: (های، الو، صبح به خیر، و شب منور و...).

3 - بر مرسل الیه (کسی که نامه به او ارسال شده) برای فرستنده ابراز خوش آمدگوی کند:

خوش آمد گویی در ملاقات روش انبیاء - علیهم السلام - است.

زمانی که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را در شب معراج - به آسمان ها - بلند کردند، برای شان حضرات آدم و ابراهیم - علیهما السلام - گفتند: "به فرزند صالح و نبی صالح خوش آمدید باد" و

1 - این حدیث صحیح است: امام ابو داود به رقم المسلسل: (5177)، تخریج نموده است.

حضرات یحیی، موسی، عیسی، ادریس و هارون - علیهم السلام - گفتند: "به برادر صالح و نبی صالح خوش آمدید باد" (1).

و نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - برای فاطمة فرمود: "برای دخترم خوش آمدید بادا!" (2).

و برای ام هانی فرمود: "برای ام هانی خوش آمدید بادا!" (3).

و برای گروه نمایندگان قبیله عبد قیس فرمود: "برای قوم و گروه نمایندگان خوش آمدید باد" (4).

حافظ ابن حجر - رحمه الله - گفته است: "فرموده اش (مرحبا = خوش آمدید) این کلمه منصوب به فعلی است که پیش از آن مضمَر است؛ یعنی: (صادفتُ رَحْبًا به ضم راء = با خوشی و گشایش مواجه شدم) یعنی گشایش، (الرَّحْب) به فتح راء چیز وسیع را می گویند، و برخی اوقات با این کلمه - در زبان عربی - (أهلاً) زاید می شود، یعنی: اهلی را یافتید که با آنها انس بورزید، و عسکری افزوده است نخستین کسی که (مرحباً = خوش آمدید) را بزبان آورد سیف بن ذی یزن بود، و در این حدیث بر مستحب بودن انس بخشی برای وارد شونده دلالت دارد، و این مورد از نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - به گونه مکرر ثابت است" (5).

4 - شتاب در بر آوردن حاجت (یعنی به گونه پراکنده پیام نکنید):

مثلاً ننویسید: (السلام علیکم) سپس منتظر پاسخ سلام بمانید، بلکه مستقیم مشکل خویش را بنویسید، و بعد از آن به گونه مثال نگویید:

1 - متفق علیه:

به صحیح بخاری حدیث رقم المسلسل: (3887)، و به صحیح مسلم حدیث رقم المسلسل: (164)، مراجعه فرمایید.

2 - متفق علیه:

این حدیث را امام بخاری به روایت عائشة به رقم المسلسل: (3623)، تخریج نموده است.

و امام مسلم نیز این حدیث به روایت عائشة به رقم المسلسل: (2450)، تخریج نموده است.

3 - این حدیث را امام بخاری به رقم المسلسل: (357) تخریج نموده است.

4 - این حدیث را امام بخاری به روایت ابو حمزة به رقم المسلسل: (87) تخریج نموده است.

5 - فتح الباری، (1 / 131).

(حال شما چطور است؟) و سپس منتظر پاسخ جواب خویش بمانید، و همچنان نگویید: (آیا ممکن است سوال کنم) سپس منتظر بمانید که برای شما اجازه داده شود، بدون حالت های گفتگو پیام های پراکنده ارسال نکنید، و همچنان به مجامله گویی و ستایش سرایی نپردازید.

5 - خود را معرفی نمایید:

به خصوص زمانی که مرسل الیه (کسی که پیام به او ارسال شده) از شما این را می خواهد؛ زیرا اکثر صفحات فیسبوک نام های مبهمی دارد مثل (ابو اسماعیل ...) پس وقتی که از شما معرفی خواسته می شود نگویید: (ابو اسماعیل)، زیرا این گونه معرفی ها خیلی مبهم است، و ما از روش سلف این را نمی دانیم که ایشان کنیه های خویش را برای مردم به معرفی گرفته باشند، بلکه معرفی با ذکر نام فامیلی و نژاد مکمل می شود: (فلان فلانی).

و این در صورتی است که شخص به کنیه اش معروف نباشد که قایم مقام نژادش شود، و الا ذکر کنیه اش کافی است.

6 - قرار دادن هر کسی را به جایگاهش:

در مکاتبات و پیام های خویش ادب را با در نظر داشت منزلت مخاطب خویش رعایت نمایید، منزلتش را از لحاظ سنی، وقار، قرابت، و صاحب شوکت بخصوص عالمی که به علم خویش عامل است، باید در نظر داشت.

از حضرت عائشة ام المؤمنین - رضي الله تعالى عنها - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود:

(أَنْزِلُوا النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ)⁽¹⁾.

1 - این حدیث به درجه حسن رسیده ان شاء الله: امام ابو داود این حدیث را به رقم المسلسل: (4842)، تخریج نموده است.

ترجمه: (هر کس را در جایگاه خودش قرار دهید).

از عبادة بن الصامت - رضي الله تعالى عنه - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرموده است:

(لَيْسَ مِنْ أُمَّتِي مَنْ لَمْ يُجِلِّ كَبِيرَنَا، وَيَرْحَمِ صَغِيرَنَا، وَيَعْرِفَ لِعَالِمِنَا)⁽¹⁾،
أي حقه⁽²⁾.

ترجمه: (هر کس به بزرگسالان ما احترام نگذارد و به خردسالان ما ترحم ننماید و حق عالمان ما را ادا نکند از ما نیست).

اما با کفار - در شریعت - تعاملی خاصی وجود دارد که با آنها چگونه تحیت تقدیم شده و چه اندازه با آنان سخن گفته شود و چیز های دیگر.

خلاصه: باید عزت و شکوه اسلام شما را همواره بدون تکبر و ضایع کردن حق معتبر شرعی دیگران همراهی کند.

7 - طولانی نکردن گفتگو:

قاعده این: هر حرف جایی، و هر جای مقداری دارد، باید از بیهوده سرایی، سخنان ملال آور، طولانی و آزار دهنده دوری جست.

8 - رعایت کردن شرایط مردم:

اگر برای دوستی پیام ارسال کردید، استقبال و شادمانی او را از گذشته کمتر یافتید، در حال به درشتگویی متوسل نشوید، باید قبل از هر چیز برایش عذری جستجو کنید، شاید ایشان به مشکلی گرفتار شده باشد، و یا هم عامل دیگری باعث تغییر مزاجش شده باشد، که این گونه زندگی با صفای او را مکدر نموده است، پس بر شما لازم است که نسبت به

1 - این حدیث صحیح است، امام احمد در (مسند) به رقم المسلسل: (22755)، و امام بخاری در کتابش (ادب المفرد)، (ص 355)، و حاکم در کتابش (المستدرک) به رقم المسلسل: (421) تخریج نموده اند.

2 - به کتاب (التبسیر بشرح الجامع الصغیر)، المناوی، (331/2) مراجعه فرمایید.

دوستان خویش نیک گمان باشید، و سوسه های شیطانی را دنبال نکرده، که در نتیجه شما را نسبت به برادران تان بد گمان سازد.

و حتی اگر برای شما با دلالت قرائن روی گردانی او هم ثابت شد، باز هم به وجود خود تان بنگرید که چه کردید و در حقش چه بد رفتاری را انجام دادید؟ پس در صورتی که در وجودت چیزی را نیافتید، آنگاه آسوده خاطر باشید.

9 – برای ارسال پیام از صفحه شخصی دیگر بدون ضرورت استفاده نکنید:

زیرا این برخی اوقات باعث اذیت صاحب صفحه می شود، و برخی اوقات هم شده که برای شما اجازه می دهد ولی خودش ملول است، و برخی اوقات هم ممکن مرسل الیه (کسی که نامه به ارسال می شود) به خاطر سببی از اسباب او را دوست نداشته باشد.

10 – ختم مکاتبات خویش را با سلام پایان بخشید:

آنچنان که پیام های خویش را با سلام آغاز می کنید، ختم شان را نیز با شعار اسلام (سلام) پایان دهید.

از ابو هریره - رضي الله تعالى عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم فرمود:

(إِذَا انْتَهَى أَحَدُكُمْ إِلَى الْمَجْلِسِ فَلْيُسَلِّمْ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ فَلْيُسَلِّمْ، فَلَيْسَتْ الْأُولَى بِأَحَقَّ مِنَ الْآخِرَةِ)⁽¹⁾.

ترجمه: (هرگاه یکی از شما به میان مجلس رفت، سلام کند و هنگامی که برخاست، باز سلام کند که سلام اول شایسته تر و بهتر از سلام آخری نیست (و هر دو در سنت بودن و ثواب، با هم برابرند).

1 - این حدیث صحیح است: امام ابو داود این را به رقم المسلسل: 5208، تخریج نموده است.

فرستنده پیام و مسئول صفحه (ادمین):

این کار شایع شده که برخی از دعوت گران و طلاب علم و دیگران برای صفحات خویش مسئولین بر می گزینند، و این کار شان به عنوان دعوت گران الی الله مناسب نیست، در حالی از ایشان انتظار تواضع و ترک دروازه بان برده شده و تمام پیام ها به گونه مستقیم به خود شان موصلت کند⁽¹⁾.

این به شکل عموم گفته شده است، ولی عده خاصی از علماء و مشایخ، برای شان ممکن نیست که پیام ها را به گونه مستقیم دریافت کرده، تا آنچه مهم است از هرزه ها جدا کرده و سپس پاسخ شان را ارائه کند، طوری که آنچه مهم است در پاسخ اولویت داده شود.

فرستنده پیام و مفتی:

چه زیبا روشی است که مستفتی برای مفتی که از او فتوای می خواهد این گونه می نویسد:

(السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، - خداوند متعال با شما خوبی کند - نردم سوالی وجود دارد، و او این است....) بعد از جواب جناب مفتی می گوید: (خداوند متعال شما را جزای خیر، و پاداش نیک دهد، و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته).

روش بسیار مودبانه، کوتاه و خالی از زیاده گویی است.

برخی از ملاحظات نادرستی که در مکاتبات روی فیسبوک وجود دارد:

1 - سوالات ساختگی برای آزمایش دانش شخص مرسل الیه (کسی که به او نامه ارسال شده است):

1 - این سخن متوجه آن عده دعوت گرانی اند که برای شان وقت کافی وجود دارد تا با این مطالب دعوتی در این دنیای - مجازی - مواجه نمایند، سپس آنان نمی پذیرند.

به خصوص زمانی این شخص مرسل الیه (کسی که به او نامه ارسال شده) به طلاب علم نسبتی داشته باشد، پس این شخص (مرسل = فرستنده) آمده مسأله ی را تحقیق نموده و جوابش را استحضار کرده، سپس با سوال پیچ نمودن و مجادله کردن می پردازد؛ تا عجز و کوتاهی مرسل الیه را آشکار کند.

2 - سوالات ساختگی برای شناسایی تمایل شخص مرسل الیه:

از موضوع کذایی و یا از فلان شخصی می پرسد، تا ثابت بسازد که مرسل الیه صاحب بدعت و یا بر مشرب برخی از مردمی که در غلو قرار دارد، می باشد.

3 - کپی بردار از گفتگوی و پخش آن:

حتی اگر این گفتگو شامل موضوع خیر باشد، زیرا نشر آن بدون اجازه صاحب دیگرش خیانت پنداشته می شود.

چگونه که اگر در این گفتگو خطای و یا گناهی باشد؟! !

این ... و ان شاء الله تنبیهاتی بیشتر بر این خیانت بیان خواهد شد.

مکاتبات زنده کننده:

عبارت از مکاتباتی است که بدان وصله رحم به خصوص با کسی که از شما بریده است زنده می شود، و با این مکاتبه درخت برادری میان شما و هر کس دیگری که خدا بخواهد و در دنیای فیسبوک که از مسلمانان باشد، آبیاری خواهد شد، و در تهنیت گویی های شرعی، و مزده بر سلامتی و برآورده شدن مشکلات مردم به کار گرفته می شود.

و از این مکاتبات در تقدیم سلام بر بیمار و دعا برایش و احوال پرسسی غیر ملال آور استفاده می شود، ولی از مفصل پرسسی بیماری بیمار اجتناب شود.

و با این مکاتبات مواسات و غم شریکی با کسی که از ناحیه مالی خسارت رسیده نیز ممکن است، چون خیلی از غم شریکی ها است که سبب تسلیت مصیبت دیده می شود.

پس این مکاتبات شما را از سنت گام برداشتن به سوی این فضایل منع نکند، ولی این در جای ضرورت می شود، که وضعیت شما از زیارت رو در رو کوتاه بیاید.

پس زمانی که زیارت شخص بیمار و غم دیده خفیف و به اندازه جلسه خطیب میان دو خطبه اش می باشد، باید مکاتبات هم چنین باشد، و این همان اصل است، و آن کسی که با شما راحت هست او را حالتی است که بر شما پوشیده نخواهد ماند.

مکاتبات اذیت کننده:

اذیت رسانیدن مسلمان حرام، و خیانت کردن با وی نیز حرام، و هتک حرمت هایش هم حرام است.

و از جمله اذیت های که در مکاتبات روی فیسبوک صورت می گیرد، همان خیانت دو برابر است: یعنی (تصویر برداری از مکاتبات و نشر کردن آن).

پس برای مسلمانی که امانت را رعایت کرده و خیانت را بد می پندارد جایز نیست که از کلمات مکاتبه بدون اجازه و آگاهی صاحبش هر چه می خواهد باشد: چه دینی و یا دنیوی باشد، مانند فتوای یا مناقشه علمی یا مالی و یا آنچه در این جریان قرار می گیرد، کپی برداری کرده و نشرش نماید.

در حالی از حدیث جابر بن عبد الله الأنصاری – رضي الله تعالى عنه – که از نبی اکرم – صلی الله علیه وسلم – روایت کرده ثابت است که ایشان فرمود:

(إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ الْحَدِيثَ ثُمَّ التَّفَتَ فَهِيَ أَمَانَةٌ) (1).

ترجمه: (وقتی کسی سخنی گفت و رویش را برگرداند، - سخن او نزد شما - امانت است).

معنای کلمه (التفت)؛ یعنی: به سوی راست و چپ نگاه کند، طوری که به دلیل قراین از حالش چنین پیدا باشد که قصدش عدم آگاهی دیگران به استثنای مخاطب از سخنانش است، پس سخنانی را که دوست شما با شما در میان گذاشته امانتی است که به شما سپرده شده و اگر با کسی دیگر در میان گذاشتید بدون شک با دستور الله مخالفت کردید؛ طوری که امانت را به غیر اهلش سپرده، و جزء ستمگاران خواهید بود، باید این سخنانش را از دیگران پنهان کرده؛ زیرا او با نگاهایش به راست و چپ از شما کتمان خواهی کرده است (2).

قاسمی - رحمه الله - گفته است: "افشای راز یک خیانت بوده و در صورتی که ضرری ایجاد شود حرام است، و در صورتی که ضرری ایجاد نکند عتاب و ملامتی است" (3).

ماوردی - رحمه الله - گفته است: "آشکارا کردن راز شخص دیگر بدتر از آشکارا کردن راز خودش است، زیرا با این کار به یکی از این دو وصف متهم می شود: خیانت، اگر او را امین پنداشته باشد، و سخن چینی، اگر این راز را به او سپرده باشد، ولی از دید میزان ضرر رسانی بسی اوقات هر دو مساوی بوده و یا هم یکی بر دیگری تفاضل پیدا می نماید. و هر دوی اینها مذموم و این شخص در ارتکاب هر دو ملامت خواهد بود" (4).

1 - این حدیث به درجه حسن لغیره رسیده است: امام ابو داود به رقم المسلسل: (4868)، و امام الترمذی به رقم المسلسل: (1959) تخریج کرده اند.

2 - به کتاب (فیض القدير)، المناوي، (1 / 329)، مراجعه فرمایید.

3 - موعظة المؤمنین من إحياء علوم الدين، (ص 194).

4 - أدب الدنيا والدين، الماوردی، (ص 307).

راغب اصفهانی - رحمه الله - گفته است: "راز به دو گونه است: یکی از آنها: سخنی است که انسان آن را کتمان خواهی کند، و این کار به گونه نطق است، مانند گفته شما برای دیگری، این سخن را پنهان نگهدار، و یا به گونه قرینه حال است: و آن طوری است که گوینده آنچه را می خواهد بگوید، تلاش می کند که به گونه باشد، یا اینکه صدایش را آهسته می کند، و یا اینکه از اهل مجلس پنهانی ارائه می کند، و این همان چیزی است که در این حدیث اراده شده است"⁽¹⁾.

پس زمانی که شما بدون اجازه و آگاهی صاحبش مکاتبه را کپی برداری کردید، این مکر، فریب و خیانت در امانت پنداشته می شود.

و زمانی که این را برای دیگران به نشر سپردید، این افزون بر خیانت بوده و هتک امانت خواهد بود.

و اگر کاری سوم را با آن کردید یعنی متن مکاتبه را سانسور یا چیزی بر آن افزودید و یا حذف کردید، در این حال خیانت دوچند اوج گرفته و (مادر پلیدی ها) بر سطح سر شما فرود آمده طوری که برای خاین هم مایه تأسف خواهید بود.

پس از خداوند بترسید - بندگان الله - و به امانت هایش را تان را خیانت نکنید، و با برادران تان پیمان شکنی نکنید.

حکم تبادل پیامک ها فیسبوکی میان مردان و زنان چیست ؟

بدان که قاعده بر این است: برای مرد مجاز نیست که با زن مخاطبه کند، و نه هم زن مرد را مورد خطاب قرار دهد، مگر هنگام ضرورت و همچنان بدون نرمش در صدا در صورتی که از فتنه در امان باشد؛ چنانکه خداوند متعال می فرماید:

1 - الذریعة إلى مکارک الشریعة، راغب الأصفهانی، (ص 212).

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا)⁽¹⁾.

ترجمه: (ای همسران پیغمبر! شما (در فضل و شرف) مثل هیچ یک از زنان (عادی مردم) نیستید. اگر می‌خواهید پرهیزگار باشید (به گونه هوس‌انگیز) صدا را نرم و نازک نکنید (و با اداء و اطواری بیان ننمائید) که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند. و بلکه به صورت شایسته و برازنده سخن بگوئید. (بدان گونه که مورد رضای خدا و پیغمبر او است).

اگر چه این خطاب متوجه زنان نبی اکرم – صلی الله علیه وسلم – زیرا حکم آن شامل همه زنان است، بلکه عموم زنان به این اولی تر اند.

اما حکم تبادل پیام های فیسبوکی به گونه نوشتاری:

زیرا این قرار مشاهده به دو گونه است:

گونه اول: تبادل پیام های که مشتمل بر خدمات علمی است؛ مثل تبادل تحقیقات و کتاب ها در محققان مرد و زن، یا حل مشکل علمی، یا تقدیم نصیحت و خیر اندیشی که ممکن نیست که به گونه علنی گفته شود، و امثال آن.

و حکم این پیام ها به شخصیت خود مرد و زن باز می گردد، کسی که احساس ضعف می کند و از افتادن در دام های شیطان بر خود می هراسد واجب است که از این نوع مکاتبات خود داری کند، و خودش را باید نجات دهد، و اما کسی بر خود مطمئن و متیقن است، پس این کار برایش با وضع شرایطی مجاز است:

شرط اول: اینکه سوال به امور شخصی ارتباط نداشته باشد؛ مانند عمر، ازدواج، محل سکونت، تحصیلات و امثال آن.

1 - سوره مبارکه الأحزاب: (32).

شرط دوم: اینکه از موضوع سخنی که سبب مکاتبه شده خارج نشود، و زمانی که یکی از آنها از موضوع خارج شد دومی باید ترکش کند.

شرط سوم: آگاهی ولی الامر؛ مانند پدر، یا شوهر به این مکاتبه و اطلاع بر آن، تا اینکه شیطان در این گونه مکاتبات سهمی نداشته باشد.

شرط چهارم: باز داشتن از مکاتبات مستقیم در صورتی که قلب به سوی شهوت در حرکت باشد.

گونه دوم: پیامک های تعارفی که برخی از جوانان مبتلا به آنها می پردازند، تا اینکه بر دختران جوان در این دنیای نیلگون آشنایی حاصل نمایند، پیامک های را که به دروغ و تزویر به نام پیامک های بی آرایش مسمی کرده اند.

و حکم این نوع پیامک ها عدم جواز بوده و به هیچ وجه حلال نیست، و حرمت دنبال کردن گام های شیطان در دین الله تعالی آشکار است، و هر چیزی که به حرام منجر شود اگر چه اصلش مباح باشد نیز حرام است، چنانکه خداوند متعال در این مورد می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ...)⁽¹⁾

ترجمه: (ای مؤمنان! گام به گام شیطان، راه نروید و به دنبال او راه نیفتید...).

درست نیست که این گونه پیام ها با شعار های حسن نیت و برائت مقصد ترکیب شود، و همواره عطاء بن ابورباح می گفت: "اگر مسئولیت و امانت داری یک خانه پول برآیم داده شود، هر آینه امانت دار خواهم ماند، ولی نفسم را بر کنیزی زشت روی در امان احساس نخواهم کرد"⁽²⁾.

1 - سوره مبارکه نور: (21).

2 - سیر أعلام النبلاء، الذهبي، (5 / 88).

امام ذہبی - رحمہ اللہ - با تعلیقی بر این سخن گفته است: کہ ایشان - رحمہ اللہ - درست گفته است، زیرا در حدیث شریف چنین آمده است:

(أَلَا لَا يَخْلُونَ أَحَدَكُمْ بِأَمْرَةٍ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ تَأْتِيهِمَا)⁽¹⁾.

ترجمہ: (آگاہ باشید هیچ یک از شما نباید با زنی خلوت کند، زیرا شیطان سومین شان است).

سپس اگر یک شخص خیال پرداز طوری خیال پردازی کند، و یا اینکه شیطان کار شان را بہ عنوان دوستی یا شناسایی بہ هدف ازدواج مزین کند، بدون شک این مصلحتی و ہمی و خیالی بودہ، و رد و دفع مفاسد بر جلب منافع مقدم شمرده می شود؛ از این ہمین جہت شراب ہمراہ با فوایدش حرام شدہ است، چرا کہ ضررہایش از منافعش زیاد تر است و همچنان این حکم نسبت بہ قمار نیز چنین است.

خداوند سبحانہ و تعالیٰ می فرماید:

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...)⁽²⁾.

ترجمہ: (دربارہ بادہ و قمار از تو سؤال می کنند . بگو : در آنها گناہ بزرگی است و منافی ہم برای مردم دربر دارند ، ولی گناہ آنها بیش از نفع آنها است...).

و چقدر از این پیام بازی ہا بہ وقوع در حرام، و منتهی بہ آن شدہ است، و آنچه بہ حرام منتهی شود آن چیز حرام است، و آنانی کہ در - بیشتر در این گونه - آب های گل آلود شکار می کند بیشتر از تبار صالحین اند!!! و لا حول و لا قوۃ إلا باللہ.

1 - این حدیث صحیح است: امام أحمد این را در مسندش بہ رقم المسلسل: (15696)، تخریج نمودہ است.
2 - سورہ مبارکہ البقرہ: (219).

برخی از پسران جوان و دختران جوان می گویند: ما به نفس های مان اعتماد داریم!

در پاسخ گفته می شود: برای مسلمان جایز نیست که ایمان خویش را در مواضع فتنه بیزماید؛ زیرا این گمان گاه باطل است؛ از همین جهت نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

(مَنْ سَمِعَ مِنْكُمْ بِخُرُوجِ الدَّجَالِ فَلْيُنْأَ عَنْهُ، فَإِنَّ الرَّجُلَ يَأْتِيهِ فَيَحْسَبُ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ، فَمَا يَزَالُ يَتَّبِعُهُ مِمَّا يَرَى مِنَ الشُّبُهَاتِ)⁽¹⁾.

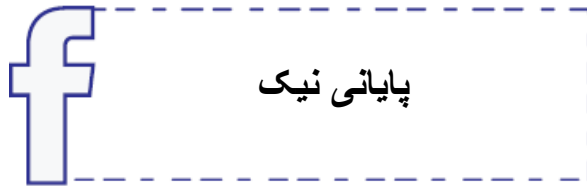
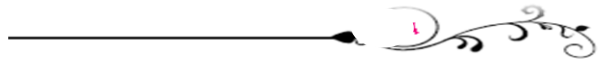
ترجمه: (هر کس درباره خروج دجال بشنود باید از وی دور باشد، بدون شک مرد مسلمان نزد او آمده و خود را مومن می داند، تا جای که از او پیروی خواهد کرد به سبب آنچه که از شبهاتش می بیند).

معنای (فَلْيُنْأَ عَنْهُ)؛ یعنی: از مواضع فتنه دوری جویند⁽²⁾.

سپس تنها حسن مقصد نمی تواند توجیه کننده اعمال و ارتکاب شان را جایز کند؛ از همین جهت و مشخصاً این دروازه باید بسته شود؛ تا اینکه زنان و مردان در منهیات واقع نشوند.

والله اعلم.

1 - این حدیث صحیح است: حاکم این را در المستدرک، (3 / 576)، تخرج نموده است.
2 - به کتاب (المفاتیح فی شرح المصابیح، مظهري، (5 / 434)، و به کتاب (فتح ذي الجلال و الإكرام بشرح بلوغ المرام)، محمد بن صالح العثيمين، (2 / 576)، مراجعه فرمایید.



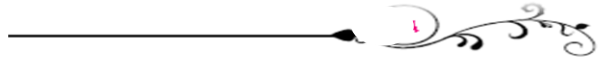
الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات، والصلاة والسلام على نبينا محمد الذي ختم الله به الرسل والرسالات.

از خداوند متعال می خواهیم بهترین اوقات عمر ما را در آخرش، و بهترین اعمال مان را پایان بخش آنها، و بهترین روز های مان روز ملاقاتش گرداند.

تا به این جا این کتاب به پایان رسید، و در جمع آوری، ترتیب و صیافت و تنظیمش آنچه در وسع خویش داشتم تلاش نمودم.

و درست کاری اندک، و انتقاد کننده دارای بصیرت، و حق گمشده هر شخص با انصاف است.

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على سيدنا محمد و آله و صحبه؛ وسلم.



خلص بیوگرافی مترجم

1 - معلومات شخصی:

نام : محمد طاهر

تخلص : قاسمی

نام پدر : عبد الظاهر

تاریخ تولد : (1363 هـ . ش . = 1984 م .)

محل تولد : فراه - افغانستان .

ملیت : افغان

جنسیت : مرد

حالت مدنی : متأهل و دارای چهار فرزند

تجربه کاری : (نه - 9 - سال) در بخش های تدریسی و اداری .

سویه تحصیلی : دکتور / دکتور

آدرس فعلی : ؟

شماره تماس : 0093 - 799131299

ایمیل آدرس : Mohammadtahirqasemi@yahoo.com

آدرس فیسبوک : ا. محمد طاهر قاسمی

آدرس پیج لایک : (صفحه رسمی ا. محمد طاهر قاسمی)

آدرس وبلاگ : (وبلاگ رسمی د. محمد طاهر قاسمی)

2 - تحصیلات اکادمیک :

یوهنتون / دانشگاه بین المللی اسلامی - اسلام آباد (IIUI) (2017 - م . = 1395 - هـ):

دکتر / دکتوراه (Ph.D) علوم اسلامی (اصول الدین) تخصص تفسیر و علوم القرآن.
در حال نوشتن رساله / Thesis

یوهنتون / دانشگاه بین المللی اسلامی - اسلام آباد (IIUI) (2012 - 2014 م . = 1391 - 1392 هـ):

ماستر (M.S.) علوم اسلامی (اصول الدین) تخصص تفسیر و علوم القرآن .

یوهنتون هرات (1383-1386)

لیسانس (B.A) شرعیات و علوم اسلامی رشته تعلیمات اسلامی .

بنیاد بین المللی حقوقی افغانستان (I.L.F.) هرات (1385)

فرآگیری مهارتهای مصاحبه با موکلین، وکالت دفاع، تحقیقات دفاعی، مطالعه دوسیه ها، تحلیل و تجزیه قضایا، تحلیل مواد قانونی، تحریر انواع دفاعیه ها مهارت های مسلکی حقوقی و اشتراک فعال در محاکم و...

دارالعلوم عالی غیاثیه (هرات) : (1380 – 1382)

فارغ دوره ثانوی (صنف دوازدهم) .

3 - فعالیت های اکادمیک :

– استاد بعد از وقت (1393 – 1395) :

موسسه تحصیلات عالی الغیث (هرات) :

1 – پوهنخی شرعیات و علوم اسلامی :

2 – پوهنخی حقوق و علوم سیاسی :

– استاد (1387 – 1395) :

دارالعلوم عالی غیاثیه (هرات) :

4 - وظایف و مسنولیت ها :

آمر دیپارتمنت فقه و عقاید ... (دارالعلوم عالی غیاثیه) (1388 – 1390) .

مدت کار : سه سال .

علت استعفاء ادامه تحصیلات در مقطع ماستری (M.S.) .

سرپرست معاونیت امور محصلان مؤسسه تحصیلات عالی الغیث (1390) .

مدت کار : یک سال .

علت استعفاء ادامه تحصیلات در مقطع ماستری (M.S.).

رئیس یوهنخی شرعیات و علوم اسلامی مؤسسه تحصیلات عالی الغیث (1395 هـ)

مدت کار : یک سال .

علت استعفاء ادامه تحصیلات در مقطع دکترا / دکتوراه (Ph.D).

5 - آثار علمی (مطبوع و آماده چاپ) :

- 1 - قواعد کلی فقه - ترجمه ، نویسنده : سلیم رستم باز لبنانی . شرح مجله الاحکام العدلیه ، (99) قاعده کلی ، مطبوع ، انتشارات مومنی .
و ویرایش دوم نیز آماده ای چاپ است .
 - 2 - فشرده در حقوق فامیل (201) - تسهیل و اختصار ، آماده چاپ .
 - 3 - فشرده در علوم القرآن - تسهیل و جمع آوری ، آماده چاپ .
 - 4 - مشاهد الآخرة فی سور المفصل (جزء عم) ، تالیف ، رساله علمی (تیزس) دوره ماستری (M.S.) ، نشر الکترونیکی: شبکه جهانی الالوکه.
 - 5 - 500 سوال و جواب پیرامون سیرت نبوی ، ترجمه ، نویسنده : د. علی العلی الکعبی ، آماده چاپ .
 - 6 - 266 سوال و جواب در فضایل اعمال (صالح الاعمال) - ترجمه ، نویسنده : سایت مبدع قطر ، (حدود 700 حدیث نبوی) آماده چاپ.
 - 7 - مجموعه هزار اندرز - تالیف ، آماده چاپ .
 - 8 - القاضی عبد الجبار وموقفه من تفسیر القرآن الکریم، نشر الکتروکی، شبکه جهانی الالوکه.
 - 9 - المدخل فی اسباب النزول، نشر الکتروکی، شبکه جهانی الالوکه.
 - 10 - فیسبوک آداب و احکام آن؛ نشر الکتروکی.
 - 11 - ده ها رساله ومقاله های علمی و تحقیقی دیگر که در برخی از مجله ها و یا از طریق انترنت به نشر رسیده است.
- والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.